



پیش قدمی در اندیشه انسانی

سال سوم، شماره اول، پیاپی ۹، بهار ۱۳۹۸

- اقتصاد و فقه حکومتی
- بررسی عوامل مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومت
- ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی
- نقش بسیجیان و پایگاه‌ها در اشاعه اقتصاد مقاومتی
- چیستی اقتصاد مقاومتی؛ بررسی و منشأ مشکلات اقتصادی
- اقتصاد مقاومتی در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران
- رویکرد مدیریتی به اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی
- مبانی، اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی
- حمایت از کالای ایرانی؛ چرایی، چیستی، چگونگی؟



سفرانی



همایش



مقاله



نشست علمی



پیشویان انسانی

فصل نامه علمی تخصصی

سال سوم، شماره اول، پیاپی نهم، بهار ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ع

زیر نظر مدیریت امور پژوهشی

مدیر مسئول: سیدابراهیم حسینی

جانشین مدیر مسئول: محمد بهمنی

سر دبیر: یاسر صولتی

طراح و صفحه‌آرا: محمد عسگری

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره - طبقه چهارم

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۲۹ (۰۲۵)

دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

دریافت و ارسال پیامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir & hamayesh.iki.ac.ir

تلفکس: ۰۳۲۹۳۴۴۸۳



فهرست مطالب

سخن نخست / ۵

اقتصاد و فقه حکومتی / ۷

همایش (سخنرانی آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح)

بررسی عوامل مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومت / ۱۷

سعید قربانی تازه کندی

ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی / ۳۵

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجمال خلیلیان اشکذری

نقش بسیجیان و پایگاه‌ها در اشاعه اقتصاد مقاومتی / ۵۰

سیاوش پورطهماسی / سعید پورطهماسی / آذر تاجور

چیستی اقتصاد مقاومتی؛ بررسی و مشأ مشکلات اقتصادی / ۷۱

مصاحبه با دکتر محمدجواد توکلی

نشست‌های علمی / ۸۴

۱. اقتصاد مقاومتی در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران (حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی ابوطالبی)

۲. رویکرد مدیریتی به اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی (حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدمهدی نادری)

۳. مبانی، اصول و راهبردهای اقتصادمقاومتی (حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجمال خلیلیان اشکذری)

معرفی کتاب / ۱۴۹

حمایت از کالای ایرانی؛ چراپی، چیستی، چگونگی؟



«ما أَحْسَنَ بِإِنْسَانٍ أَنْ يَقْنَعَ بِالْقَلِيلِ وَيَجُودَ بِالْجَزِيلِ»؛ چه
 انسان نیکویی است، آنکه به کم قناعت می کند و زیادی را
 می بخشد (غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۹)



از مهم‌ترین چالش‌های بشری امروز، چالش معنویت و اخلاق است. بسیاری از جنگ‌ها، درگیری‌ها و اختلاف‌های میان جوامع امروزی به سبب دوری از مبانی و اندیشه‌های صحیح انسانی است که در سایه حاکمیت تفکر لیبرالی ظهور و بروز، و آینده بشر را با مخاطرات جدی مواجهه کرده است.

در این میان علوم انسانی به‌مثابه نرم‌افزار مدیریت جوامع انسانی، نقش به‌سزایی در ایجاد، تثبیت و احیانا مواجهه با این چالش ایفا می‌کنند. از این‌رو، به منظور اسلامی‌سازی علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی، توجه به این مهم، ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید که باید کانون توجه و تلاش همه فرهیختگان دلسوز کشور قرار گیرد.

براین‌اساس، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه‌السلام} به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تخصصی علوم انسانی اسلامی در کشور، همواره نقش بسزایی در این عرصه بر عهده داشته است؛ تا آنجا که کنون محصولات مختلفی در قالب‌هایی گوناگون به جامعه علمی و فرهنگی کشور و نیز عرصه بین‌الملل ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین



فعالیت‌های تأثیرگذار این مرکز، برگزاری همایش‌های علمی و وزین، نشست‌های علمی و کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری، نقد و مناظره، متناسب با نیازهای فکری جامعه علمی می‌باشد که آثار و برکات فراوانی نیز داشته است.

مدیریت امور پژوهشی مؤسسه، در راستای رسالت‌های پژوهشی خود، به منظور ترویج افکار و اندیشه‌های علمی بر آن شد تا محتوای برنامه‌های علمی خود، اعم از مقالات، گفت‌وگوها، مناظره‌ها و... را در قالبی مکتوب و در مجله‌ای به‌نام **پویشی در علوم انسانی** به زیور طبع آراسته کند تا علاقه‌مندان به این عرصه بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

با توجه به تنوع و گوناگونی برنامه‌های پژوهشی، برآنیم تا هر شماره از مجله را به موضوعی خاص اختصاص دهیم؛ براین اساس، این شماره که به موضوع «اقتصاد مقاومتی» اختصاص یافته، شامل مقالات محتوای برخی همایش‌ها و نشست‌های علمی و... است که توسط برخی از گروه‌های علمی مؤسسه برگزار شده و امیدواریم مورد توجه علاقه‌مندان این عرصه قرار گیرد.

در این راستا از اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه درخواست داریم تا با مطالعه شمارگان این مجله و ارائه انتقادات و پیشنهادهای سازنده ما را در هر چه بهتر ارائه کردن محصولات پژوهشی به جامعه علمی کشور یاری و کمک رسانند.

مدیریت امور پژوهشی

اردیبهشت ۱۳۹۸



اقتصاد و فقه حکومتی

همایش*

حکومت، نهادی است که متصدی رفع نیازمندی‌های جامعه است؛ نیازمندی‌هایی که یا به طور کلی از عهدهٔ افراد بر نمی‌آید و یا اگر برآید، داوطلبی ندارد. فرض کنید دفاع از یک کشور اگر دشمن به یک کشوری حمله کرده و آن را تصرف کرد، این کار یک فرد و دو فرد، یک گروه دو گروه نیست که در مقابل دشمن مقاومت کند. مثل حمله صدام در سال‌های اول انقلاب. در این جا اگر اداره جنگ به عهده خود مردم باشد، موفقیتی حاصل نمی‌شود؛ هماهنگ کردن نیرو، فراهم کردن اسلحه، آموزش نیرو و مهم‌تر از همه، مدیریت و فرماندهی. اگر این‌ها نباشد، چنین جنگی پیروز نمی‌شود و محکوم به شکست قطعی است. اینجا باید یک نهادی باشد که این کارها را عهده‌دار شود.

* بیانات آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح در همایش اقتصاد و فقه حکومتی، ۱۳۹۶/۰۲/۲۶.



است مسائل بهداشتی. در گذشته کسانی داوطلب می‌شدند و بیمارستان می‌ساختند، موقوفاتی برایش فراهم می‌کردند، مجانی مردم را معالجه می‌کردند و یا برخی طبای بزرگ با موقعیتی که در مردم داشتند اقدام به معالجه مردم می‌کردند و یا بیمارستان تأسیس می‌کردند. امروزه و در دوران مدرن، که دنیا صنعتی و گسترده شده است، هم دایره علوم و تحقیقات گسترش پیدا کرده و هم بیماری‌ها افزایش یافته است، بدون حمایت دولت‌ها و با کارهای داوطلبانه، بهداشت و درمان مردم تأمین نمی‌شود باید یک نهادی باشد تا به این‌ها رسیدگی کند. این علت تشکیل حکومت و یا فلسفه نیاز به وجود حکومت است. بنابراین نیازمندی‌های اجتماعی که داوطلب بالفعلی ندارد، نهادی به نام حکومت لازم دارد. بخشی از این نیازمندی‌ها، مربوط به امور اقتصادی است، بخشی مربوط به آموزش و پرورش است، بخشی مربوط به بهداشت و درمان است، بخشی مربوط به روابط خارجی و بین‌المللی هست، بخشی مربوط به مسائل دفاع است، بخشی مسائل امنیت داخلی است؛ بخشی هم مربوط به نیازهای اقتصادی جامعه است؛ همان نیازهایی که داوطلب کافی برای رفع آن وجود ندارد.

بعضی کارها هست که ممکن است انسان‌هایی اگر هم داوطلب شوند و بخواهند آن نیازها را برطرف کنند، که معمولاً چون انگیزه‌ای که همه نیازهای جامعه رفع بشود، در افراد پیدا نمی‌شود؛ مثل مسائل بهداشتی، مسائل آموزش و پرورش، اینها را باید دولت متولی شود. ممکن است افرادی پیدا شوند و در سطوح، مختلف با پول و نظارت خودشان، مدرسه غیر انتفاعی درست کنند. این محال نیست؛ توان مالی آن را هم دارند، توان تخصصی آن را هم ممکن است داشته باشد، حتی ممکن است مدیریت کند. به عبارت دیگر ممکن است در یک گوشه‌ای یک شهری، چند تا داوطلب پیدا شود خیر مدرسه‌سازی، یک مدرسه‌ای بسازد، مدارس غیرانتفاعی تأسیس کنند، و از جیب‌شان خرج کنند؛ اما عملاً نمی‌توانند نیاز کل کشور را تأمین کند؛ در گذشته که نظام آموزشی فراگیر و سرتاسری نبود، امکان داشت؛ چون در هر شهری موقوفاتی بود و مردم مدرسه‌ای، مکتب‌خانه‌ای وقف می‌کردند و نیازهایشان را تأمین می‌کردند. اما در جوامع مدرن، چنین چیزی عملاً ممکن نیست. با افراد داوطلب، آموزش و پرورش کشور تأمین نمی‌شود. همین‌گونه



دوران مدرنیته کاملاً متفاوت، حتی با نگاهی گذرا به جامعه خودمان بیست سال گذشته با هم اکنون کاملاً متفاوت است. برای مثال رسانه‌ها و تلفن همراه تغییرات بسیاری در زندگی مردم به وجود آورده است. بنابراین، انتظار اینکه یک فرمول واحدی برای حل مسائل اجتماعی در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها ارائه شود انتظار بی‌جایی است. اگر یک آیین مذهبی و ایدئولوژیکی ادعا کند که من برای همه زمان‌ها قانون دارم، ضوابطی دارم، حتماً اکثر این ضوابط، ضوابط کلی خواهد بود؛ ضوابط برنامه اجرایی نخواهد بود. ممکن است بعضی‌های آنها برنامه قابل عمل اجرایی باشد، در همه جاها؛ اما کلاً نمی‌تواند همه قوانین مضبوط در یک دین، برای مسائل اقتصادی دقیقاً تعیین شود. شرایط متغیر زندگی انسان در زمان‌ها و مکان‌های متغیر، اقتضای برنامه‌ریزی‌های متغیر دارد. بر این نکته تأکید می‌کنم، نه اقتضای ادیان متغیر. دین می‌تواند یک ارزش‌های کلی و اصولی را ارائه کند که در هر زمانی، متخصصین از آن اصول، باید برنامه‌های خاصی را طبق شرایط زمان و مکانی استنباط کنند. یک دستگاهی باید باشد و قوانین جزئی را وضع کند. معمولاً امروز مجلس شورای اسلامی، عهده‌دار این

پس ارتباط حکومت با مسائل اقتصادی در اینجاست که جامعه دارای یک نیازمندی‌هایی است که بالفعل داوطلب برای رفع این نیازمندی‌ها ندارد؛ امیدی هم نیست که به این آسانی‌ها، داوطلب پیدا شود، یا اصلاً از عهده‌شان بر نمی‌آید. سؤال این است که این نهاد باید وجود داشته باشد و بخشی از وظایف آن، تأمین نیازمندی‌های اقتصادی جامعه است.

حالا حکومت چگونه می‌تواند این نیازمندی‌های اقتصادی را برطرف بکند؟ در پاسخ باید گفت: شیوه رفع نیازمندی‌های جامعه، تابع شرایط زمانی و مکانی است؛ یعنی نمی‌توان یک فرمول معین و خاصی برای رفع نیازمندی‌های جامعه ارائه داد، که در همه زمان‌ها، و در همه جوامع، و در همه اقلیم‌ها به طور یکسان اجرا شود. شرایط زندگی مردم فرق می‌کند: برخی کشورها هستند که عمده درآمدشان با دریا و آبریان دریایی و فراوری آنها است. برخی اصلاً ارتباطی با دریا ندارد و در قلمرو سرزمین خشک و کویر زندگی می‌کند. شرایط اقلیمی تفاوت می‌کند. و همین‌طور شرایط زمانی پیش از انقلاب صنعتی و پس از انقلاب صنعتی متفاوت است. آنگونه‌ای که ماهیت انسان قبل از مدرنیته با انسان



نوع کارهاست. به هر حال، این شرایط متغیری که در جامعه وجود دارد، باید کسانی برای این‌ها متناسب با شرایط زمانی برنامه‌ریزی کنند. تا نیازمندی‌های اقتصادی عمومی جامعه برطرف شود یعنی اموری که متصدی خاص ندارد، با توجه به تجربیاتی

که هست و به خصوص در شرایط موجود، که در همه دنیا اعمال می‌شود، وظایف کلی حکومت را در بخش اقتصادی در جوامع مدرن می‌توان در چند محور در نظر گرفت که هر یک به برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و اجرایی خاص در گستره وسیع مقتضای نیازهای جوامع، از لحاظ کثرت

و قلت، از شرایط اقلیمی و زمانی است. اولین بخشی، که مربوط به امور اقتصادی است و معمولاً از عهده افراد برنامه‌ی‌آید، زیرساخت‌های اقتصادی است. این زیر ساخت‌ها، در چند بخش کلی قابل مطالعه است. اولاً اقتصاد هر کشوری اعم از مدرن

و یا غیر مدرن، بر پایه کشاورزی است؛ یعنی طبیعی‌ترین منبع درآمد برای انسان‌ها و برای رفع نیازهایشان برای کشاورزی به خصوص در دوران مدرن، این گونه نیست که به سادگی و با دلخواه و با تجربه‌های شخصی و قبیله‌ای بتوان آنها را تأمین کرد. اولین نیازش، آب، زمین و بذر هست. بسیاری از کشورها نیمه خشک است، احتیاج به تأمین آب دارند؛ آب اگر تأمین نشود، کشاورزی تأمین نمی‌شود. کشور ما علی‌زغم اینکه نهرهای بزرگ و چشمه‌ها و قنات‌ها و رودخانه‌های پر آب دارد. ولی

همیشه ما زراعت‌هایمان دچار کمبود آبی و خشکسالی می‌شود. از این رو، ما به سدسازی‌ها و زیرساخت‌های دیگری داریم که بتواند آب را برای جامعه و کشاورزان فراهم کند، آیا یک فرد یا یک گروه، یا مثلاً یک بنگاه اقتصادی، می‌تواند سدهای لازم

وظایف کلی حکومت را در بخش اقتصادی در جوامع مدرن می‌توان در چند محور در نظر گرفت که هر یک به برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و اجرایی خاص در گستره وسیع مقتضای نیازهای جوامع، از لحاظ کثرت و قلت، از شرایط اقلیمی و زمانی است. اولین بخشی، که مربوط به امور اقتصادی است و معمولاً از عهده افراد برنامه‌ی‌آید، زیرساخت‌های اقتصادی است.



است. بخش انرژی هسته‌ای، جزیی از آن زیر ساخت‌های معادن هست. هرگز افراد و یا یک فرد یک گروه و یا بنگاه اقتصادی توان بهره برداری از آنها را ندارد، دولت است که می‌تواند این‌ها را عهده‌دار شود. بخش دیگر، مربوط به صنعت است صنعت. با این مفهومی که امروز در دنیا دارد و همه شئون زندگی را در بر گرفته، همه این‌ها احتیاج به تکنولوژی دارد. پیشرفت تکنولوژی توسعه، آموزش دادن آن، خودکفایی در این زمینه‌ها، و زیرساخت‌ها لازم آن و تولید محصولات کشاورزی، صنعت و معدن، تجارت، حمل و نقل این‌ها، از خارج به داخل و از داخل به خارج، از شهری به شهری، این‌ها همه دولت عهده دار است. راه‌سازی، هوایی، کشتی‌رانی، قطار و انواع وسایل حمل و نقل که اگر این‌ها فراهم نباشد، کشاورزان محصولاتشان روی زمین می‌ماند و یا از بین می‌رود. و تجارت حاصل نمی‌شود. اقتصاد کشور فشل می‌شود. تهیه زیرساخت‌های این‌ها، از آب کشاورزی گرفته تا راه حمل و نقل و وسایل تجارت، قطار، هوایما، کشتی‌رانی و امثال این‌ها، همه این‌ها در بخشی تحت عنوان کلی تأمین زیرساخت‌های اقتصاد ضروری است.

برای کشور را تأمین کند؟ فرضاً اگر امکان هم داشته باشد، عملاً چنین چیزی واقع نمی‌شود. این‌ها پروژه‌های زمان‌بری هست که باید در طول ده‌ها سال به ثمر برسد. اولین وظیفه حکومت در زمینه زیر ساخت‌های کشاورزی تأمین آب برای کشاورزی است. سدهایی باید ساخت، راه‌هایی برای فراهم کردن توزیع آب فراهم کرد، زمین و بذر و سایر ابزارهای کشاورزی، و به خصوص مکانیزه کردن کشاورزی. تأمین هریک از اینها، گاهی چند تا وزرات‌خانه می‌طلبد به هر حال در برخی از کشورها، آب خودش یک وزرات‌خانه مستقل است. بخش عظیمی از کارهای دولت، مربوط به همین تأمین آب و تکنولوژی مربوط به کشاورزی و مکانیزه کردن آن، اصلاح بذر و رفع آفات و... همه این‌ها، آموزش‌های لازم خودش را می‌طلبد. بر حسب تقسیمات کار دولت‌ها، این آموزش‌ها به عهده وزرات آموزش و پرورش، یا وزرات علوم هست. اینکه آموزش‌های خاصی، که خود وزرات‌خانه مربوط باید عهده‌دار شود. بخش دوم اقتصاد، منابع اقتصادی معادن است، شناسایی معادن استخراج و بهره‌برداری از آن و فراوری‌های آن‌ها که از جمله نفت



آن است که عمدتاً مربوط به مجلس شورا است. البته نهادهای دیگری هم کمابیش دخالت دارند؛ بستگی به اینکه قانون اساسی آن کشور، چگونه برای نظام سیاسی تقسیم کار کرده است. این یک کار است. غیر از مسئله فراهم کردن زیر ساخت‌های اقتصاد، تعیین مقررات مربوط به اقتصاد در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنعت، معدن، تجارت و مسائل داخلی روابط شخصی و خانوادگی و امثال این‌ها. پس از اینکه قانون را دولت وضع کرد، خود قانون که به خودی خود ضمانت اجرا ندارد، دستگاه نظارت بر اجرای قانون مطرح میشود. در حکومت باید یک دستگاهی وجود داشته باشد که وقتی قوانینی تصویب شد، باید نظارت بر اجرای آن داشته باشد. این مسأله سوم است. در اینجا مثلاً نرخ گذاری و کیفیت تولید و شرایط تولید، مسائل قاچاق و... دیگر مطرح می‌شود. و نهایتاً تعزیرات حکومتی و کسانی که تخلف می‌کنند، باید مجازات شوند و گرنه ضمانت اجرایی ندارد. حالا قانون هست و یک کسی هم نظارت می‌کند، اعلام می‌کنند که فلان دستگاهی تخلف کرد، باید قدرت اجرایی وجود داشته باشد که آنها را تنبیه کند. تعزیرات حکومتی، کارش رسیدگی به

این، یکی از وظایف دولت در زمینه اقتصاد است. بخش دوم از وظایف دولت در زمینه اقتصادی، مسائل حقوقی است. دولت در اینجا قوه مجریه نیست، مجموع دستگاه‌هایی که شامل سه قوه یا کمتر یا بیشتر در کشورهای مختلف می‌شود؛ مراد دستگاه حاکمه است. حکومت تنها قوه مجریه نیست، کاری که حکومت باید بکند. مسائل حقوقی این ارتباطات است. حقوقی مربوط به زمین، آب هوا، کشتی‌رانی، فلات قاره و امثال این‌ها، تا احکام حقوقی مربوط به معاملات و حقوق تجارت و چیزهایی از این قبیل. تا برسد به مقررات مربوط به بانکداری و مراودات و مسائل پولی، مالی و این‌ها که بانک مرکزی عهده دار آن است. معمولاً نظارت بر این‌ها هم به عهده بانک مرکزی است. چه کسی باید این‌ها را تأمین کند؟ اصلاً کار یک فرد یا گروهی نیست، اگر هزارتا متخصص این‌جا بیایند جمع بشوند، بهترین قانون را هم بنویسند، در این زمینه‌ها برای مردم اعتباری ندارد، یک نهادی باید وجود داشته باشد و کار رسمیت داشته باشد که قانون وضع می‌کنند و پشتوانه اجرایی هم داشته باشد؛ یعنی دولت. دوم حکومت، در زمینه اقتصادی، تأمین حقوق اقتصادی و قوانین مربوط به



مدیریت بحران در این مسائل، از وظایف حکومت در مسائل اقتصادی است. این‌ها کمابیش در همه حکومت‌ها مشترک است. اما یک بخش از مسائل حکومت، درباره اقتصاد مربوط به حکومت اسلامی است. آن فوق همه این‌هاست، و ارزشمندترین و حاکم بر همه این بخش‌هاست و آن رعایت ارزش‌های اسلامی است. آن زیرساخت‌ها، آموزش‌های خاص، کمک به فقرا و محرومان، کمک به درماندگان، رعایت بهداشت، مبارزه با آفات، تعزیرات حکومتی و... درباره همه این‌ها اسلام درباره این‌ها نظر دارد. ارزش‌های خاصی دارد و باید رعایت شود.

حتی در رسیدگی به ایتام، ما دستورات خاصی داریم، رسیدگی به بیوه‌زنان و... در اسلام دستورات خاص داریم. ارزش‌هایی هست باید این‌ها رعایت شود.

نمونه بارزش که همه ما به آن مبتلا هستیم و متأسفانه هنوز هم نتوانستیم فکری حسابی کنیم، مسائل ربا در اقتصاد است. علی‌رغم اینکه مقرراتی وضع شده و شورای نگهبان راه‌هایی در نظر گرفتند. اما

گران‌فروشی است. باید آنها جریمه کند. اینجاست که وجود دادگاه ضرورت دارد. در دادگاه متخلفان باید مجازات شوند. این بخش هم از وظایف دولت است. بخش دیگری از وظایف حکومت، درباره مسائل اقتصادی تأمین نیازمندی‌های کسانی است که از عهده تأمین نیازمندی‌های خودشان از طرق عادی بر نمی‌آیند؛ کسانی هستند که معلول هستند؛ نقص عضو دارند؛ نقص مادرزادی دارند یا در اثر حوادثی، برایشان پیش آمده، بالاخره مشکلاتی دارند که الان نمی‌توانند زندگی‌شان را اداره کنند. به تعبیر فرهنگ ما، جزو فقرا و مساکینند، این‌ها یک مقداری با کمک‌های مردمی و این‌ها تأمین

می‌شود، ولی هیچ ضمانتی ندارد، وظیفه حکومت این است که به اینها رسیدگی کند. هر جا داوطلبی ندارد باید از

بیت‌المال تأمین کند. گاهی یک نیازمندی‌های موسمی و اتفاقی است. یعنی بحران‌ها سیلی می‌آید، زلزله‌ای می‌شود، حوادث غیرمترقبه و بحران‌هایی که به وجود می‌آید، این یک کار دیگری است.

اما یک بخش از مسائل حکومت، درباره اقتصاد مربوط به حکومت اسلامی است. آن فوق همه این‌هاست، و ارزشمندترین و حاکم بر همه این بخش‌هاست و آن رعایت ارزش‌های اسلامی است.



بانک‌ها هنوز اصلاح نشده‌اند. امروز در دنیا، نرخ بهره را به نیم درصد کاهش دادند. نرخ بهره در کشور ما حدود سی و یا ۲۷ درصد است. کشورهای دنیا برای نجات از بحران اقتصادی، که بدان مبتلا شدند، نرخ بهره را پایین آوردند تا سرمایه‌ها صرف کارهای تولیدی بشود، پولدارها پول‌هایشان را از بانک‌ها بکشند بیرون، و صرف امور تولید و اقتصادی کنند. در بعضی از کشورها در بعضی موارد، بهره نرخ منفی دارد؛ یعنی کسانی بخواهند پول‌شان را نگه دارند، باید پول به بانک بدهند که پولشان را نگه دارد. در کشور ما عملاً نرخ بهره بین ۲۷ تا ۳۰ درصد است. است اسمش هم هست کشور اسلامی و بانکداری اسلامی است. آن وقت توقع داریم که مشکلات اقتصادی‌مان حل بشود. همه مشکلات را به گردن این نهاد یا آن نهاد یا عوامل خارجی می‌اندازیم. در صورتی که اصلی‌ترین مشکل، مربوط به بانک‌هاست. احکام اسلام را رعایت نمی‌کنیم. به هر حال، مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی، مربوط به امور اقتصادی و ترویج ارزش‌های اسلامی است که در چند بخش، و در چند صورت و در چند مرحله انجام می‌گیرد. اولش استنباط این احکام، که واقعاً این احکام و بسیاری از احکام اقتصادی ما از نظر فقهی درست روی آن کار نشده و هنوز در بین ریشه‌ای‌ترین مسائل اقتصادی ما پاسخ قطعی ما نداریم؛ موقعیت اسکناس در کشور و اینکه چه حکمی دارد، خودش ارزش ذاتی دارد، یا حواله است، آیا زکات به آن تعلق می‌گیرد، یا نه معامله‌اش اگر معامله بشود، معامله عددی است، یا مکمل و موزون و بعد اگر حواله هست، روی پشتوانه آن زکات تعلق می‌گیرد یا نمی‌گیرد. و بسیاری از مسائل دیگر. اصل اینکه آن‌چه نقدی معامله براساس آن انجام می‌گیرد، چیست؟ و چه ارزشی و چه باید باشد و چه احکامی دارد، آنچه عملاً هست؟ این ساده‌ترین و زیربنایی‌ترین مسائل هست، تا برسد به مسائل پیچیده اقتصادی که حالا اقتصادهای الکترونیک هم مطرح می‌شود و باید برای آنها هم پاسخ‌هایی تهیه کرد. ما این کار را نکردیم. البته یک بخش عمده آن مربوط به حوزه است ما کوتاهی کردیم. حالا یا تصور بوده یا تقصیر. حالا یا توجه به نبود امکانات و یا تحقیقات کافی است. به هر حال، وقتی چیزی مورد نیاز جامعه و متصدی ندارد، هر چند متصدی آن عصباناً ترک کرده باشد، دولت باید اقدام کند. اگر هم این وظیفه حوزه بود، العیاذبالله حوزه

بانک‌ها هنوز اصلاح نشده‌اند. امروز در دنیا، نرخ بهره را به نیم درصد کاهش دادند. نرخ بهره در کشور ما حدود سی و یا ۲۷ درصد است. کشورهای دنیا برای نجات از بحران اقتصادی، که بدان مبتلا شدند، نرخ بهره را پایین آوردند تا سرمایه‌ها صرف کارهای تولیدی بشود، پولدارها پول‌هایشان را از بانک‌ها بکشند بیرون، و صرف امور تولید و اقتصادی کنند. در بعضی از کشورها در بعضی موارد، بهره نرخ منفی دارد؛ یعنی کسانی بخواهند پول‌شان را نگه دارند، باید پول به بانک بدهند که پولشان را نگه دارد. در کشور ما عملاً نرخ بهره بین ۲۷ تا ۳۰ درصد است. است اسمش هم هست کشور اسلامی و بانکداری اسلامی است. آن وقت توقع داریم که مشکلات اقتصادی‌مان حل بشود. همه مشکلات را به گردن این نهاد یا آن نهاد یا عوامل خارجی می‌اندازیم. در صورتی که اصلی‌ترین مشکل، مربوط به بانک‌هاست. احکام اسلام را رعایت نمی‌کنیم. به هر حال، مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی، مربوط به امور اقتصادی و ترویج ارزش‌های اسلامی است که در چند بخش، و در چند صورت و در چند مرحله انجام می‌گیرد. اولش استنباط این احکام، که واقعاً این احکام و بسیاری از



مردم علاقه‌مند بشوند به اینکه ارزش‌های اسلامی را در اقتصاد رعایت کنند. این فرهنگ‌سازی هم وظیفه دولت است. وظیفه حکومت اسلامی است. و بالاخره، آخرین چیزی که می‌توان گفت: البته این‌ها حصر عقلی نیست، شاید اگر استقراء شود موارد دیگر هم پیدا بشود، گاهی در یک مواردی، برای مواجهه با بعضی از مشکلات اقتصادی، لازم است که خود دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی، فعالیت اقتصادی کند، سرمایه‌گذاری کند. البته این کمابیش در کشور ما جاری بوده است. گاهی یک شرایطی پیش می‌آید، یک انحصاراتی درست می‌شود، بین مردم و

افراد پولدار که با هم تباری می‌کنند و یک بخشی از اقتصاد را در انحصار خودشان قرار می‌دهند. نرخ‌های سنگین می‌گذارند. دولت لازم است به عنوان یک شریک اقتصادی،

در اینجا وارد میدان شود و خودش به عنوان یک بنگاه اقتصادی، کار کند و سرمایه‌گذاری کند.

عصیاناً ترک کرده، این از عهده دولت خارج نمی‌شود، نیاز جامعه هست. باید وقتی متصدی ندارد، برطرف شود. فراهم کردن زمینه پژوهش در زمینه مسائل اقتصادی، بعد آموزش دادن این‌ها، این یک بخش است. بخش سوم مربوط به فرهنگ‌سازی است. ما مسائل را از نظر فقهی حل کردیم، تبیین کردیم، اثبات هم کردیم، برایمان هم مشکل نبود، اما جامعه آمادگی پذیرشش را ندارد. امروز جامعه بین‌المللی، یک جامعه کوچک است. همه چیزیش به هم مربوط است. اقتصاد ایران، نمی‌تواند مجزای از اقتصاد آمریکا، اقتصاد اروپا اقتصاد، ژاپن اقتصاد چین، باشد. مردم

بالاخره با هم محاسبه می‌کنند و می‌بینند کجا بیشتر نفع دارد در آنجا سرمایه‌گذاری می‌کنند و کار می‌کنند. بیش از هر چیز، برای اینکه ارزش‌های اسلامی پیاده بشود، احتیاج به

فرهنگ‌سازی دارد. یک بخش آن مربوط به صدا و سیماست. انواع و وسایل رسانه‌ای و وسایل تبلیغی، باید به کار گرفته بشود تا

بخش سوم مربوط به فرهنگ‌سازی است. ما مسائل را از نظر فقهی حل کردیم، تبیین کردیم، اثبات هم کردیم، برایمان هم مشکل نبود، اما جامعه آمادگی پذیرشش را ندارد. امروز جامعه بین‌المللی، یک جامعه کوچک است. همه چیزیش به هم مربوط است.



این سرمایه‌دارانی، که در صنایع الکترونیک سرمایه‌گذاری کردند، آمدند تبانی کردند یک کارتل تشکیل دادند، نرخ‌ها را همه طوری تنظیم کردند که فقط نفع آن به خودشان می‌رسد، دولت هم قدرت کافی مقابله با آنها ندارد. با این‌ها طبق مقررات اقتصادی باید برخورد حقوقی کند. این‌جا باید برخورد اقتصادی کند؛ یعنی خودش بیاید کارخانه برق تولید کند، نیروگاه بسازد و خودش به عنوان یک سرمایه‌گذار این کار را بکند تا انحصارها را بشکند. گاهی تکنیک‌هایی لازم هست که برای حل بعضی از مشکلات اقتصادی به کار

گرفته شود ولی منحصر به این‌ها نیست. این‌ها همه جا مطرح هستند؛ این‌ها چه در زمینه پژوهش، چه در زمینه آموزش دادن به مردم، چه در زمینه فرهنگ‌سازی، بزرگ‌ترین وظیفه‌ای است که به عهده ماست. ابتدائاً کار ماست و برحسب تقسیمات عرفی و چون امکاناتش را همه نداریم، نمی‌توانیم به طور کامل انجام بدهیم، حتماً دولت باید کمک کند. برای رفع این نیازها، امکانات فراهم کند و بالاخره، اگر نشد خودش باید مؤسساتی تأسیس کند، برای پژوهش و آموزش و فرهنگ‌سازی.



#جهاد.امروز
#ایرانی.ایرانی.بخیر



بررسی عوامل مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومت

سعید قربانی نازه کندی *

چکیده

یکی از راه‌های عبور از مقطع حساس و سرنوشت ساز کنونی، جدی گرفتن اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی، بلکه یک واقعیتی است که باید محقق شود. واژه «اقتصاد مقاومتی» بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم سر راه پیشرفت جامعه است که باید بر آن‌ها غلبه کرد. برای تحقق مدل اقتصاد مقاومتی در جامعه، نیازمند شناخت دقیق این نوع اقتصاد و بسترها و عوامل تأثیر گذار در آن هستیم. باید این مسئله را مد نظر داشت که الگوی اقتصاد مقاومتی، راهبردی برای مقابله با تحریم‌ها و تهدیدهای اقتصادی است. اقتصاد مقاومتی، مجموعه اقداماتی است که در عرصه کشور برای مقابله با فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی در سطح بین‌المللی انجام می‌گیرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها، تهدیدها.



مقدمه

خط قرمز اقتصاد مقاومتی، عدم تکیه بر دشمن و عوامل دشمن است؛ زیرا اساس آن بر اتکا بر خود شکل گرفته است. فشارهای اقتصادی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود: در رأس فشار خارجی، تحریم اقتصادی و در بخش داخلی، نیز فشار همه نیروهایی که زمینه و بستر مناسب را برای تحقق اهداف سیاست‌های فشار خارجی را فراهم می‌کنند. همچنین فشار داخلی به دو بخش تقسیم می‌گردد: یکی از این بخش‌ها، نا آگاهی ما اقتصاد دانان است که نوعاً در مسیری سیاستگذاری می‌کنیم که خاص جریان مثلث اقتصاد تهاجمی غرب علیه اقتصاد ما است. عامل دوم، به بخشی از فعالان اقتصادی باز می‌گردد که در مسیر واردات کالاهای مصرفی سرمایه‌گذاری کرده و فعال هستند (درخشان، ۱۳۹۱). این مقاله در صدد بررسی این سؤال است که عوامل مؤثر در اقتصاد مقاومتی کدامند؟ در پاسخ به این مسئله، باید گفت: عوامل مختلفی هستند که در پایداری و یا تضعیف اقتصاد مقاومتی نقش دارند، این پژوهش در صدد بررسی سه عامل از عوامل مؤثر،

«اقتصاد مقاومتی»، یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آنها و در شرایط آرمانی، تبدیل این فشارها به فرصت است. اقتصاد مقاومتی، فقط یک امر صرفاً اقتصادی نیست، گرچه ما از لحاظ سیاسی به استقلال رسیده‌ایم و نقاط ضعفی برای سوء استفاده دشمنان در این حوزه نداریم، اما در حوزه اقتصاد، هنوز راه طولانی در پیش داریم، اقتصاد مقاومتی یک کار جمعی است و همت جمعی می‌طلبد.

اقتصاد مقاوم، اقتصادی است که بهینه تولید کند و بهینه مصرف کند و منابع را نیز بهینه توزیع کند و کشور ما هم اگر به دنبال این است که دارای اقتصادی مقاوم باشد، باید این سه شاخه را در اقتصاد جامعه به صورت عادلانه پیاده کند.

اصل اساسی اقتصاد مقاومتی، از بعد داخلی عبارت است از: به کارگیری همه توان نیروهای داخلی کشور بر مبنای دانش و تحقیقات و پژوهش و از بعد بیرونی، به کارگیری و همراهی و حرکت بلندمدت با همه کشورهای و توان‌هایی که در خارج وجود دارد و در جبهه دشمن نیستند، یک محور کلی هم که وجود دارد و آن اینکه



تعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را بر آورند (همان، ۱۳۹۱).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، بلکه یک واقعیت است؛ یک کشور در حال پیشرفت است، باید افاق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خود دید. انتظار می‌رود در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گام‌های استوار و همت‌ها و تصمیم‌هایی هم گرفته شود، بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه مورد نظر برساند (همان).

اقتصاد مقاومتی، یک بسته کامل است که پرداختن به یک بخش آن، نباید موجب فراموشی بخش دیگر آن شود.

اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به سایر کشورهای، به خصوص کشورهای متخاصم است. به گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکا به توان داخل، به تولید انبوه محصول مورد نظر پردازد (آغاز، ۱۳۹۱).

یعنی: دولت، رسانه و مردم. هریک از این عوامل به گونه‌های مختلف در پایداری و یا تزلزل اقتصاد مقاومتی نقشی کلیدی را بر عهده دارند.

تعریف اقتصاد مقاومتی

دشمنان ایران اسلامی، بیش از هر زمان دیگری، عزم خود را جزم کرده‌اند تا اراده و خواست خود را به ما تحمیل و ما را وادار کنند که از بسیاری حقوق مسلم و بدیهی خود بگذریم. با توجه به شرایطی که سال‌هاست دشمنان کشور بر ایران اسلامی تحمیل کرده‌اند و این روزها پر رنگ‌تر شده است. ضرورت توجه بیش از پیش، به خود اتکایی و رسیدن به خود کفایی در تمام زمینه‌های اقتصادی از راه تحقق اقتصاد مقاومتی عبور می‌کند (نصیری، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی عبارت است: از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گرایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی اگر در رویکرد گذشته می‌گفتیم که فلان نهاد، نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند؛ در رویکرد جدید به دنبال این هستیم که با باز



دولت

یکی از عوامل مؤثر بر اقتصاد مقاومتی از جمله عواملی کلیدی در تحقق آن، نقش دولت است؛ شدت گرفتن فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد کشور را در شرایط بحرانی قرار داده و موجب مطرح شدن راهبرد اقتصاد مقاومتی شده است. باتوجه به اینکه این راهبرد، مختص شرایط فعلی اقتصاد ایران است و پیشینه و تجربه قبلی در این زمینه نداشتیم، باتوجه به اینکه در حال حاضر، کشور ما در شرایط تحریم اقتصادی قرار دارد و یکی از راهکارهای استکبار جهانی، افزایش فشار بر معیشت مردم و جلوگیری از رشد اقتصادی، علمی و صنعتی است، باید نگاه مسئولان حرکت جهادگونه اقتصادی باشد تا موجب کاهش فشارهای اقتصادی و تبدیل تحریم‌ها به فرصت‌های مناسب برای توسعه اقتصادی و تأمین معیشت مردم شود (پوریزدانپرست، ۱۳۹۱).

وظیفه دولت است که ظرفیت مقاوم سازی را بالا ببرد. قوانین فعلی برای شرایط عادی پیش بینی شده است، از این رو، باید قوانینی مانند قانون کار، تأمین اجتماعی، بیمه، مالیات و غیره، به سرعت با همکاری قوه مقننه اصلاح شود. همانطور که دولت از مردم انتظار صرفه،

جویی و مقاومت دارد، در مقابل نیز باید بنگاه‌های تولیدی و کار آفرینان را حمایت کند و فشارهای مالیاتی و قوانین دست و پاگیر گمرکی و بانکی را از سر راه تولید بردارد (محمدی، ۱۳۹۱).

اقداماتی که دولت باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی انجام دهد، عبارتند از:

۱. مهار سوداگری و فساد

گام اول در مسیر تحقق اقتصاد پایدار، که توان مقابله با تهدیدهای مختلف را دارا باشد، مهار سوداگری و فساد است. منظور از «سوداگری» فعالیت‌های غیر مولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوء استفاده کرده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. عدم تقارن‌های اطلاعاتی رانت‌های مختلف اعتباری، انحصاری و غیره، منشأ بروز اینگونه رفتارها هستند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و سازکار اقتصاد به سمت بروز حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی، در مواجهه با فشار خارجی، کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود. در خصوص مقابله با سوداگری، بستن مسیرهای موازی تولید، همچون ساماندهی



جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقا می‌یابد (مردمی سازی، ۱۳۹۱).

۱. نظارت در کار

یکی از امور مهم، نظارت و کنترل بر کارها و فعالیت‌ها است. اگر نظارت بر کار، به نحو مطلوب صورت گیرد، کاهش آسیب‌ها و افزایش کارایی و در نهایت رشد و رونق اقتصادی و اجتماعی را به دنبال می‌آورد، نظارت در کار اقشار مختلف، مهم تلقی می‌شود. اما به نظر می‌رسد، نظارت بر فعالیت‌ها و کارهای دو قشر بازرگانان و مدیران (زمامداران) ضروری‌تر است (ابتهاج، ۱۳۹۱).

کاهش وابستگی دولت به نفت

کاهش وابستگی به نفت، نیاز به کار فرهنگی، به ویژه توسط سران قوای سه گانه دارد؛ ضمن اینکه دولتمردان باید بپذیرند که نفت یک ثروت ملی است و دیگر اینکه این منبع گرانبها انرژی، به هیچ عنوان قابل تجدید نیست؛ بسیاری از لشکرکشی‌ها و طرح‌های آمریکا در منطقه، برای به دست گرفتن بازار نفت منطقه است. بدترین

حوزه پول و سرمایه، ساماندهی حوزه زمین و مسکن و نیز مدیریت رانت‌های اطلاعاتی، باید محور توجه قرار گیرد (فساد اقتصادی، ۱۳۹۱).

۲. مردمی سازی اقتصاد

مردمی سازی اقتصاد، مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها را ارتقا می‌دهد. اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق العاده می‌گردد که محوریت آن، توده‌های مردمی باشند. در گام نخست، باید توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور مؤثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. هیچ کس نباید به دلیل محرومیت از دسترسی به امکانات تولید و آموزش و غیره، محروم از فعالیت شود. در گام دوم، باید ایجاد نظم‌های جمعی میان فعالیت‌های اقتصادی هم در حوزه کار و هم در حوزه سرمایه مد نظر قرار گیرد. اگر تعداد نفرات اندکی، سکان فعالیت اقتصادی کشور را به دست گیرند، امکان هر گونه سوء استفاده و تأثیرگذاری بر روندهای جاری کشور وجود دارد. از سوی دیگر، اگر دولت متصدی همه امور شده و عموم فعالیت‌های اقتصادی بوسیله دولت انجام شود، ناکارآمد و فساد ناگزیر خواهد بود. اما با محوریت‌های نظم‌های



اقتصاد ملی ایران بیش از پیش در معرض نوسان‌های ناشی از اقتصاد بین‌المللی، از جمله تحریم‌ها قرار گیرد. پس وظیفه دولت است که از ورود کالاهای غیر ضروری به کشور جلوگیری کند (حبیبی، ۱۳۹۱).

حمایت از تولید داخلی

اولین گام برای تحقق اقتصاد مقاومتی و نیل به رشد اقتصادی و تولیدی در کشور، حمایت از تولیدات بومی و کار داخلی می‌باشد. این امر به نوبه خود، همت مضاعف و کار مضاعف را می‌طلبد تا در سایه کار و جهاد اقتصادی همگانی، به رشد تولیدی مورد نظر رسید. حمایت‌ها و سیاست‌های دولت در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی جایگاه مهمی دارد. در این راستا، نهادهای دولتی باید از فعالان عرصه اقتصادی و تولیدکنندگان حمایت کنند. همچنین، حمایت دولت از کشاورزان و کارگران و طبقات پائین اقتصادی موجب زنده‌سازی پیکر اقتصادی می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۱). بحث بهبود فضای کسب و کار و بهره‌وری صنعت‌گران و تولیدکنندگان از حمایت‌های لازم و هدفمند کردن نرخ ارز، به منظور حمایت از بخش تولید، نقش قابل توجهی در اجرای اقتصاد

حالت کسب درآمد از نفت، استخراج و فروش خام به سایر کشورها است. اما بهترین حالت آن، تبدیل نفت به سایر فرآورده‌ها و فروش فرآورده‌های حاصل از آن است. این رویه دوم، مورد تأکید مقام معظم رهبری هم است. دولت باید با جدیت همه بودجه‌های عمومی را از محل منابع حاصل از فروش نفت جدا کند. این مبحثی است که مقام معظم رهبری هم آن را در برنامه پنجم توسعه، با تأسیس صندوق توسعه ملی به منظور انتقال بخشی از درآمد مازاد حاصل از فروش نفت، به این صندوق ابلاغ کردند. این کار تاکنون نقش مؤثری در مقابل تحریم‌های اقتصادی داشته است. ما باید نفت را تبدیل به سایر فرآورده‌های با ارزش افزوده بالا کرده و آن را به سایر کشورها صادر کنیم (پوریزدانپرست، ۱۳۹۱).

برنامه‌ریزی واردات

یکی دیگر از عملکردهای دولت، برای پایداری اقتصاد مقاومتی، واردات می‌باشد. دولت باید در مسئله واردات برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد و دولت باید از ورود کالاهای غیرضروری و تجملی جلوگیری کند. دولت با باز کردن بازارهای داخلی کشور، به سوی واردات موجب می‌شود تا



دولت می‌تواند از طریق کمک به مشکلات تولید، به جبران هزینه‌های تولید کننده بشتابد تا آن‌ها مجبور نباشند با سود اندک کار کرده و یا قیمت را افزایش دهند و نیروی کار خود را بیکار کنند. امروز هزینه فرصت‌ها بالاست و نیاز به هوشمندی و دقت خاصی از ناحیه دولت احساس می‌شود. بزرگترین کمک امروز به اقتصاد ایران، این است که اصلاحی درون دولت صورت گیرد. اصلاح دولت، اولین گام است. دومین قدم، این است که دولت سیاست‌هایی را در جامعه ایجاد کند که افراد تشویق به کار اقتصادی شوند و از فعالیت‌های دلالی و سفته‌بازی کناره‌گیری کنند. تا زمانی که دلالی و سفته‌بازی سودآور باشد و تا زمانی که به تولید ظلم شده و تحقیر شود، نمی‌توان انتظار داشت که بخش غیررسمی رشد نکرده و انتظار افزایش تولید را داشته باشیم (شهاب، ۱۳۹۱).

رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و رفع بیکاری، افزایش درآمد، شکوفایی استعدادها، داخلی، رشد تجارت و بازرگانی بین‌المللی، پیشرفت صنایع و کارخانجات و بسیاری از نتایج مفید اجتماعی و اقتصادی، پیامدهای حمایت از تولیدات و محصولات داخلی است.

مقاومتی دارد. افزون بر اینکه بهبود فضای کسب و کار، فضای بازار مالی، بحث مشاوره دادن به صنعت‌گران و تولید کنندگان از سوی مشاوران دولت، رصد مشکلات بخش تولید و عملکرد بهبود فضای کسب و کار کشور، براساس مقررات بین‌المللی و داخلی، تأسیس و راه‌اندازی ستادهای سرمایه‌گذاری در مراکز استان‌ها و تصویب و رفع مشکلات مقررات مربوط در هیأت مقررات زدایی، راهکارهایی مناسب برای حل مشکلات پیش روی بخش تولید، به منظور اجرای درست اقتصاد مقاومتی است (پوریزدانپرست، ۱۳۹۱).

در شرایط عادی، یکی از راههای رونق بازار اقتصادی، ایجاد رقابت در نوع و تولید کالاهای با کیفیت است. جلوگیری از تبلیغات کالاهای خارجی و توجه به تبلیغ انواع کالاهای تولید داخل، می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش بسزایی ایفا کند. با افزایش تولیدات داخلی، می‌توان کشور را از نیاز به منابع اقتصادی سایر جوامع بی‌نیاز ساخت. بخش خصوصی هم وظیفه مهمی در افزایش تولیدات داخلی دارند و با تولید متنوع کالا و خدمات، می‌توانند نیازهای اساسی مردم جامعه را تأمین کنند (میرزایی، ۱۳۹۱).



متعددی است که هر از گاهی، با تورم شتابنده برخی بازارها نظیر مسکن، ارز و طلا بروز پیدا می‌کند. بر اساس آنچه گذشت، حمایت از تولید و کار و سرمایه قطعاً ایرانی، می‌تواند به رفع مشکلات کلیدی اقتصاد ایران کمک قابل توجهی کند (شقایق، ۱۳۹۱).

تحقق واقعی رونق تولید ملی، مستلزم عزم ملی و حرکت همدلانه و هماهنگ همه قوا و بخش‌های فعال و مؤثر در این زمینه است. برای مثال، «سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم مصرف تولیدات داخلی و ترجیح کالا‌های داخلی به کالا‌های خارجی است (اسماعیلی، ۱۳۹۱).

حذف ریخت پاش‌ها

یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، حذف ریخت و پاش‌ها و افزایش بهره‌وری است. این مسئله هم مربوط به مردم و هم به دولت مربوط است؛ دولت باید از برگزاری مجالس پر زرق و برق جلوگیری کند و در مجالس، باید بیشترین صرفه جویی را بکند. از آنجا که حاکمان و

افزایش تولید ملی در عرصه صنعت، کشاورزی و خدمات و حمایت از کار و سرمایه انسانی، موجب مردمی شدن اقتصاد مقاومتی و افزایش حضور و نقش مردم در عرصه اقتصادی کشور می‌شود. آنچه که جامعه را از لحاظ اقتصادی به استقلال رسانده و از وابستگی به سایر جوامع رها می‌کند، افزایش تولیدات داخلی است. حمایت از تولید ملی، حمایت از بخش درون‌زای اقتصادی جامعه است که استقلال و توسعه اقتصادی را فراهم می‌سازد. حمایت از کارگاه‌ها و صنایع کوچک و متوسط، یکی از گام‌های مهم در افزایش تولیدات داخلی است (تولید داخلی، ۱۳۹۱).

عدم هدایت صحیح درآمدهای ارزی نفت، به فعالیت‌های مولد اقتصادی و تخصیص غیر بهینه این درآمدها، موجب کمبود نقدینگی برای توسعه بخش‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین ریسک پایین، به همراه سودآوری بالا، در فعالیت‌های غیر مولد، به گسترش سوداگری در اقتصاد ایران دامن می‌زند و موجب می‌شود انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری مولد کاهش یابد و به جای آن، سوداگری و دلال بازی رواج یافته که خود دارای پیامدها و عوارض منفی



دولت برای ایستادگی در برابر تحریم‌ها است. زمانی که آمریکایی‌ها قصد خروج از ایران را داشتند، اعلام کردند که ایران دیگر نیروی متخصص و کارآمد ندارد، اما حالا با گذشت چهار دهه و با وجود تحریم‌های اقتصادی، مسئولان و مردم، دلسوزانه آستین همت را بالا زده و اقدام به تربیت نیروهای متخصص با سرمایه و توانمندی داخلی کردند. دولت باید از نیروهای متخصص به صورت صحیح استفاده کند و متکی به نیروهای داخلی باشد؛ چون دولت اگر از نیروهای داخلی صحیح استفاده نکند، توسعه اقتصادی حاصل نمی‌شود؛ زیرا اولین شرط توسعه اقتصادی، استفاده صحیح از نیروهای داخلی است. اگر اولین شرط توسعه محقق نشود، کشور در مسیر توسعه نمی‌تواند گام مؤثر بردارد در نتیجه، اقتصاد مقاومتی با مشکلات گسترده روبه‌رو می‌شود (پوریزدانپرست، ۱۳۹۱). بی‌گمان عنصر اصلی و اساسی در تولیدات اقتصادی و فراوری محصولات و کالا منابع انسانی است.

اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی

در فضای کسب و کار، بی‌تردید مقابله با تحریم‌های فعلی و خشی‌سازی آثار آن، نیازمند برطرف کردن و تأمین نیازهای

کارگزاران دولتی، با اموال عمومی سروکار دارند، چنان‌چه در هزینه کردن این اموال، ریخت و پاش نمایند و با اقدامات نسنجیده و تشریفات غیر ضروری، موجبات تضییع و هدر رفتن آن را فراهم کنند، این موجب فشار زیاد بر اقتصاد ملی شده و کشور را در مسیر اقتصاد مقاومتی با مشکل روبه‌رو می‌کند (کلاتری، ۱۳۸۸، ص ۲۹۹). عدم توجه به ظرفیت‌های طبیعی و انسانی و ریخت و پاش‌ها، کشور را که طی سه دهه گذشته، با دشواری‌های فراوان روبه‌رو شده است و توانسته در برابر این تحریم‌ها بایستد را زائل کرده، و نه تنها به مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی دشمنان آسیب می‌رساند بلکه هزینه‌های بیشتری را نیز به کشور تحمیل می‌کند.

تقویت روحیه خودباوری در ملت و جوانان

خودباوری در بین جوانان ایرانی، باید افزایش یابد و اعتقاد همه‌جانبه به این شعار، که «ما می‌توانیم» و اینکه ایرانی می‌تواند هر کالایی را تولید کند، باید در نظام آموزشی و صنعتی کشور نهادینه شود (بی‌نام، ۱۳۹۱).

استفاده صحیح از نیروهای متخصص

استفاده از نیروهای متخصص بومی در اقتصاد مقاومتی، یکی دیگر از معیارهای



اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی متناسب
 بی‌تردید اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی غیرمناسب و ناهماهنگ با سایر اجزای راهبرد اقتصاد مقاومتی، از این محور پاشنه آشیلی می‌سازد که دستاوردها و نتایج مثبت گفتمان را به کلی تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، از این رو، تدوین برنامه‌های همساز با راهبرد اتخاذ شده در حوزه پولی و ارزی، از ضروری‌ترین اقداماتی است که باید هر چه سریع‌تر صورت گیرد (صاحب‌فصول، ۱۳۹۱).

تدوین راهبردهای توسعه‌ای کشور
 طبیعی است که منابع مالی و فنی کشور محدود است و متناسب با مزیت‌های ذاتی و نسبی اقتصادی کشور، باید این منابع تخصیص یافته و جهت یابند. منظور تعیین و انتخاب اولویت‌های توسعه بخشی در عرصه صنعت و کشاورزی، تمرکز بر اولویت‌ها و هدایت صحیح منابع، به سمت و سوی این اولویت‌ها، بر پایه یک برنامه زمانی میان مدت است.

مردم

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پایداری و یا تضعیف اقتصاد مقاومتی، نقش مردم است که باید سعی شود که دست در دست هم

کشور در داخل خود کشور و به دست تولیدکنندگان داخلی است. از این رو، فراهم کردن شرایطی که این سرمایه‌گذاران و تولیدگران بتوانند با وجود محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از تحریم‌ها، که مسائلی مانند گشایش اعتبارات اسنادی و به تبع آن، واردات مواد اولیه را دشوار می‌کند، نیازهای واسطه‌ای و نهایی سایر بخش‌ها را فراهم می‌آورند. تنها راه، فراهم سازی این موقعیت، جز حذف قوانین و مقررات زائد، تسریع و تسهیل دست‌یابی بخش خصوصی مولد، به منابع مالی و کاهش هزینه‌های ناشی از عدم ثبات در سیاست‌های کلان است. مرور این مسائل، به روشنی نشان می‌دهد که تمام این اهداف و حتی فراتر از آنها هم در گرو پیاده سازی صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی است.

تصحیح سیاست‌های بازرگانی

با داغ شدن بحث مدیریت و اردات، برای تقویت بخش تولید داخل و جلوگیری از خروج ارز از کشور، هر روز شاهد انتشار فهرست‌هایی بلندی هستیم که نمادها و دستگاه‌های مختلف این کالاها را به عنوان واردات غیر ضروری تلقی می‌کنند و ورودشان را به کشور صحیح نمی‌دانند.



داده و با همت جمعی، اقتصاد مقاومتی را به وضعیت بهتری برسانند. یکی از ارکان کلیدی در اقتصاد مقاومتی، مردم هستند که باید از شرایط موجود مطلع باشند و چگونگی هزینه‌ها، امکانات و مشکلات را بدانند. پرهیز از اسراف و مصرف زدگی و مدیریت مصرف صحیح، باید در میان آحاد جامعه نهادینه شود (دشتی، ۱۳۹۱).

سبک زندگی

باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی، نوع و شیوه خاصی از سبک زندگی را ارائه داد. در این الگوی سبک زندگی، تمام مؤلفه‌های مورد نیاز برای مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارها در نظر گرفته شده؛ مؤلفه‌هایی چون ساده زیستی، قناعت، صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی، از جمله ملاک‌هایی است که در تحقق این نوع اقتصاد نقش مهمی دارد. بسیاری از نیازها و مصرف‌هایی را که توسط مردم انجام می‌شود، جزء نیازهای اساسی و مهم نمی‌باشد و با صرفه‌جویی و دقت نظر در مصرف کالاها و خدمات، می‌توان از اسراف و زیاده‌روی مصرف کالاها تولید شده، جلوگیری کرد. در این سبک زندگی، می‌توان الگوی اعتماد به نفس ملی، روحیه جهادی، پرهیز از لقمه حرام و صرفه‌جویی را مطرح ساخت. آگاهی مردم از دارایی، منابع و توانمندی‌های داخلی و سرمایه‌های معنوی و مادی، اعتماد به نفس ملی را بالا می‌برد؛ روحیه جهادی و پرهیز از مصرف بی‌رویه کالاها نیز از آموزه‌ها و معنویت دینی تأثیر می‌پذیرد که هم به لحاظ اقتصادی و هم به

داده و با همت جمعی، اقتصاد مقاومتی را به وضعیت بهتری برسانند. یکی از ارکان کلیدی در اقتصاد مقاومتی، مردم هستند که باید از شرایط موجود مطلع باشند و چگونگی هزینه‌ها، امکانات و مشکلات را بدانند. پرهیز از اسراف و مصرف زدگی و مدیریت مصرف صحیح، باید در میان آحاد جامعه نهادینه شود (دشتی، ۱۳۹۱).

در این برهه زمانی، که کشور ما با تحریم‌های شدیدی از سوی جوامع غربی روبه‌رو است، مردم باید با حمایت همه جانبه از اقتصاد مقاومتی، مسیر حرکت به سمت اهداف انقلاب اسلامی را هموار کنند و راه و روش زندگی خود را برای تحقق این مهم تغییر دهند. در زمان حاضر، کشور و ملت، ما متحمل فشارهای مختلف بین‌المللی است. مسئولان باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی، اولین گام را بردارند و مردم نیز باید ادامه دهنده آن باشند. اگر در اقتصاد مقاومتی، منظور مردم است، مردم ایران در سال‌های دفاع مقدس تمام و کمال از انقلاب و اسلام و ارزش‌های کشورشان حمایت و تمام کمبودها مانند گرانی‌ها و تورم و بیکاری و مشکلات دیگر را تحمل کردند (محمدی، ۱۳۹۱).

مردم هم مانند ارگان‌های دیگر، در



لحاظ دینی حائز اهمیت است. اراده و عزم اعضای جامعه، تلاش‌ها و مجاهدت‌های آنان در تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش قابل توجهی دارد. در واقع اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردمی است و با مجاهدت و اراده مردم در ارتباط می‌باشد، کوشش‌ها و شیوه فعالیت‌های اقتصادی مردم و الگوی سبک زندگی آنان، در تحقق مقاومت اقتصادی نقش عمده‌ای دارد (میرزایی، ۱۳۹۱).

مصرف تولیدات داخلی

در عرصه رقابت تولیدات داخلی و کالاهای خارجی، اولویت دادن به مصرف تولیدات ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی، کمک شایانی به اقتصاد مقاومتی می‌کند. تولیدکنندگان داخلی نیز با افزایش کیفیت محصولات و کالاهایشان و تعیین قیمتی مناسب، می‌باید نظرات مردم را به مصرف کالای ایرانی جلب نمایند. تولیدکنندگان باید کیفیت کالاهای خود را نسبت به تولیدات خارجی بالا برده، امنیت خاطر مصرف کالای ایرانی را افزایش دهند. پس عموم مردم باید از مصرف کالاهای خارجی پرهیز نموده، تولیدات و کالاهای داخلی که از قیمت و کیفیت مناسبی برخوردارند را مورد استفاده قرار دهند (قربانی، ۱۳۹۱).

مصرف بهینه و جلوگیری از اسراف
 اداره عاقلانه زندگی، از مهم‌ترین عوامل سعادت و موفقیت بشر می‌باشد، توجه به مقدار درآمد، اولویت‌بندی در نیازها و سعی در هزینه درست درآمد در نیازها براساس اولویت‌ها، می‌تواند تا حد زیادی مشکلات زندگی را کاهش داده، سعادت افراد خانواده و حتی جامعه و کل کشور را تضمین نماید (نبوی، ۱۳۸۶، ص ۶). امروزه یکی از مشکلات جوامع، نادیده گرفتن اقتصاد و میانه‌روی در مصرف مال و عدم توازن هزینه و درآمدهاست، مصرف درست و ساده زیستی، یک نوع سرمایه است. یکی از موضوعاتی که در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان تأثیر بسزایی دارد، اصلاح الگوی مصرف در پرتو ساده زیستی و قناعت است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است (مردانی و کابلی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). انگیزه‌های کسانی را که به اسراف و تبذیر رو می‌آورند بسیار است. اما از شایع‌ترین آنها به رخ کشیدن دارایی، چشم و هم چشمی، معروف شدن به دست و دل بازی و مشهور شدن در بین مردم است (نبوی، ۱۳۸۸، ص ۶).

مردم باید درست مصرف کنند. منظور از اسراف نکردن، مصرف نکردن



کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند. این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. بنابراین، مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده کشور را تهدید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۴۳ و ۴۴).

آثار قناعت و مصرف بهینه

- الف. آسودگی و دوری از اضطراب و نگرانی‌ها؛
- ب. موفقیت و پیشرفت در ابعاد مختلف زندگی چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی؛
- ج. ایجاد قدرت؛
- د. سرمایه‌گذاری؛
- ه. ایستادگی مقتدرانه در برابر تحریم‌ها.
- مصرف‌گرایی در جامعه، دارای اثرات مخرب و زیان‌باری است که از مهم‌ترین آنها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نیست، بلکه منظور بهینه استفاده کردن است. مقام معظم رهبری، در رابطه با بهینه مصرف کردن و جلوگیری از اسراف فرمودند: لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است، که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده در حقیقت، هدر دادن مال است. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد. یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید. یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای



الف. افزایش واردات: اشاعه فرهنگ مصرف‌گرایی موجب افزایش تجمل‌گرایی و نیازهای غیرضروری در جامعه می‌شود. همین امر موجب سیل ورودی کالاهای خارجی برای رفع نیازهای فرد و جامعه «نیازمند» به تولیدکنندگان خارجی و موجب افزایش واردات و تضعیف تولیدکنندگان داخلی می‌شود.

ب. کمبود گرایش به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی: در جامعه‌ای که مصرف‌گرایی به یک فرهنگ تبدیل شده باشد، افراد جامعه دیگر میلی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمرانی و زیرساختی جامعه، که زمان بر می‌باشد، ندارند. همه به دنبال سرمایه‌گذاری در خرید و فروش کالاهای پرمصرف و فعالیت‌های زودبازده می‌باشند، به همین دلیل، مصرف‌گرایی موجب کاهش گرایش به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و عمرانی در جامعه خواهد شد (هاتفی، ۱۳۸۸).

رسانه

رسانه‌ها نیز به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی پر مخاطب، در کنار سایر عوامل مسلماً نقش انکارناپذیری در شکل دادن به ابعاد این موضوع، پرداختن به آن و مدیریت و هدایت فرهنگ و افکار عمومی

بر عهده دارند. در نتیجه، باید به آن توجه ویژه نمود (حیاتی ۱۳۸۸، ص ۴). رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی به موقع، می‌توانند در ارتباط با سازوکارهای اقتصادی در برابر هجمه‌های اطلاع‌رسانی غلط رسانه‌های بیگانه بایستند و به تقویت افکار عمومی کمک کنند و با پرهیز از بزرگ‌نمایی در مسئله گرانی‌های اخیر، به تعادل‌سازی در بخش اقتصادی کمک کنند (طاهری، ۱۳۹۱). واقعیت اینکه در مقوله تحریم، رسانه‌ها حتی عقب‌تر از مردم حرکت می‌کنند. شاید علت این باشد که مردم ایران در طول بیش از سه دهه، که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، در کنار مواجهه با توطئه‌های گوناگون دشمن، همواره طعم تحریم را چشیده‌اند که اوج آن، به دوران دفاع مقدس باز می‌گردد و در همه این مقاطع هم، سیاست تحریم، نه تنها نتیجه بخش نبوده، بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری، به فرصت تبدیل شده است. اما در شرایط فعلی، که اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌ها انتخاب می‌شود، رسانه‌ها هم باید ضمن باز تعریف سیاست‌ها و تعیین مأموریت خود در این جبهه جدید اقتصادی، به کمک ملت و مسئولان بشتابند و در جهت رسالت تاریخی خود، نقش



خاص تحریم؛

- ه. باز تعریف سبک زندگی ایرانی؛
- و. زمینه سازی برای توجه بیشتر سایر نهادهای کشور، در چگونگی پرداختن به موضوع اقتصاد؛
- ز. تبیین و تشریح نقش اقتصاد مقاومتی و کارکردهای سازنده آن در استقلال اقتصادی کشور و رهایی از وابستگی ملی؛
- ح. آسیب شناسی موانع و نیازمندی های تحقق اقتصاد مقاومتی؛
- ط. اصلاح نگرش ها و رفتارهای عمومی در خصوص کار و کار کردن؛
- ی. تقدم اقتصاد مقاومتی در برنامه ها؛
- ک. استفاده از رویکردهای اقماعی؛
- ل. پرهیز از سیاسی شدن اقتصاد مقاومتی؛
- م. توجه به نیاز های مخاطبان؛
- ن. تعیین دقیق خط و مشی ها؛
- س. عدم تبلیغ کالای خارجی.

سینما و تلویزیون

در شرایطی که عرصه های اقتصادی و سیاست خارجی ایران، آرایشی مقاومتی گرفته اند، حوزه های فرهنگی، به ویژه سینما و تلویزیون، به عنوان انتشار دهندگان اصلی فرهنگ در جامعه وضعیتی نسبتاً ضعیفی دارند. رسانه ها، به ویژه سینما و تلویزیون،

آفرینی کنند (حیدری، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از عوامل مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی، به نظام رسانه ای و تبلیغاتی است. رسانه های عمومی، نظام تبلیغاتی، اینترنت، شبکه های رادیویی و تلویزیونی، می تواند آموزه های اقتصاد مقاومتی را در جامعه گسترش دهد. رسانه های رسمی و غیر رسمی وظیفه مهمی را در تحقق این امر بر عهده دارند، زیرا در کشورهای توسعه یافته و صنعتی، نظام رسانه ای قدرت بالایی در تبلیغ و آموزش شیوه های اقتصادی دارد (میرزایی، ۱۳۹۱).

رسانه هم مانند سایر عوامل مؤثر در اقتصاد مقاومتی، مثل مردم و دولت، نقش قابل توجهی در اقتصاد مقاومتی دارد. از آن جمله عبارتند از:

- الف. فرهنگ سازی و اعتلای اقتصاد کشور به سمت اقتصاد مقاومتی؛
- ب. هدایت متخصصان و کارآفرینان اقتصادی به سمت تولید محصولات استراتژیک؛
- ج. آمادگی افکار عمومی برای افزایش همکاری با دولت؛
- د. ترویج اقتصاد مقاومتی و تنوع بخشی به الگوهای مناسب، با نیاز کشور و شرایط



از مهم‌ترین ابزارهای انتشار و توزیع فرهنگ در جامعه هستند. همهٔ زمینه‌ها و قلمروهای یک جامعه زمانی می‌توانند به پویایی و شکوفایی مطلوب برسند که این رسانه‌ها نیز راستا و در جهت اهداف حرکت کنند. به ویژه عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، که پیوند بسیار نزدیک‌تری با فرهنگ رسانه‌ها دارند (علی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

زمانی که تحریم‌ها بر علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر و گسترده‌تر شده است، بیش از هر زمان نیاز به همگرایی، همفکری و همکاری در مقیاس ملی داریم. اقتصاد مقاومتی، یکی از این همکاری‌ها و همفکری در مقیاس ملی است. اقتصاد مقاومتی؛ یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و نقاط ضعف و تلاش برای تبدیل کنترل و بی‌اثر کردن و تقویت آنها و در شرایط آرمانی، تلاش برای تبدیل این فشارها، به فرصت اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل است. جلوگیری از تجمل‌گرایی، عدم واردات کالاهای لوکس، تعامل میان سه قوه، اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی و مواردی از این است، از جمله

راهکارهایی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی است.

اقتصاد مقاومتی، در مرحله اول نیازمند سیاستگذاری‌های دقیق است. مرحلهٔ بعد در چنین اقتصادی، توجه به تولید داخلی و اتکا به توانمندی‌های داخلی، باید یکی از شاخص‌های اصلی آن قرار گیرد. رکود و تورم، در کنار بیکاری و فاصلهٔ عجیب طبقاتی، موضوعی نیست که از آن سوی مرزها بر اقتصاد کشور ما تزیق شده باشد، بلکه برخی خودزنی‌ها و منفعت‌طلبی‌ها، آن را برای ما به ارمغان آورده است. کارشناسان پس از طرح بحث اقتصاد مقاومتی، عنوان کردند که نمی‌توان گفت آثار تحریم‌ها صفر بوده، اما نمی‌توان گفت: مشکلاتی را که اکنون در اقتصاد کشور وجود دارد، نتیجهٔ تحریم‌هاست. تقویت تولید ملی، رهایی از اقتصاد متکی به نفت، توسعهٔ اقتصادی دانش بنیان و مدیریت صحیح مصرف و ایجاد زمینهٔ ایفای نقش مردم در اقتصاد، از راهبرد های اقتصاد مقاومتی است که باید در برنامه‌های بلندمدت و با توجه به ظرفیت دستگاه‌های مختلف کشور اجرایی شود.

دشمنان کشور، موانعی بر سر راه پیشرفت و ترقی اقتصادی ایجاد می‌کنند که



بهره‌وری، در: سایت تسخیر.
پوریزدان پرست، ۱۳۹۱، *راهکارهای جهش تولید و اقتصادی ملی*، روزنامه اطلاعات.
پوریزدان پرست، ۱۳۹۱، *نسخه‌های اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تهاجم اقتصادی غرب*، روزنامه جام جم.
جلالی، پریرسا، فرهنگ مصرف کالای داخلی، در: سایت برهان.

حییبی، علیرضا، ۱۳۹۱، *مدیریت متعارض تحریم‌های ایران*، در: سایت مرکز آمار.
حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
حیاتی، وحید، ۱۳۸۸، «رسانه در سال الگوی مصرف»، *رواق هنر و اندیشه*، ش ۳۳.
حیدری، علی، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی نیازمند رسانه مقاومتی*، در: سایت بصیرت.

درخشان، مسعود، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی با الهام از نظام فرهنگی اسلام*، تهران، فرهنگستان علوم اسلامی.
رضایی، عبدالعلی، ۱۳۹۱، *تحلیل رابطه جهاد اقتصادی با فرهنگ اقتصادی و اقتصاد فرهنگ*، روزنامه کیهان.

شقاقی شهری، وحید، ۱۳۹۱، *۱۹ راهکار برای حمایت از تولید داخلی*، در: سایت برهان.

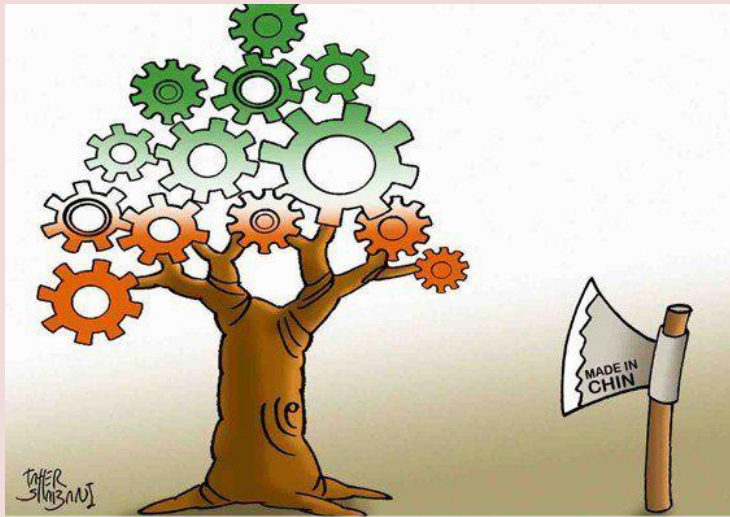
وظیفه آحاد جامعه است که با هوشیاری، این موانع را شناسایی کرده و بر آنها غلبه کنند. رسیدن به یک اقتصاد مقاوم، همت و تلاش جمعی می‌طلبد و کار یک نهاد و گروه نیست. امید است که در آینده نه چندان دور، مسئله اقتصاد مقاومتی در کشور با همت جمعی به وضعیتی بهتر از این برسد.

منابع

ابتهاج، مهدی، ۱۳۹۱، *حقوق و تکالیف مردم و مسئولین در سال تولید ملی*، وبلاگ امام.
اسماعیلی، محسن، ۱۳۹۱، *تولید ملی؛ تداوم جهاد اقتصادی*، در: پایگاه اطلاع‌رسانی محسن اسماعیلی.
____، ۱۳۹۱، *نقش خودزنی‌ها در اقتصاد مقاومتی*، در: نورنیوز.
____، *مدیریت اقتصادی تحریم: راهکارها و چالش‌ها*، روزنامه رسالت.
آغاز، محمدحسن، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی چیست و رسانه ملی چه باید بکند*، در: وبلاک آغاز.
آقامحمدی، علی، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی*، در: Ledear.ir
پوریا، علی، ۱۳۹۱، *عوامل کلیدی در تولید اقتصاد*، روزنامه کیهان.
پوریزدان پرست، سیدمحمدهاشم، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی و حذف ریخت و پاش‌ها و افزایش*



- شهاب، محمد، ۱۳۹۱، *نقش دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی*، در: سایت تبیان.
- صاحب فصول، سروش، ۱۳۹۱، *راهبردهای اقتصاد مقاومتی*، روزنامه جام جم.
- قربانی، محمود، *اقتصاد مقاومتی؛ برون رفت از تحریم‌ها*، روزنامه رسالت.
- کلانتری، علی اکبر، ۱۳۸۸، *اسلام و الگوی مصرف*، قم، بوستان کتاب.
- مبینی، علیرضا، *نقش مهم رسانه‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی*، در: سایت ایران صدا.
- محمدی، علی، ۱۳۹۱، *اقتصاد مقاومتی باید از دولت شروع شود*، روزنامه جوان.
- مردانی، محمدحسین و قاسمعلی کابلی، ۱۳۸۸، «اصلاح الگوی مصرف در پرتو فرهنگ ساده‌زیستی»، *مشکوت*، ش ۱۰۵.
- میرزایی، نسترن، ۱۳۹۱، *بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی*، روزنامه رسالت.
- نبوی، محمدحسن، ۱۳۸۸، «اصلاح الگوی مصرف»، *مبلغان*، ش ۱۱۶.
- نصیری، معصومه، ۱۳۹۱، *اقتصادی مقاومتی: طرحی هوشمندانه*، در: سایت تبیان.
- هاتفی، غلامرضا، ۱۳۸۸، *الگوی مصرف در آیات و روایات*، وبلاگ هاتفی.



ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی

محمد جمال خلیلیان اشکذری *

چکیده

ثبات اقتصادی از مباحث مهم و کلیدی و از شرایط اساسی پیشرفت هر کشور می‌باشد؛ زیرا بدون تحقق این شرط، افق آینده برای سرمایه‌گذاری و تولید روشن نیست و برنامه ریزی برای فعالیت اقتصادی سود آور، با مشکل مواجه می‌شود. با ثبات اقتصادی، شرایط پایداری وجود دارد. که افراد جامعه، نسبت به تأمین نیازهای حیاتی و ضروری آینده خود و تولید کننده، نسبت به سودآوری فعالیت اقتصاد خود، نگران نوسانات اقتصادی نیست. از سوی دیگر، از آنجا که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا و برون‌نگر، که با استفاده از نیروها، منابع، استعدادها داخلی و توان‌های مردمی، مسیر رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را می‌پیماید، می‌تواند اقتصادی کشور را در بالاترین سطح تأمین کند. در این مقاله، تلاش شده است با توجه به ویژگی‌های یک اقتصاد با ثبات در سطح کلان و اهم راهبردها و الزامات اقتصاد مقاومتی، رابطه این دو، با یکدیگر بررسی شده و اثبات گردد که در شرایط موجود کشور تنها با تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت. **واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، ثبات اقتصادی.

* دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *



مقدمه

این وضعیت خاص هستند. برای برون رفت از این معضل، در صحنه تجربه و عمل، راهی جز برقراری ثبات اقتصادی با تحقق اقتصاد مقاومتی وجود ندارد؛ زیرا ثبات اقتصادی به عنوان شرطی مهم و اساسی، در ترسیم آینده‌ای روشن و امیدبخش، بر میزان سرمایه‌گذاری و تولید یک کشور تأثیر گذار است. زمانی که تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی خرد و کلان، نتوانند برای سودهای ثابت و حلال خود برنامه‌ریزی کنند و نسبت به آن اطمینان داشته باشند، به سمت بازارهایی می‌روند که کم‌ریسک‌تر است و برگشت سرمایه ساده‌تری دارد. در این شرایط، دلالتی و سفته‌بازی رشد چشمگیری خواهد داشت. روشن است که دولت باید شرایطی فراهم سازد که در مسیر رشد و توسعه کشور، نوسان در مقررات و شرایط اقتصادی به حداقل برسد؛ چرا که تولید کنندگان با توجه به وضعیت موجود، برنامه‌ریزی می‌کنند و تنها زمانی انگیزه برای این کار دارند که نسبت به آینده سرمایه‌گذاری و سودآور بودن آن، مطمئن باشند و احساس کنند، قوانین روشن و پایداری برای حراست از سرمایه و موفقیت

امروزه نظام جمهوری اسلامی، در زمینه‌های مختلف با توطئه‌ها و فشارهای گوناگون استکبار جهانی رو برو است، به ویژه در حوزه اقتصاد با تحریم‌های متعددی مواجه است که تاکنون، سابقه نداشته است. شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین چالش و معضل اقتصادی این روزها، که به راحتی هم قابل مشاهده است، پیش‌بینی‌ناپذیر بودن وضعیت اقتصادی روزها و ماه‌های آینده است. چنین حالتی، موجب می‌شود که فعالان اقتصادی خرد و کلان، دچار سرگشتگی شوند و چرخ‌های اقتصاد به کندی حرکت کند. این سردرگمی، اقتصاد کشور را در حالت سکون و انتظار قرار می‌دهد. اما اگر اقتصاد کشور، دارای برنامه‌ای دقیق و شفاف بوده و پیش‌بینی‌پذیر باشد، برای سرمایه‌گذار و فعال اقتصادی، زمینه مناسبی فراهم است که می‌تواند با خیال آسوده، دست به سرمایه‌گذاری و تولید بزند. در نتیجه، هم می‌تواند به سود خود فکر کند و هم منفعت و آسایش مصرف‌کننده را تأمین کند. از این رو، اندیشمندان و مسئولان نظام اسلامی، مکلف به تلاش مضاعف علمی، همراه با ابتکار و نوآوری برای پشت سر گذاشتن



عنوان نمونه، کتاب *ثبات پولی و رشد اقتصادی* (PaulZak، ۲۰۰۱)، تنها یکی از ابعاد بحث را مورد بررسی قرار داده است. در حالی که ثبات اقتصادی، ابعادی فراتر از ثبات پولی در بردارد. بحث کتاب راهبرد توسعه اقتصادی همراه با ثبات سیاسی (محمدی‌لرد و اکبری، ۱۳۹۲)، گرچه مرتبط با بحث ماست، ولی در آن صرفاً علل اقتصادی بی‌ثباتی سیاسی مورد بحث قرار گرفته است. اما مقاله حاضر، در باره رابطه ثبات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، به عنوان تنها راه پیشرفت همه جانبه کشور در شرایط موجود، بحث می‌کند و هدف اصلی مقاله از بررسی رابطه این دو موضوع، تبیین این نکته است که اقتصاد مقاومتی، تضمین کننده ثبات اقتصادی جامعه می‌باشد. لازم به یادآوری است که موضوع مقاله، بحثی است نو که سابقه تحقیقی در خصوص آن مشاهده نگردید.

الف. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، واژه‌ای است مرکب از دو کلمه «اقتصاد» و «مقاومت». مراد از واژه «اقتصاد» در اینجا معنای لغوی آن الاقتصاد فی المعیشه هو التوسط بین التبذیر و التقتیر؛ یعنی حد وسط و اعتدال در زندگی که افراط و تفریط در آن نباشد (طریحی، ۱۳۶۲،

در فعالیت اقتصادی وجود دارد. در این راستا، اتکاء بر منابع و نیروهای داخلی، که از ویژگی‌های بارز اقتصاد مقاومتی است، اقتصاد کشور را درون‌زا گردانیده، آن را از نوسانات خارجی و تکانه‌های بیرونی مصون و به آن ثبات و امنیت می‌بخشد. در اهمیت این موضوع، همین بس که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری، چنین بر آن تأکید شده است: «اصلاح و تقویت همه جانبه نظام‌های کشور با هدف پاسنخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، بند ۹، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی).

پیشینه بحث

موضوع اقتصاد مقاومتی، اولین بار در شهریور ماه ۱۳۸۹ توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای مطرح گردید. تحقیق در این موضوع، بحثی نسبتاً جدید می‌باشد که تنها طی چند سال اخیر درباره آن کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است و موضوع ثبات اقتصادی، در کنار امنیت اقتصادی، در اقتصاد متعارف فراوان مورد بررسی قرار گرفته است. ولی پیشینه عام این تحقیق محسوب می‌شود. به



توطئه‌ها و مشکلات است، اما دارای چشم‌اندازی روشن و امید بخش است؛ زیرا در پی اقتصاد ایده‌آلی است که هم اسلامی باشد و هم کشور را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند.

مطرح شدن ایده اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام‌عزه)، واکنش مناسبی در مقابل جنگ اقتصادی استکبار جهانی، علیه نظام اسلامی و تحریم‌های ظالمانه آنان بود. معظم له، در دیداری با دانشجویان در این باره فرمودند:

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد... (خامنه‌ای، ۱۶، مرداد، ۱۳۹۱). ایشان در سخنرانی‌های متعدد، ضرورت، اهداف و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را تبیین کردند. با توجه به آن مباحث، این تعریف را نیز می‌توان برای اقتصاد مقاومتی استخراج کرد:

اقتصاد مقاومتی نوعی راهبرد بلندمدت

ج ۳، ص ۱۲۸)، نیست، بلکه معنای اصطلاحی آن مورد نظر است؛ یعنی دانشی که رفتار و رابطه انسان با اشیای مادی مورد نیاز او، که به رایگان در طبیعت نمی‌یابد، مطالعه می‌کند. مطالعه اقتصاد، باید درک، بیان و تا حدی پیش‌بینی رفتار اقتصادی انسان را امکان‌پذیر سازد. این مطالعه، باید به بهبود رفاه مادی فردی و اجتماعی بشر کمک کند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که از درون دارای قوام و استحکام باشد و در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید. لازم به یادآوری است که واژه «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات اقتصادی جهان، به کار نرفته است و مباحثی مانند انعطاف‌پذیری اقتصادی (resilience Economic)، شکنندگی اقتصادی (fragility)، تاب‌آوری اقتصادی (resilience)، ریاضت اقتصادی و بازدارندگی اقتصادی (economic deterrence). هر چند از جهاتی به اقتصاد مقاومتی نزدیک هستند، اما از جهاتی متمایز از آن می‌باشند. رویکرد اقتصاد مقاومتی، برخلاف اقتصاد ریاضتی، گرچه همراه با تحمل سختی‌ها و مستلزم مقاومت در مقابل



نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده، تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم کند (دهقان، عزتی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). با توجه به شرایط موجود، به نظر می‌رسد مهم‌ترین شرایط برقراری ثبات اقتصادی در کشور عبارت است از:

۱. ثبات در قوانین، مقررات و

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

یکی از اصولی که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، و سایر سیاست‌های کلی نظام با موضوع اقتصاد، مورد تاکید قرار گرفته، ثبات قوانین، مقررات و رویه‌هاست. قوانین، هنگامی می‌توانند وظیفه مهم خود برای راهنمایی شهروندان در برنامه‌ریزی درباره فعالیت‌های اقتصادی انجام دهند که با ثبات و پایدار باشند. اگر قوانین دائماً تغییر یابند و اصلاح شوند، پیش‌بینی پذیری فضای کسب و کار مختل می‌شود و امکان فعالیت اقتصادی مطمئن، فراهم نخواهد شد.

رایج‌ترین و چشمگیرترین رویه قانونگذاری، که سبب مخدوش شدن ثبات قوانین (نظام حقوقی) شمرده می‌شود، اقدام به قانونگذاری بیش از حد و نامتناسب در قالب تصویب مکرر قوانین جدید، اصلاح پی در پی قوانین موجود و تصویب

اقتصادی است که درون‌زا و برون‌نگر بوده و در برابر آسیب‌های درونی و بیرونی به اقتصاد، پایداری می‌بخشد و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی کشور گردیده و جامعه اسلامی را به عزت، اقتدار و استقلال کامل می‌رساند.

ب. ثبات اقتصادی

«ثبات» در لغت از آن به پایداری، پابرجایی و پایایی یاد می‌شود و در اصطلاح، ثبات اقتصادی و تثبیت اقتصادی عبارت است از: کاربرد شیوه‌های پولی و مالی و سایر تدابیر برای اجتناب از انقباض یا تورم آشکار در اقتصادهای صنعتی پیشرفته دنیا (فرهنگ، ج ۲، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸۱-۲۰۸۰). ثبات اقتصادی، در دو سطح فرد و جامعه قابل طرح است. برای تحقق ثبات اقتصادی در سطح اول، باید وضع معیشتی هر فرد، به گونه‌ای باشد که در حال حاضر مشکلی از جهت فراهم بودن مایحتاج زندگی نداشته و نگران تأمین آنها در آینده نیز نباشد. و اما در سطح جامعه، ثبات اقتصادی وضعیتی است که در آن نهادهای کارآمد مالی، قضایی، اداری و اجتماعی، به همراه قوانین و مقررات شفاف و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش



الحاقیه های متعدد به قوانین است. مهم ترین آسیب این رویه، که به «تورم قوانین» (تورم قانونگذاری) معروف شده، خدشه دار کردن امنیت حقوقی (یا ثبات حقوقی) است. در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، اصلاح مکرر قوانین و پراکندگی قوانین، به شدت بر ثبات قوانین تأثیر منفی نهاده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۸ خرداد ۱۳۹۳).

۳. راهبردها و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ثبات اقتصادی

این بحث در دو بخش راهبردها و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی، با برشمردن سه مورد برای اولی و چهار مورد از الزامات، هریک از آنها تبیین می‌گردد. البته ادعایی بر انحصار راهبردها و الزامات، به موارد مذکور نیست. انتخاب این موارد، به لحاظ اهمیت بیشتر آنها، در شرایط کنونی کشور است. لازم به یادآوری است که راهبردهای اقتصاد مقاومتی، مسیر تحقق این اقتصاد در جامعه اسلامی را نشان می‌دهند؛ ولی الزامات بیانگر شرایط لازم الرعایه ای است که برای پیمودن موفق، آن مسیر، باید مورد توجه باشد. هرچند یک الزام و شرط، ممکن است ما را به راهبرد خاصی هدایت کند. بنابراین، این دو با یکدیگر مرتبط هستند و بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی دارند.

۲. ثبات در باورها و ارزش‌های مقبول جامعه

یکی از عوامل مهم برقراری ثبات اقتصادی در یک جامعه، حفظ هویت فرهنگی آن است؛ زیرا هویت فرهنگی افراد جامعه که مشمل بر باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های رفتاری آنهاست، موجب عزت و شخصیت و ثبات و پایداری در رویه‌ها و فعالیت‌های معقول و منطقی آنها، در زمینه‌های مختلف، به ویژه فعالیت‌های اقتصادی خواهد گردید. اما تزلزل در هویت فرهنگی، موجب تقلید از الگوهای غلط بیگانگان و در پیش گرفتن فعالیت‌های نسنجیده و غیر منطقی در زمینه تولید و مصرف خواهد شد. رعایت الگوی صحیح مصرف، توجه به تولیدات



ایمان به خدای متعال و تحقق وعده‌های او، اولین سنگ زیربنای اقتصاد مقاومتی است. تا زمانی که ملتی رسیدن به اهداف خود را در گرو ایجاد رابطه با بیگانگان و قدرت‌های غیر الهی ببیند، هیچ مقاومتی شکل نخواهد گرفت.

قرآن کریم تأکید می‌کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار گردد، برکت‌ها بر انسان فرو می‌بارد و زمین سرچشمه نعمت می‌شود تا آن‌گاه که وجود انسان از خیر سرشار می‌گردد. جامعه نیز در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصور، به سر می‌برد. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).

با افزایش سطح ایمان و تقوای جامعه، هم‌انگیزه فعالیت در زمینه‌های مختلف افزایش یافته و ارزش‌های اخلاقی پایدار و نهادینه گردیده و از سوی دیگر، سطح تخلفات و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی کاهش می‌یابد. در چنین وضعیتی، آرامش و اطمینان خاطر همراه با چشم‌اندازی روشن از امید به آینده، بر جامعه حکمفرما می‌گردد. با پدید آمدن وضعیت مناسب مذکور ثبات و امنیت اقتصادی جامعه نیز ارتقاء می‌یابد.

الف. اهمّ راهبردها

یکی از راه‌های بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و ثبات اقتصادی و اثبات این مطلب که راه رسیدن به ثبات اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی است، توجه به راهبردهای این اقتصاد می‌باشد. اهمّ این راهبردها، که هر یک به نوعی تأمین‌کننده ثبات اقتصادی جامعه است، عبارت است از:

- تقویت ایمان و فرهنگ اسلامی

فرهنگ دارای گستره وسیعی است که همه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادات، سنن، آیین‌ها، الگوها، زبان، ادبیات و هنر یک ملت را شامل می‌شود. اما بی‌تردید اساسی‌ترین عنصر در میان آنها، عنصر باورهاست. از این رو، باور به خدای متعال و ایمان به تحقق وعده‌های الهی و اطاعت از فرامین او، مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی در یک جامعه اسلامی است. ایمان و انگیزه الهی از یک سو، هدف و جهت‌گیری مقاومت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر خطوط اصلی نقشه راه را روشن می‌کند و سرانجام نیروی محرک و مقاومت‌آفرین جامعه، برای حرکت به سمت قله‌های پیشرفت می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْأَمُوا...» (احقاف: ۱۳، فصلت: ۳۰). این آیه نشان می‌دهد که



تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی را به دنبال دارد.

بنابراین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین رکن تحقق اقتصاد مقاومتی، اتکاء بر تولید داخلی و تقویت آن است؛ چرا که رسیدن به رشد و رونق اقتصادی و مقابله با دو مشکل اساسی اقتصاد ایران و بسیاری از کشورها، یعنی بیکاری و تورم، تنها در سایه اهتمام به کمیت و کیفیت تولید داخلی امکان‌پذیر است. روشن است رفع دو مشکل مزبور، نقش بسیاری در تأمین ثبات اقتصادی در هر دو سطح خرد و کلان آن دارد. افزایش کیفیت محصولات داخلی، اولین گام برای ایجاد و گسترش بازار برای تولیدکنندگان کشور است و یگانه راه رونق کسب و کار و تولید، داشتن بازارهای با ثبات است، نه فقط تزریق نقدینگی در قالب تسهیلات و یا کمک‌های نقدی؛ چرا که این کمک‌ها در حد مُسکَن می‌توانند ظهور مشکلات را به تعویق بیندازند، ولی درمان نمی‌کنند (ایروانی، ۱۳۹۲). به هر حال، دولت به‌عنوان نهاد برنامه‌ریز و ناظر، می‌تواند برای تقویت تولید داخلی، به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد

در این راستا، با برقراری عدالت اقتصادی در جامعه و پایبندی افراد به مقتضیات آن بر اساس ایمان و اعتقاداتشان، فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یافته، فشار فقر و تنگدستی موجب تخلف اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی نمی‌شود و همکاری و همدلی در میان افراد جامعه افزایش می‌یابد. بنابراین در چنین شرایطی ثبات و امنیت اقتصادی در دو سطح خرد و کلان ارتقاء می‌یابد. برقراری عدالت نیز زمینه مناسبی برای پایداری در عقائد و ارزش‌ها، به‌عنوان یکی از ویژگی‌ها و الزامات ثبات اقتصادی، پدید می‌آورد.

– استفاده از همه ظرفیت‌های کشور و حمایت از تولید داخلی

اکنون که نظام اسلامی و مردم مسلمان ما، در راستای رسیدن به اهداف و آرمان‌های والای خود، خواهان ایستادگی و مقاومت در مقابل فشارهای تحمیلی کشورهای سلطه‌گر است، باید با خودباوری و استفاده از امکانات موجود، سطح کمی و کیفی تولید فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی را ارتقا داد و دولت باید از وارد کردن کالاهای مشابه خارجی خودداری کند تا سطح اشتغال را در کشور ارتقا داده، از خروج ارز کشور به خارج جلوگیری نماید. رونق



مقاومتی، و داشتن اقتصادی درون‌زا و برون‌نگر، نقش مهمی داشته باشد. مقام معظم رهبری، در این باره می‌فرماید: اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گراست؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ماست، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست (خامنه‌ای، دهم اردیبهشت ۱۳۹۳).

در این راستا، دولت باید با مدیریت منابع ارزی، حمایت منطقی و حساب شده‌ای از واحدهای تولیدی داشته و نیازهای مالی و ارزی آنها را تأمین کند. البته اقدام و حمایت دولت، تنها بر اساس برنامه‌های مشخص و از پیش تعیین شده و با اجتناب از روش‌های آزمون و خطا، کار ساز و مفید خواهد بود.

در این راستا، دولت باید با مدیریت منابع ارزی، حمایت منطقی و حساب شده‌ای از واحدهای تولیدی داشته و نیازهای مالی و ارزی آنها را تأمین کند. البته اقدام و حمایت دولت، تنها بر اساس برنامه‌های مشخص و از پیش تعیین شده و با اجتناب از روش‌های آزمون و خطا، کار ساز و مفید خواهد بود.

در این راستا، دولت باید با مدیریت منابع ارزی، حمایت منطقی و حساب شده‌ای از واحدهای تولیدی داشته و نیازهای مالی و ارزی آنها را تأمین کند. البته اقدام و حمایت دولت، تنها بر اساس برنامه‌های مشخص و از پیش تعیین شده و با اجتناب از روش‌های آزمون و خطا، کار ساز و مفید خواهد بود.

مقاومتی، و داشتن اقتصادی درون‌زا و برون‌نگر، نقش مهمی داشته باشد.

مقام معظم رهبری، در این باره می‌فرماید: اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گراست؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ماست، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست (خامنه‌ای، دهم اردیبهشت ۱۳۹۳).

در این راستا، دولت باید با مدیریت منابع ارزی، حمایت منطقی و حساب شده‌ای از واحدهای تولیدی داشته و نیازهای مالی و ارزی آنها را تأمین کند. البته اقدام و حمایت دولت، تنها بر اساس برنامه‌های مشخص و از پیش تعیین شده و با اجتناب از روش‌های آزمون و خطا، کار ساز و مفید خواهد بود.

– مردمی کردن اقتصاد

اصلی‌ترین سرمایه‌ی نظام اسلامی، مردم هستند. تحقق موفق هر برنامه‌ی اقتصادی، تنها با همراهی مردم امکان‌پذیر است؛ زیرا با هماهنگی و همکاری آنها، کارها سریع‌تر، آسانتر و با هزینه کمتری انجام می‌شود؛ از سوی دیگر، همراهی مردم نیز تنها با جلب



بر دولتی بودن شدید و گسترده اقتصاد ایران، با تمامی عیوب و نقص‌هایی که بر مدیریت دولتی وارد است، دلالت دارد. در چنین شرایطی، کمال مطلوب این است که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند؛ یعنی برقراری و حفظ ثبات و امنیت اقتصادی را بر عهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذار کند. به جرأت می‌توان گفت: کوچک کردن دولت، بدون کسر ابعاد نظارتی آن، اصلی‌ترین راه دستیابی به ثبات و امنیت اقتصادی در کشور ما است.

بنابراین، در صورتی که بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم شکل داد، از نظر مقابله با تهدیدها و اثرپذیری از بیگانگان مقاوم خواهد شد؛ زیرا با همکاری و مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی، انگیزه آنها برای تلاش افزایش، با استفاده بهینه از منابع تولید، هزینه‌ها کاهش و با رعایت بهتر قوانین و مقررات، تخلفات اقتصادی کمتر خواهد گردید.

ب. اهم الزامات

یکی دیگر از راه‌های بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و ثبات اقتصادی و اثبات این مطلب که راه رسیدن به ثبات اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی است، توجه به

الزامات این اقتصاد می‌باشد. اهم این الزامات، که هر یک به نوعی تأمین‌کننده ثبات اقتصادی جامعه است، عبارت است از:

۱. جدیت در کار، تولید و تلاش جهادی

اگر جامعه‌ای بخواهد مستقل و قدرتمند به حیات اقتصادی و سیاسی خود ادامه دهد، ناچار به کار و تلاش جدی و مبارزه با بیکاری و تن‌پروری است. به همین دلیل، اسلام برای رسیدن به این هدف مهم، بر اشتغال و فعالیت افراد در جامعه تأکید دارد.

در زندگی پیامبر گرامی اسلام، آمده است:

كان رسول الله ﷺ اذا نظر الى الرجل فاعجبه قال: هل له حرفة، فان قالوا لا، قال سقط عن عيني و قيل كيف ذاك يا رسول الله، قال لان المؤمن اذا لم يكن له حرفة يعيش بدينه؛ پیامبر اسلام زمانی که مردی را می‌دید و توجه آن حضرت به او جلب می‌شد، سؤال می‌کرد: آیا حرفه و شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند: نه؛ می‌فرمود: از چشمم افتاد و در پاسخ از چرایی موضوع، پاسخ می‌داد برای اینکه یک فرد با ایمان، اگر شغلی نداشته باشد، با دین فروشی زندگی خود را اداره می‌کند! (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، ص ۹). امام کاظم (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «ان الله عزوجل يبغض العبد



به خدای متعال، از تمام ظرفیت‌های خود در راستای عملی شدن اقتصاد مقاومتی بهره برد و با انجام این امور، طبق وعده خداوند آثار و برکات تلاش و مقاومت ظاهر خواهد شد.

روشن است که در چنین شرایطی، ثبات و امنیت اقتصادی در سطح فردی و جمعی ارتقاء خواهد یافت؛ زیرا افراد، بی نیاز از دیگران و جامعه اسلامی نیز نیازمند بیگانگان نخواهد بود تا به هنگام تحریم و فشار، مبتلا به نوسانات و بحران‌های اقتصادی گشته، و مجبور به سازش و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها، عزت و استقلال خود گردد.

۲. ثبات در قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها

وجود قانون، یکی از ضرورت‌های برقراری ثبات اقتصادی و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است؛ زیرا در روابط اقتصادی تا قانون مشخص و روشنی وجود نداشته باشد، ثبات اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت.

قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار ثبات و امنیت اقتصادی را تضمین کند. از جمله ویژگی‌های یاد شده، هویت پایدار قانون است؛ یعنی اینکه مفاد قانون مرتبط با ثبات اقتصادی، هر لحظه و

النوام الفارغ» (حسراً عاملی، ج ۱۲، ۱۴۰۱، ص ۳۶). همانا خداوند متعال از بنده پر خواب بیکار متنفر است.

همچنین، پیامبر اکرم ﷺ تأکید فراوان داشتند بر اینکه کارهای خود را خودتان انجام دهید و هرگز از دیگران، ولو به اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید! «لَا يَسْتَعْنَأْ أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ وَلَوْ فِي قَضْمِهِ مِنْ سِوَاكِ» (سیره نبوی، ج ۱۳۸۳، ص ۳۴۳).

به تحقیق می‌توان این دستورات و توصیه‌های رسول خدا و پیشوایان معصوم ﷺ را که در حوزه فردی بیان کرده‌اند در حوزه اجتماع و جامعه اسلامی عمومیت داد و رمز موفقیت جامعه اسلامی را در این نکته دانست که جامعه‌ای می‌تواند به موفقیت دست یابد و در برابر ابر قدرت‌های دنیا، مبارزه کند تا همه نیازهای خود را خودش تهیه کند و حتی به اندازه یک چوب مسواک، محتاج بیگانگان نباشد.

بنابراین، اولین وظیفه مسئولان در جامعه اسلامی برای مقابله با تحریم‌ها و برقراری ثبات و امنیت اقتصادی، اهمیت دادن به موضوع اشتغال و تولید است؛ زیرا جامعه‌ای می‌تواند به عزت و سربلندی برسد که اولاً استعدادهای درونی خود را کاملاً بشناسد. ثانیاً با اعتماد به نفس و توکل



هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد. دیگر این که اصول روابط اقتصادی در قوانین مصوبه، باید روشن و مشخص باشد. بخشنامه‌هایی که پیرامون آن صادر می‌شود، تکلیف همه مرتب‌تین را بطور قطعی روشن کند. در عین حال، جای تخلف از مفاد آن را برای کسی باقی نگذارد. تجدید نظرهای زود به زود در قوانین، مقررات و بخشنامه های دولتی، گویای تهیه و تدوین عجولانه آنهاست. بنابراین، روشن بودن چشم انداز اقتصادی کشور، برای فعالان این عرصه، یک نقطه کلیدی در ایجاد آرامش، ثبات و امنیت اقتصادی است. اینکه در یک دوره بلندمدت، به عنوان مثال چگونگی اتخاذ سیاست های ارزی، نرخ سود و دسترسی به تسهیلات، دچار تغییر شدید نخواهد شد، موجب می شود که اقتصاد کشور به آرامش و ثبات برسد.

۳. کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه، چگونگی استفاده صحیح و کارآمد از منابع خدادادی نفت و گاز می‌باشد. کشور ما نیز به عنوان غنی ترین کشور، از جهت مجموع ذخایر نفت و گاز در جهان، با این معضل روبه روست و نتوانسته به نحو منطقی و صحیح، از این منابع در جهت

شکوفایی تولید داخلی و اقتدار بین المللی استفاده کند. خام فروشی تنها گزینه ای است که در این سال‌ها، برای تأمین اکثر هزینه‌های کشور انتخاب کرده‌ایم که نتیجه آن، وابستگی همه جانبه اقتصاد جامعه به نفت بوده است.

الگوی مصرف کنونی کشور نیز با توجه به آنچه گفته شد امکان تداوم ندارد. از نظر درآمد نفت، رشد جمعیت، رشد شهر نشینی، آلودگی محیط زیست و غیره، الگوی مصرف وارداتی دارای محدودیت‌هایی، به مراتب بیشتر از محدودیت‌های مزبور در کشورهای صنعتی است که باید پیش از رسیدن بحران، برای پیشگیری از آن راه چاره‌ای تدارک دید (رزاقی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹).

در حال حاضر، درآمد حاصل از نفت، همچنان بخش مهمی از درآمد کشور را تشکیل می‌دهد. این درآمد اولاً، تک محصولی و ناشی از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای کشور است. ثانیاً، متاثر از رفتار کشورهای متخاصم است که تحریم خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا، در چند سال اخیر، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. به ویژه وقتی این تصمیم با تحریم های مالی همراه می شود، دریافت درآمد فروش آن



جلوگیری از عوامل تنش زا و اضطراب آفرین، یکی از شرایط مهم و اساسی در ایجاد ثبات از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، یکی از راهکارهای مهم ایجاد آرامش و رضایت خاطر برای افراد جامعه می‌باشد و مبارزه با مفاسد اقتصادی، مهم‌ترین شرط برقراری عدالت اقتصادی است، بنابراین بدون برخورد جدی با مفاسد و تخلفات اقتصادی، برقراری آرامش و اطمینان خاطر و به دنبال آن، ایجاد ثبات اقتصادی در جامعه بی‌معناست. مبارزه با مفاسد اقتصادی، برخلاف آنچه ممکن است برخی تصور کنند که مبارزه با مفسدان این عرصه، زمینه سرمایه‌گذاری جدید را از بین می‌برد؛ چرا که ممکن است سرمایه‌گذار، احساس ناامنی کرده و از این کار پرهیز کند، موجب دلگرمی مردم، افزایش سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌داران سالم و رونق بیشتر اقتصاد می‌شود (ر. ک. به بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نبودن ثبات اقتصادی و آرامش خاطر، هیچ فعالیت اقتصادی به شکل دلخواه صورت نگرفته و آثار و نتایج مثبت به بار

مقدار از نفت، به دیگر کشورها هم عملاً مشکل می‌شود. از این رو، وابستگی بودجه کشور به این مقدار از درآمد نفتی، یک نقطه ضعف مهم است (فیروزآبادی، ۱۳۹۲). بی‌شک برای رفع این ضعف، از این ظرفیت باید برای سرمایه‌گذاری زیربنایی در سایر بخش‌ها بهره‌برد و با تبدیل این مواد به محصولات ثانویه و ترجیحاً محصول نهایی، حتی المقدور از خام‌فروشی این مواد اجتناب نمود.

نتیجه اینکه: اجرای برنامه‌های بلندمدت برای کم کردن وابستگی به نفت و کاهش اتکا به آن، از طریق «کاهش واردات» و «افزایش صادرات غیرنفتی»، یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت، مانند پتروشیمی از راهکارهای مهم برای ثبات بخشی به اقتصاد کشور است؛ زیرا در این صورت دیگر بیگانگان، به ویژه قدرت‌های جهانی با ایجاد نوسان در قیمت نفت، قادر نخواهند بود تکانه‌های شدید بی‌ثبات کننده در اقتصاد ما به وجود آورند و یا با تحریم نفتی و بانکی، اقتصاد را دچار مشکل جدی یا بحران سازند.

۴. مبارزه با مبارزه با مفاسد و

تخلفات اقتصادی

از آنجا که آرامش روحی افراد جامعه و



مربوط به الزامات اقتصاد مقاومتی، ثبات در قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها، جدیت در کار، تولید و تلاش جهادی، کاهش وابستگی به درآمدهای ناشی از فروش نفت خام و سایر منابع زیرزمینی و مبارزه با مفاسد و تخلفات اقتصادی مطرح گردید و چگونگی ارتقاء ثبات اقتصادی کشور، با پذیرش و تحقق این الزامات توضیح داده شد.

نتیجه اینکه اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا و برون‌نگر، که با استفاده از نیروها، منابع، استعدادها داخلی و توان‌های مردمی، مسیر رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را می‌پیماید. از این رو، قادر است ثبات اقتصادی کشور را در بالاترین سطح تأمین کند و در این مقاله، تلاش شد با توجه به راهبردها و الزامات اقتصاد مقاومتی، رابطه این دو، با یکدیگر بررسی گردیده و اثبات گردد که در شرایط موجود کشور، تنها با تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت؛ زیرا با وجود ثبات و امنیت اقتصادی همه جانبه، افراد جامعه فعالیت‌هایشان را بر پیمودن مسیر پیشرفت مادی و معنوی کشور متمرکز می‌کنند. پیمودن راهبردهای مذکور و رعایت الزامات چهارگانه؛ زمینه

نمی‌آورد. برقراری و حفظ ثبات نیز بی‌شک به زمینه‌ها و ابزارهای نیاز دارد که در راستای رسیدن به اهداف و آرمان‌ها نظام اقتصادی اسلام، فراهم آوردن آنها، جزو مسئولیت‌های مجموعه نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قضائیه است. بی‌توجهی به مسائل محوری پیشرفت، که ثبات اقتصادی یکی از آنهاست و غفلت از آنها، موانع زیادی در مسیر پیشرفت اقتصادی کشور ایجاد خواهد کرد؛ زیرا سرمایه‌گذار باید از عاقبت کار و فعالیتش مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار و شرایط مناسب دیگر، برای سودآور بودن فعلیت اقتصادی وجود دارد و گزینه سرمایه‌گذاری، به جهتی سوق داده می‌شود که با فعالیت‌های سالم اقتصادی مغایرت دارد و با مسیر و مجرای مورد نیاز توسعه و پیشرفت کشور در تضاد است. در بخش مربوط به راهبردهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با ثبات اقتصادی، تقویت ایمان و فرهنگ اسلامی، استفاده از همه ظرفیت‌های کشور و حمایت از تولید داخلی، مردمی کردن اقتصاد مطرح گردیده و چگونگی ارتقاء ثبات اقتصادی کشور با این عوامل، تبیین گردیده است. در بخش



طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، *مجمع البحرين*، تهران، مکتبه المرتضویه.

عبدالمحمود محمدی لرد و عابد اکبری، ۱۳۹۲، *راهبرد توسعه اقتصادی همراه با ثبات سیاسی*

(واکاوی علل اقتصادی بی ثباتی سیاسی)،

تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، *فرهنگ بزرگ اقتصادی*، تهران، البرز.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۹۲ق، *الکافی*، تهران، مکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، ۲۰۰۸م، *تاج العروس من جواهر القاموس*، کویت، مطبعه الکویت.

Paul Zak, 2001, Monetary stability and economic growth

Economic Shocks and Regional Economic Resilience, Edward Hill, Travis St. Clair, Sarah Ficenc, Pamela Blumenthal Pat Atkins, Alec Friedhoff

Howard Wial, Hal Wolman, 2010, DRAFT MAY

Prepared for Brookings, George Washington, Urban Institute, Building Resilient Region Project conference on Urban and Regional Policy and Its Effects: Building Resilient Regions, Washington, DC..

پرورش انسان‌های خلاق، متعهد، متخصص و صاحب شأن و منزلت اجتماعی فراهم می‌گردد.

منابع

نهج البلاغه، بی تا، تصحیح فیض الاسلام، قم، امیرالمؤمنین.

ایروانی، محمدجواد، بی تا، مصاحبه؛ وزیر اقتصاد دوران دفاع مقدس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در: khamenei.ir

بیانات مقام معظم رهبری، در: khamenei.ir

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۰۷ق، *غرر الحکم و دررالحکم*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.

حراعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۱ق، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.

خبرگزاری مهر، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۸ خرداد ۱۳۹۳.

دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۸۳، *سیره نبوی*، تهران، دریا.

دهقان، محمدعلی و مرتضی عزتی، ۱۳۸۷، *امنیت اقتصادی در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

رحمانی، تیمور و محمدامین صادق‌زاده، ۱۳۸۹، «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی».

پول و اقتصاد، ش ۶.



نقش بسیجیان و پایگاه‌ها در اشاعه اقتصاد مقاومتی

سیاوش پور طهماسبی * / سعید پور طهماسبی ** / آذر ناجور ***

چکیده

استقلال و اقتدار اقتصادی، در سایه حمایت از کار و سرمایه بومی و در نهایت، افزایش تولید ملی محقق می‌شود. اقتصادی می‌تواند داعیه اقتدار و بالندگی داشته باشد که تولید و مصرف داخلی حداکثری داشته، کفه میزان اقتصادی به سمت صادرات سنگینی کند. اقتصاد زمانی به سطح آرمانی خواهد رسید که زیرساخت‌های بومی و داخلی داشته، وابستگی سرمایه‌ای، کاری و نیرویی به خارج نداشته باشد؛ این عدم وابستگی در سایه تولید ملی و مصرف بومی در کشور محقق می‌شود. تولید ملی در سایه حاکمیت فرهنگ بسیجی، حمایت از کار و نیروی بومی و جذب سرمایه داخلی، به سطح حداکثری و مطلوب خواهد رسید. نهاد بسیج، با توجه عرصه‌های فعالیت گوناگون و گسترده آن در کشور و همچنین، وجود مراکز آن در کلیه محلات، بخش‌ها و شهرستان‌های گوناگون و برخورداری از حمایت‌های دولتی و امکانات مناسب، می‌تواند بهترین گزینه برای ایجاد و اشاعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی در کشور باشد. نهاد بسیج، با توجه به گسترده و مردمی بودن آن، اگر مورد حمایت بیشتر دولت در زمینه اقتصادی قرار گیرد، با توجه به ویژگی‌ها و گستردگی‌های نهاد بسیج و داشتن پایگاه‌های متعدد و تعاملات گوناگون و عرصه‌های فعالیت متنوع، می‌تواند در ایجاد شبکه‌های اقتصادی در سطوح مختلف، به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابد.

کلیدواژگان: اقتصاد مقاومتی، بسیج، پایگاه مقاومت، اسلام.

* کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور مرکز گرمی tahmasbesiavash@yahoo.com

** دبیر آموزش و پرورش.

*** دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه.



مقدمه

داشتن نیروی عظیم جوانان، ویژگی مهم کشور اسلامی ماست. دشمن در صدد است تا این «فرصت» مغتنم و تاریخی را به «مسئله‌ای» برای نظام تبدیل کند. تحقق ایرانی توسعه یافته، گامی جدی، عملی و اساسی برای خشتی کردن این توطئه است و فرصتی برای شناسایی و ظرفیت‌های بالقوه، توان و انرژی نسل جوان در گشودن گره‌های کشور است. حاکمیت تفکر بسیجی بر فضای کاری کشور، می‌تواند به میزان قابل توجهی از هزینه‌های نظام بروکراسی بکاهد. ویژگی تفکر بسیجی این است که دشوارترین کارها را در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه به انجام رساند؛ چرا که تفکر بسیجی به ابتکار، خلاقیت و نوآوری می‌اندیشد و از اسیر شدن در دام تکرار، یکنواختی و تقلید از الگوهای بیگانه و بروکراسی فشل به دور است. تفکر بسیجی، هیچ تلازم و سنخیتی با جناح گرایی، حزب بازی و کار بانندی و گروهی ندارد. از این رو می‌تواند در عرصه اقتصادی نیز موفق باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶). نقش بسیج در تبدیل قدرت به اقتدار و قدرت مشروع، هم از لحاظ مشروعیت استمرار حکومت حاکمان و اعمال اراده

آنها بر جامعه و هم ایفای نقش به عنوان حلقه واسط حکومت و مردم و کاستن از سطح اصطکاک دولت، در عرصه‌های تصدی‌گری با زندگی روزمره مردم، سرمایه‌ای عظیم و غیرقابل انکار برای کشور فراهم آورده است.

خودکفایی و استقلال اقتصادی، به طور جدی از سالیان پیش در کشور ما آغاز شده است. در این راستا، هر گونه اقدامی باید توأم با حفظ و توسعه ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی باشد. با بهره‌گیری از فضای سالم و پاک در بسیج و بسیجیان، در عرصه جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، ایستادگی در مقابل تحریم‌ها ممکن می‌گردد. تحول در اقتصاد به سوی خود کفایی، تغییر ادبیات و فرهنگ اقتصادی و تغییر روابط کارفرما و کارگران، با نیت پاک به اماکن اقتصادی وارد شدن از مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف بسیجیان است. بسیجیان، با همان فرهنگ و تفکری که جنگ را اداره کرده بودند، با همان تفکر با حضور در عرصه اقتصاد مقاومتی، برای تحقق آرمان‌های ولی امر مسلمین گام به صحنه نهاده‌اند. آنان که در فتح سنگرهای سیاسی هرگز انگیزه مادی نداشته‌اند و به قصد تحقق دستورات و اجرای قوانین و سنت و با تبعیت از فرامین



ولایت امر، در این غرضه قدم می‌گذارند (کرشی، ۱۳۸۹).

امروزه، جنگ تازه ما با دشمنان انقلاب اسلامی، به طور جدی آغاز شده است. وظیفه تک تک بسیجیان، هجوم به سنگرهای اقتصادی است. امروز بسیجیان باید در مقابل حصر اقتصادی آمریکا، که برای ملت مظلوم ما تدارک دیده است، با ابزار کارآفرینی و اشتغالزایی بایستند و با همان توفندگی و حرارت، بار دیگر رسالت خود را به انجام برسانند. بسیجیان متأسفانه علی‌رغم اهمیت مسائل اقتصادی همچون محرومیت زدایی، مصرف کالای داخلی، کارآفرینی، خودکفایی و ... در توسعه اقتصادی و اشتغال کشور، تاکنون ساختار و مدیریت منسجم برای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، حمایت، هدایت و نظارت بر توسعه، بر این مسائل در تشکیلات دولت و نیز بدنه بسیج استقرار نیافته و مجموعه اقدامات انجام شده خودجوش و به صورت پراکنده در حوزه‌های گوناگون پیگیری می‌شود. واقعیت این است که از سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، کمتر صحنه‌ای برای جوانان گشوده و فراهم شده است تا آنان به اثبات قدرت اراده خود پردازند. بسیج

می‌تواند زمینه‌ساز آغاز دور جدیدی از باور، اعتماد و اتکاء به نیروی جوان و بی‌توقع در عرصه اقتصاد مقاومتی باشد (زارعی، ۱۳۹۱).

پیشینه تاریخی اقتصاد مقاومتی

نقطه مقابل امنیت اقتصادی، «بحران اقتصادی» است. علی بن ابی‌طالب (ع)، شاگرد برجسته مکتب اسلام، معتقد است: بحران اقتصادی در جامعه و گروه‌ها موجب نوعی بحران فرهنگی (بحران هویت) می‌شود: «كَأَدَّ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا» (صدوق، ۱۴۱۷ه ق، ۳۷۱). و بحران فرهنگی نیز به ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی می‌انجامد. و در نهایت، چنین جامعه‌ای تحت تأثیر و کنترل ملت‌ها و کشورهای دیگر، استقلال خویش را از دست می‌دهد. در این صورت، حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن جامعه تحت تأثیر این سلطه دچار دگرگونی‌های عمیقی می‌شود. امیرمؤمنان، علی (ع) با دیدی موشکافانه به این مسئله، می‌فرماید:

هشدار که فقر و نیازمندی، بلا و بدبختی است و توسعه اقتصادی، امتیاز ویژه خدادادی است! خیر دنیا در تندرستی و بی‌نیازی است و بیماری و نداری همه شر است. فقر



باعث بزرگ‌ترین مرگ‌ها است. کسی که غذای خود را نتواند تهیه کند، خطاهایش بسیار می‌شود. فقر سبب حقارت و زیردست شدن می‌شود. فقیر سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبش دانسته نمی‌شود. فقیر اگر راست‌گو باشد، او را دروغ‌گو نامند و اگر زاهد و دنیاگریز باشد، نادانش خوانند. کسانی که به فقر گرفتار آیند، به چهار خصلت گرفتار می‌شوند: به سستی در یقین، کاستی در خرد، شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره (رضی، ۱۴۱۲، ج ۴، ۴۱ و ۹۳؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ۴۷).

استعمارگران می‌گردند. اما حاکمان و حکومت‌هایی که از پشتوانه مردمی برخوردارند و دارای ایمان قوی هستند، هرگز تن به تسلیم نمی‌دهند و فشار و محاصره، ریشه ایمان آنها را محکم‌تر می‌سازد، به گونه‌ای که ضربات دشمن را با سپر صبر و شکیبایی پاسخ می‌دهند» (رک: سبحانی، ۱۳۵۱، ج ۱، ۲۸۲). البته در روابط میان ملت‌ها نیز همین فشار و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری حاکم است.

مطالعه تاریخ اسلام نشان می‌دهد که عمده‌ترین «محاصره‌ها» و «مصادره‌ها» بر ضد آنها، زمانی که به‌عنوان اقلیت فعالیت می‌کردند، در سه دوره عمده تاریخی انجام پذیرفت که نخستین بحران اقتصادی، سال هفتم بعثت رخ داد و به «محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب» معروف شد. دشمن می‌خواست با قطع مایحتاج مسلمانان، آنها را به تسلیم وادارد. به همین دلیل، سران حکومت «مکه»، عهدنامه‌ای را با امضای هیئت عالی قریش به دیوار کعبه آویختند و سوگند یاد کردند که ملت قریش تا لحظه مرگ بر این اصول پایبند است:

۱. هرگونه خرید و فروش با هواداران محمد(ص) باید تحریم شود.
۲. کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط

«محاصره»، «مصادره» و «ایجاد وابستگی»، از مهمترین دشمنی برای ایجاد بحران در شرایط جنگ برای سلطه اقتصادی است. در چنین زمانی، حکومت‌های وابسته، تاب مقاومت نداشته، گاهی تسلیم شده از نیمه راه برگشته و فرمان‌بردار سلطه‌گران می‌گردند. چنین حکومت‌هایی هنگامی که احساس خطر کنند و با رنج و درد زندان و محاصره روبه‌رو گردند، چون محرک روحانی و ایمانی ندارند تسلیم خواست



زناشویی برقرار کند.

۳. ارتباط و معاشرت با آنان اکیداً ممنوع است.

۴. در همه پیشامدها باید از مخالفان

محمد طرف‌داری کرد.

با تصمیم ابوطالب(ع)، یگانه حامی پیامبر، شماری از بنی‌هاشم از مکه بیرون رفتند و در دره‌ای که میان کوه‌های مکه قرار داشت و به شعب ابی‌طالب معروف بود، اقامت گزیدند. این محاصره سه سال به طول انجامید و فرزندان بنی‌هاشم در این سه سال، دشوارترین شرایط زندگی را تجربه کردند، به گونه‌ای که گاه با نصف دانه خرما، روز را به پایان می‌رساندند. در این سه سال، آنان تنها در ماه‌های حرام از شعب بیرون می‌آمدند و به دادوستد می‌پرداختند.

البته در این هنگام نیز از شر دشمنان اسلام در امان نبودند. برای مثال، هرگاه ابولهب شاهد معامله‌ای میان مکیان و بنی‌هاشم بود، در میان بازار فریاد می‌کشید و می‌گفت: مردم! قیمت اجناس را بالا ببرید تا از پیروان محمد(ص) قوه خرید را سلب کنید و خود نیز برای تثبیت قیمت اجناس، کالاها را به قیمت گران‌تر می‌خرید. سعد وقاص می‌گوید: شبی از میان دره بیرون آمدم، درحالی‌که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را

دیدم، آن را برداشته، شستم، سوزاندم و کوبیدم و بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز را به سر بردم(همانص ص ۲۸۱-۲۸۶).

بحران دوم اقتصادی، هم‌زمان با هجرت محمد مصطفی(ص) بنیان‌گذار مکتب نور و هدایت به مدینه، اتفاق افتاد که در آن، دولت قریش برای تأمین هدف‌های سیاسی خود، اموال مسلمانانی را که به مدینه هجرت می‌کردند، مصادره و آنان را از حق مسلم تسلط بر اموال خویش محروم می‌ساخت. در نتیجه، بسیاری از مسلمانان به دلیل مهاجرت پنهانی به مدینه، در برابر مصادره اموالشان به‌وسیله قدرتمندان جامعه مکه بسیار آسیب‌پذیر شدند.

سومین بحران اقتصادی مسلمانان صدر اسلام ناب در روزهای آغازین کودتای خزنده، بر ضد تداوم حکومت حق، به‌وسیله کسانی انجام گرفت که سال دهم هجری در «سقیفه بنی‌ساعده» گرد آمده بودند. در این زمان، پیروان علی بن ابی‌طالب(ع) که در دوران حیات پیامبر(ص) به «شیعه» معروف شده بودند، در اقلیت قرار گرفتند. گروه‌های رقیب حاکم بر جامعه از آنجا که می‌ترسیدند مبدا درآمد «فدک»، برای مبارزه شیعیان با



هدف‌های صرف اقتصادی نیست، بلکه ممکن است شخصیت‌هایی (حقیقی یا حقوقی)، که از این ابزار استفاده می‌کنند، هدف‌هایی سیاسی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و حتی فرهنگی را دنبال کنند که تنها رفتار ظاهری آن شخصیت در چارچوب مسائل اقتصادی توجیه می‌شود.

در مطالعه سیاست خارجی پیامبر، عمده‌ترین مصداق بهره‌گیری از ابزار اقتصادی بر ضد حریف، اعلام ممنوعیت تجارت با قریش و هم‌پیمانان قریش بود. ایشان در قانون اساسی مدینه نوشت: «مسلمانان و یهودیان با قریش و کسانی که آنها را یاری می‌دهند، تجارت نخواهند کرد» (ابن هشام، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۸۴).

پس از استقرار دولت در مدینه، پیامبر برای تأمین هدف‌های سیاست خارجی خود، به گونه‌های متفاوتی از حرب‌های اقتصادی بهره می‌گرفت. برای مثال، از آنجاکه پیامبر اکرم (ص)، به‌خوبی می‌دانست قریش به دلیل «تجارت‌های» بسیاری که با سرزمین‌های دور، به‌ویژه «شامات» دارد، بسیار آسیب‌پذیر است، به شیوه‌های گوناگون، افزون بر ایجاد ترس و دلهره در میان قریشیان و فشار روحی و روانی بر آنان، از اینکه مبدا امنیت

دستگاه خلافت پشتوانه مالی خوبی باشد، فدک را «مصادره» کردند. بنی‌هاشم و فرزندان عبدالمطلب را حتی از حقوق مشروع خود (خمس غنایم) بی‌بهره ساختند. به قول ابن‌ابی‌الحدید: «جمعیتی که باید به دنبال زندگی بروند و با کمال نیازمندی به سر برند، هرگز توان کافی برای کسب حاکمیت را پیدا نمی‌کنند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ۲۳۶ و ۲۳۷).

از روزگاران گذشته تاکنون، افزون بر سیاست داخلی، ابزار اقتصادی یکی از تکنیک‌های مؤثر در اجرای سیاست‌های خارجی و نیز یکی از ابزارهای مؤثر سلطه و اعمال قدرت و نفوذ در صحنه بین‌الملل بوده است. اگر از دید حکومتی به این مسئله بنگریم، درمی‌یابیم که دولت و حکومت استفاده‌کننده از این حرب، در تلاش بوده است تا با به وجود آوردن بحران اقتصادی برای حریفان و «وابسته» کردن آنها به خود، آنها را وادار به تغییر در رفتارهایشان سازد، به‌گونه‌ای که دگرگونی‌های ایجاد شده در رفتار آنان، منافع استفاده‌کننده از بحران اقتصادی را در پی آورد. بنابراین، در بسیاری از موارد، بهره‌گیری از حرب‌های اقتصادی، در سیاست‌ها و برخوردها، برای تأمین



اقتصادیشان به خطر افتد، به تحقیر سیاسی - نظامی آنها نیز اقدام کرد.

برای نمونه، در ماه هشتم از سال اول هجری، سی سوار به سرپرستی حمزه بن عبدالمطلب بر سر راه کاروان تجاری قریش فرستاده شد تا با کاروان برخورد کند که زد و خوردی انجام نپذیرفت. سپس، عبیده بن حارث با شصت سوار بر سر راه کاروان ابوسفیان فرستاده شد، تا آنها هم با کاروان برخورد کنند، ولی باز هم درگیری صورت نگرفت. بار دیگر، سعد بن ابی وقاص با هشت نفر دیگر، به سوی حجاز روانه شد.

در ماه دهم، سال اول و ماه اول و سوم سال دوم نیز پیامبر(ص)، خود به منظور تعقیب کاروان‌های قریش تا ابواء و بواط و ذات العشیره پیش رفت، ولی با کاروان قریش روبه‌رو نشد. نمونه دیگر، حمله خودسرانه عبدالله بن ححش، به کاروان تجاری قریش در ماه حرام و مصادره اموال آنان بود که پیامبر(ص) از این مسئله ناخرسند شد. با نزول آیاتی، که حاکی از بخشودگی مرتکبین این خلاف بود، پیامبر غنایم جنگی به‌دست آمده از قریش را تقسیم کرد.

حضرت محمد مصطفی ﷺ با این اعمال به قریشیان و سایر قبیله‌های ساکن «شبه جزیره» هشدار داد که در صورت هرگونه

تجاوز و ایجاد ناامنی برای مسلمانان، «امنیت اقتصادی» آنان به خطر خواهد افتاد.

امروز حربۀ اقتصادی به شکل‌های گوناگونی، از جمله اعطا یا عدم اعطای وام، صدور تکنولوژی یا خودداری از آن، تحریم تجاری و بازرگانی، محاصره اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، افزایش یا کاهش تعرفه گمرکی، مشارکت یا عدم مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها و مواردی مانند آنها دیده می‌شود. بدین ترتیب، هر اندازه دولتی قدرت و توانایی کمتری داشته، وابستگی آن به سایر دولت‌های بیشتر باشد، در مقابله با حربه‌های اقتصادی، مالی و تکنولوژیک آسیب‌پذیرتر خواهد بود. این حربه، در دوران صلح و یا جنگ، می‌تواند در تغییر رفتار دولت‌ها بسیار مؤثر افتد.

راهبردهای دشمنی در تسلیم

- تضعیف روحیه و ناامید کردن مردم با بزرگ‌نمایی تأثیر تحریم‌ها؛
- القای به بن بست رسیدن نظام؛
- تلاش و برنامه‌ریزی برای مصداق‌سازی؛
- مانور شدید رسانه‌ای بر روی افزایش قیمت کالاهای و خدمات؛
- تحریک نافرمانی مدنی؛
- تشویق به خرید دلار و ذخیره‌سازی آن، با هدف تضعیف بیش از پیش پول ملی؛



– رصد میزان نقدینگی سرگردان در کشور و بهره‌گیری سوء از آن؛
– تحریک افکار عمومی به خروج نقدینگی از بانک‌ها و موسسات مالی؛
– القای کاهش شدید درآمدهای کشور، به واسطه عدم فروش نفت و فروپاشی قریب الوقوع اقتصاد کشور؛
– القای عدم مشارکت نخبگان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی.
– جهت‌گیری سیاست‌های تجاری به کشورهای همسایه؛
– باور به اینکه مصرف کالاهای آمریکایی و انگلیسی به معنی کمک به اقتصاد دشمن است؛
– پرهیز از اسراف، و تجمل‌گرایی و تقلیدگرایی؛
– مقابله جدی با فساد مالی و رانتخواری؛
– کم کردن نیاز کشور به واردات با تولید کالاهای با کیفیت؛
– تقویت ارزش پول ملی، با اتکا به تولید داخلی؛

– افزایش اشتغال و کاهش بی‌کاری؛
– مصرف بهینه کالاها و خدمات؛
– مردمی کردن اقتصاد.

فلسفه تشکیل بسیج

– جست‌وجوی راه‌های برون رفت از فشارهای نظام سلطه، با اتکای به ظرفیت‌های داخلی؛
– توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی؛
– به‌کارگیری توانمندی‌های داخلی برای شکوفایی اقتصاد بومی و ملی؛
– نقش اساسی و محوری به مردم در انجام فعالیت‌های اقتصادی و ایفای نقش مکمل و جایگزین توسط دولت؛

یکی از ساختارهای قوام بخش جوامع کنونی، نهادها و تشکل‌های «مردم نهاد» موسوم به «سازمان‌های غیر دولتی» هستند که در ابعاد و اشکال مختلف و در زمینه‌های گوناگون، در حال فعالیت مدنی و اجتماعی هستند (شیرین، ۱۳۸۸، ص ۱۳). بسیج، نهادی اجتماعی با ابعاد متعدد و وسیع برای پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه، اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و در صورت نیاز، امنیتی و نظامی می‌باشد (خزایی، ۱۳۸۷، ص ۶۸). بسیج، ابتدا در کاربردی نظامی، برای محافظت از انقلاب



اسلامی تبلور یافت و بنابر آنچه در سال‌های بعد نیز توسط رهبر کبیر انقلاب و پس از ایشان، مقام معظم رهبری، به عنوان رهنمود بیان شده، مشخص می‌شود که بسیج یک سازمان صرفاً نظامی نبوده و نیست حتی سازمان هم نیست؛ اگرچه جلوه ای از آن در سازمان نیروی مقاومت بسیج جلوه‌گر شده است (حسنی آهنگر و بزمشایی، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

بسیج، به مثابه تجلی مشارکت مردم در گذر نظام از شرایط و بحران‌های گوناگون، نهادی است که به ابتکار و دوراندیشی عالمانه حضرت امام (ره) تأسیس شد. در اساسنامه بسیج مستضعفان، بسیج را به این صورت تعریف کرده اند:

بسیج نهادی است تحت فرماندهی مقام معظم رهبری، که هدف آن نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و جهاد در راه خدا و گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی، از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلا و حوادث غیرمترقبه می‌باشد (کیاکجوری، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه فرمودند: بسیج به معنای فرد یا مجموعه آماده برآوردن نیازهای انقلاب اسلامی است، بسیجی کمر بسته اسلام و انقلاب است، اهمیت بسیج در داشتن یک درک متعالی از مسائل کشور و جهان است. بسیج باید جلوتر از همه وارد عرصه علم بشود و عرصه‌های علم، فناوری و نوآوری‌های علمی را تصرف نماید (نبوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

فلسفه بیج با هر نگرشی که مورد بحث و بررسی قرار گیرد، مویذ این نکته بوده که می‌بایست نوعی فرآیند داوطلبانه تجمیع نیروی انسانی و امکانات با بهره‌گیری از مدیریتی کارآمد صورت پذیرد. افراد دخیل در چنین فرآیندی بشکل توأمان در پی گسترش منافع اجتماع، تدارک خدمات عمومی اجتماعی و حمایت از کارکرد دستگاه‌های اجرایی و در صورت نیاز کمک داوطلبانه در جهت پیشبرد امور اجتماعی هستند.

بسیجی آرمان خواه و اصول گراست و با هر چه که با اصول مکتبی او ناسازگار باشد، سرسستیز خواهد داشت. بسیجی مخلص برای ادای دین زمان و مکان



پیچیده‌تر نمودن معضلات اقتصادی، موجب ایجاد تعارضات اجتماعی و سیاسی در کشور گردیده است و بحران‌هایی را پیش روی نظام جمهوری اسلامی قرار خواهد داد، این تهدیدی جدی علیه امنیت ملی و توسعه کشور است. بنابراین، برای تعدیل مشکلات اقتصادی و رسیدن به اهداف اشتغال پایدار در سند چشم‌انداز، ضروری است که همه ارکان نظام جمهوری اسلامی و آحاد جامعه اسلامی، با مد نظر قرار دادن فرمایشات رهبری انقلاب، خود را در راه رسیدن به این امر متعهد دانسته، و از هیچ تلاش و کوششی فروگذاری ننمایند. بسیج نیز به عنوان یک نهاد مردمی - اسلامی، که داعیه‌دار تبعیت محض از فرامین ولی فقیه جامعه اسلامی است، یکی از ارگان‌هایی است که هم با توجه به فلسفه وجودی آن و هم با توجه به گستردگی طیف‌های مردمی در برگیرنده و هم گستردگی جغرافیایی سازمان خود، می‌تواند نقش بسیار مهم و حیاتی در این زمینه ایفا نماید (شیرین، ۱۳۸۱). از این رو، ورود بسیج به حوزه اقتصادی برای تعدیل معضلات مربوط به اشتغال و بیکاری ضرورتی روزافزون دارد. بی‌شک هر کشوری تجهیزات و

نمی‌شناسد. برای بسیج و تلاش بسیجی شب و روز مفهوم ندارد. دغدغه او مبارزه با فقر و بدبختی است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶).

حضرت امام خمینی بسیج را یک فرهنگ، که در بین مردم قرار دارد، معرفی نموده که ریشه در باورهای انقلابی، اسلامی و ملی ایران دارد. معنویت، شجاعت، ولایت، آگاهی و شناخت، دشمن‌شناسی، حریت از شاخص‌های این تفکر محسوب می‌گردند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در رابطه با ضرورت حضور بسیج در عرصه‌های مختلف می‌فرماید:

در دوران جنگ بسیج مال جنگ است، در دوران پشتیبانی مال پشتیبانی، در دوران علم مال تحصیل و تدریس و در دوران سازندگی مال سازندگی است. بسیج به معنای حضور شجاعانه، فداکارانه و مخلصانه انسان‌های پیشگام در تمامی عرصه‌های مورد نیاز نظام اسلامی و کشور است. (همان)

اهمیت بسیج در شکوفایی اقتصاد مقاومتی
در حال حاضر، شکاف عظیم و روزافزون میان عرضه و تقاضای نیروی کار، علاوه بر



را داشته باشند. بدین ترتیب، در زمان حال و آینده، گسترش بسیج و ایجاد آمادگی در توده‌های مردم برای حضانت و صیانت از جمهوری اسلامی ایران، مواجه با هیچ گونه خلاء قانونی از سوی قانونگذاران و کارگزاران نظام نخواهد شد. علاوه بر آن، آموزه‌های الهی که اساس تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن مبتنی است، حفظ آمادگی در برابر دشمن را در هر زمان و مکان برای اهل ایمان (بسیجیان)، توصیه نموده است.

حضرت امام (ره)، در این زمینه فرموده اند: «قضیه بسیج، همان مسئله‌ای است که در صدر اسلام بوده. وقتی جنگ می‌شد، طوایف مختلف می‌آمدند و به جنگ می‌رفتند. این مسئله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است» (امام خمینی، ۱۳۸۰).

بنابراین، سازمان‌ها، و مراکز فرهنگی - آموزشی، همچون بسیج از دو طریق به گونه‌ای کارآمد در بازسازی و توسعه موفقیت آمیز اقتصادی، در بسیاری از جوامع توسعه یافته مشارکت می‌کنند: اول، تربیت نیروی انسانی با کیفیت از نظر علمی و فنی و به تعداد لازم؛ دوم، ایجاد محیط و شرایط تحقیق و توسعه که

نیروهای برتر خود را به عنوان عقبه استراتژیکی برای شرایط بحران در نظر می‌گیرد که بالاترین آن، سلاح‌های کشتار جمعی است. در کشور جمهوری اسلامی ایران، عقبه استراتژیک آن عبارت است از: عناصر مؤمن و فداکار به نام «بسیجی» که حماسه‌ساز قرن بیستم است.

نهاد پربرکت بسیج در پنجم آذر ماه ۱۳۵۹ ه.ش، به فرمان حضرت امام خمینی (ره) بنیان نهاده شد. به اقتضای گسترش و انسجام بیشتر سازمان، این ارتش بیست میلیونی، در سال ۱۳۶۸ با نام «نیروی مقاومت بسیج» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از نیروهای پنجگانه سپاه مورد تأیید مقام عظمای ولایت و فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله خامنه‌ای قرار گرفت.

در اصل ۱۵۱ قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی، اشاره شده است به حکم آیه واعدوا لهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم (انفال: ۶۰). دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی



پیشرفت پایداری را در توسعه صنعتی امکان پذیر می‌سازد (مهرعطا، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه، هنوز مدل ثابت و مناسبی به اقتصاد مقاومتی ارائه نشده و از الگوی خاصی دنباله روی ندارد، این مدل می‌تواند، طرح اولیه جهت اقدامات بعدی باشد. لذا لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی در این تحقیق، با مطرح کردن این بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بسیج به لحاظ مأموریت‌هایی که برای آن تعریف شده است، در تمامی صحنه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... انقلاب حضور فعال دارد و بسیاری از گره‌ها و مشکلات را به دست توانای خود می‌گشاید.

به جرأت می‌توان گفت. در هیچ یک از جنگ‌های تاریخ بشری، چنین نیرویی با چنین وسعت و توان، آن هم منبعث از آرمان‌های دینی و عقیدتی، برای دفاع از یک سرزمین، متشکل و منسجم نشده است. تنها در طول حیات انقلاب اسلامی، این نیروی عظیم با رسالتی عظیم‌تر پا به عرصه ظهور نهاده و در همه جوانب از جمله بازدارندگی و مقابله با تهدیدات سخت افزاری، سازندگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وارد شده و به بهترین نحو، رسالت خود را به انجام رسانده است. یکی از بارزترین کارکردهای بسیج، کارکرد رزمی در عرصه بازدارندگی و مقابله با تهدیدات سخت افزاری است. بسیج توانست با بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند دفاع مقدس، نقش بازدارندگی و مقابله با تهدیدات خود را به بهترین نحو ایفا کند. امروز تحقق دفاع همه جانبه و تنها راه مقابله و مقاومت در برابر تهدیدات دشمن، تقویت، توسعه و گسترش بسیج جنگ نرم اقتصادی است، تا ضمن رسیدن به شکوفایی اقتصادی، جوانان از تیر رس اهداف خصمانه و شوم بیگانگان، که مهم‌ترین آن ناشی از بیکاری و عدم اشتغال جوانان بسیجی است، دور بمانند؛ چرا که حضرت امام(ره)، معتقد بود: «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شود، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید».

امروزه در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تولید و خدماتی شده‌اند و از آنان نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود، چرخ‌های توسعه اقتصادی، همواره با توسعه تولید و سرمایه‌گذاری به حرکت در می‌آید. اگر

پیشرفت پایداری را در توسعه صنعتی امکان پذیر می‌سازد (مهرعطا، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه، هنوز مدل ثابت و مناسبی به اقتصاد مقاومتی ارائه نشده و از الگوی خاصی دنباله روی ندارد، این مدل می‌تواند، طرح اولیه جهت اقدامات بعدی باشد. لذا لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی در این تحقیق، با مطرح کردن این بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بسیج به لحاظ مأموریت‌هایی که برای آن تعریف شده است، در تمامی صحنه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... انقلاب حضور فعال دارد و بسیاری از گره‌ها و مشکلات را به دست توانای خود می‌گشاید.

به جرأت می‌توان گفت. در هیچ یک از جنگ‌های تاریخ بشری، چنین نیرویی با چنین وسعت و توان، آن هم منبعث از آرمان‌های دینی و عقیدتی، برای دفاع از یک سرزمین، متشکل و منسجم نشده است. تنها در طول حیات انقلاب اسلامی، این نیروی عظیم با رسالتی عظیم‌تر پا به عرصه ظهور نهاده و در همه جوانب از جمله بازدارندگی و مقابله با تهدیدات سخت افزاری، سازندگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وارد شده و به بهترین



- اجرای کار گروهی و مشارکت در تصمیم‌گیری؛
- وجود آرمان مشترک؛
- نوآوری و خلاقیت اعضا؛
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛
- ماهیت غیردولتی؛
- بهره‌برداری کارا تر از بازار و کاهش هزینه‌های غیرمستقیم؛
- سلسه‌مراتب واقعی؛
- فقدان مقررات محدودکننده؛
- گستردگی در جامعه؛
- ایثار و از خودگذشتگی.

استفاده از پتانسیل بسیج در جهت نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی در جامعه

۱. ظرفیت‌های اجتماعی

بسیجیان عضو پایگاه‌های مقاومت در فضایی غیر رسمی، با امکانات کم، فارغ از تمایزات تحصیلی، جغرافیایی، دینی، قومی، زبانی و سنی، در کنار هم و به شکل گروهی حاضر می‌شوند. این ویژگی‌های اجتماعی، در جامعه پایگاه مقاومت، از آن، یک اجتماع خاص و منحصر به فرد می‌سازد. روابط غیر رسمی و خالصانه و بی‌پیرایه رایج در جامعه بسیجی پایگاه، جو این زیر سیستم را از سایر زیر سیستم‌های

روزی بسیجیان ما قهرمانان عرصه‌های جبهه و جنگ علیه کفر بودند، هم اکنون می‌توانند قهرمانان عرصه سازندگی، اقتصاد، اشتغال و توسعه باشند.

ویژگی‌های مشترک نخبگان اقتصادی و بسیجیان

با توجه به ویژگی‌هایی که محققان مختلف، برای نخبگان اقتصادی برشمرده‌اند، بسیجیان و نخبگان اقتصادی در صفات زیر مشترک هستند:

۱. ریسک‌پذیری؛
۲. نوآوری، خلاقیت؛
۳. اعتماد به نفس؛
۴. اهل عمل و کار بودن؛
۵. آرمانگرایی؛
۶. پیشقدم بودن؛
۷. پشتکار زیاد؛
۸. آینده‌گرایی؛
۹. نیاز به توفیق؛
۱۰. فرصت‌گرا بودن.

نقاط قوت بسیج در استراتژی

توسعه اقتصادی

- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا؛
- داوطلبانه بودن و خودانگیزی؛
- رعایت اصول اخلاقی و دینی؛



۱. در نظر گرفتن کار پاره وقت برای فعالیت‌های مربوط به دفتر کارآفرینی، اتاق فکر، مرکز رشد موقت، نمایشگاه دستاوردهای بسیجیان، کارگاه مهارت‌ها، کتابخانه و...؛

۲. هدایت جامعه برای احصای ظرفیت‌های تولیدی بالقوه داخلی، برای بهره‌برداری بهینه در راستای حمایت از تولید ملی و مقابله با تحریم‌ها؛

۳. در نظر گرفتن تسهیلاتی در اعطای وام قرض الحسنه برای بسیجیان فعال اقتصادی؛

۴. معرفی تشویق بسیجیان فعال در زمینه کار آفرینی در مراسم‌ها؛

۵. خرید کالاهای ایرانی؛

۶. توجه به افزایش بهره‌وری و نیز صیانت از سرمایه‌های ملی؛

۷. عدم تأکید بر منافع شخصی و پرهیز از غرور و حسادت؛

۸. حمایت از تولیدات داخلی؛

۹. افزایش بودجه‌های عمرانی بسیج با هدف افزایش تولیدات داخلی.

۳. ظرفیت‌های علمی

بسیجیان عضو در پایگاه‌های مقاومت در رشته‌های مختلف دبیرستان و یا دانشگاه تحصیل می‌کنند. هر یک، اطلاعات و

جامعه متمایز می‌کند. غیر رسمی بودن و جو محیطی سالم، پویا و صمیمی پایگاه، به عنوان یکی از ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی - اقتصادی، می‌تواند بسیار قابل توجه بوده و اهمیت بهره‌گیری از سایر ظرفیت‌های بالقوه را در چنین جوی دو چندان کند.

۱. مردمی‌سازی اقتصاد؛

۲. اشاعه فرهنگ کار و تلاش؛

۳. حلقه اتصال و متحد کننده مردم؛

۴. شرکت داوطلبانه در فعالیت‌های عام‌المنفعه اجتماعی؛

۵. اشاعه مشارکت و همکاری در بین بسیجیان؛

۶. دوری از تجمل‌گرایی و اسراف؛

۷. عدم وجود انگیزه اقتصادی و مالی در بین اعضا؛

۸. فاقد وابستگی حزبی و جناحی؛

۹. نگاه مثبت دولت به بسیج.

۲. ظرفیت‌های انسانی

بسیجیان حاضر در پایگاه‌های مقاومت، نیروی انسانی بسیار خوبی برای انجام فعالیت‌های مربوط به اشاعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی هستند که می‌توان با ایجاد انگیزه در آنان، از طریق راهکارهای زیر، برای پیشرفت آنان استفاده کرد.



مهارت‌هایی دارند که به دلیل عدم توجه کافی و پرورش آنها و عدم توانایی در به کار گیری آنها، در بازار کار هم، از تمام ظرفیت بالقوه خود بهره نمی‌گیرند. راهکارهای زیرمی‌تواند بر استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها موثر بوده، و ضمن توسعه اقتصادی در جامعه، موجب جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی‌های گران‌بهایی شود که برای آموزش این فراگیران در محل تحصیل خود صرف شده است.

۱. احصای موانع و مشکلات ساختاری و فرایندی شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی و تلاش برای حل آن؛

۲. تلاش برای تولید ادبیات اقتصاد مقاومتی و مقابله با تحریم‌ها، توسط گروه‌های مرجع و مسئولان ذی‌ربط، که در بین مردم اعتبار و جایگاه ویژه دارند؛

۳. تلاش برای فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبدیل مقابله با تحریم‌ها، به یک خواست ملی به مانند انرژی هسته‌ای؛

۴. شناسایی مهارت‌های علمی و عملی بسیجیان؛

۵. آگاهی بخشی به بسیجیان نسبت به ظرفیت‌های علمی موجود در پایگاه‌های مقاومت؛

۶. آموزش به کارگیری مهارت‌ها؛

۷. استفاده از بسیجیان فعال در زمینه اقتصادی در جهت آموزش دیگر بسیجیان؛

۸. فراخوان مقاله در مورد ارتباط موضوعات مختلف در رشته‌های متنوع با اقتصاد مقاومتی؛

۱۰. آموزش بسیجیان در راستای اهداف، اصول و روش‌های اقتصاد مقاومتی؛

۱۱. تشویق بسیجیان به انجام تحقیقات اقتصاد، تولیدی؛

۱۲. برگزاری مسابقات گروهی در زمینه خلاقیت، ایده پروری و... .

۴. ظرفیت‌های زمانی

طبق قوانین پایگاه‌های مقاومت بسیج، هر بسیجی در طول هفته، در باید با پایگاه خود ارتباط برقرار کند. اگر فرض کنیم بسیجی در هر هفته، ۱۴ ساعت را در پایگاه مقاومت سپری می‌کند. معمولاً بسیجیان از زمان حضور در پایگاه استفاده مفید و موثری نکرده، عمدتاً برای گفتگوی دوستانه با یکدیگر و... از آن بهره می‌برند. از این رو، در صورتی که از این ظرفیت‌های زمانی برای آموزش مهارت‌های اقتصادی اقدام شود، می‌توان از وقت بسیجیان به نحو مطلوب و موثر استفاده نمود. برای



فضاهای عمومی و فضاهای اختصاصی است. فضاهای عمومی شامل: نمازخانه، کتابخانه، سالن ورزش، راهروهای مشترک و سالن مطالعه می‌باشد. فضای اختصاصی شامل اتاق فرماندهی و... می‌شود. برای آموزش مفاهیم اقتصاد مقاومتی و توسعه ویژگی‌های فرهنگی در بسیجیان، می‌توان از این ظرفیت‌های مکانی به شرح زیر استفاده کرد:

- ایجاد اتاق فکر؛
- ایجاد دفتر اشتغال؛
- ایجاد نمایشگاه دستاورد های بسیجیان در زمینه اقتصاد مقاومتی؛
- ایجاد کارگاه انتقال مهارت‌ها؛
- ایجاد بازار بورس ایده؛
- ایجاد کتابخانه کار، اشتغال، تولید؛
- استفاده از اماکن عمومی پایگاه‌ها برای انجام مراسم و سخنرانی‌ها؛
- تلاش برای ارتقا کیفیت محصولات؛
- ایجاد فرصت‌های شغلی مولد؛
- توسعه مشاغل خانگی.

۶. ظرفیت‌های روانی

اکثر بسیجیان پایگاه‌ها، در حال حاضر از قشر جوان جامعه هستند و جوانی دوران تربیت پذیری است و فرصتی است که در آن عقاید و فرهنگ‌ها ریشه دار شده و

بهره‌گیری اثربخش از ظرفیت‌های زمانی بسیجیان در پایگاه‌های مقاومت، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. برگزاری دوره‌های آموزشی مفاهیم اقتصاد مقاومتی؛
۲. برگزاری جلسات سازمان یافته و هدفمند هم‌اندیشی و بحث و گفتگو پیرامون مباحث کار، اشتغال، مسائل اقتصادی و تولیدی؛
۳. ایده‌پروری؛
۴. فعالیت‌های تیمی؛
۵. برگزاری مسابقات خلاقیت؛
۶. ایجاد گروه اقتصاد مقاومتی، تعریف وظایف و اختیارات گروه و ثبت نام بسیجیان علاقمند؛
۷. دعوت از مبتکران، نخبگان، تولید کنندگان داخلی موفق برای جلسات هم‌اندیشی؛
۸. انجام تحقیقات تولیدی و نوآورانه توسط بسیجیان؛
۹. معرفی رشته دانشگاهی مناسب عملی و موثر در تولید کشور برای بسیجیان؛
۱۰. فرهنگ جلوگیری از خروج ارز.

۵. ظرفیت‌های مکانی

هر پایگاه مقاومت، معمولاً دارای دو بخش



- تثبیت می‌گردد. بنابراین، توسعه خصوصیات اقتصادی در آنها می‌تواند عامل موثری در توسعه روحیه کار آفرینی و اشتغال باشد. گسترش روحیه اقتصادی در بسیجیان، موجب نزدیکتر شدن شغل آنها به علاقیشان و در نتیجه، افزایش چشمگیر بهره‌وری می‌شود. از آنجا که تغییر محیط موجب تغییر احساسات در افراد می‌شود (بلانچارد، ترجمه امینی، ۱۳۷۹).
- راهکارهای زیر برای گسترش روحیه اقتصادی در محیط پایگاه‌ها پیشنهاد می‌شود:
۱. مقابله با اظهارنظرهای غیرمسئولانه که منجر به ملتهب شدن فضای جامعه و ناامنی روانی می‌شود؛
 ۲. آماده‌سازی مردم و مسئولان ذی‌ربط برای فرهنگ‌سازی مقابله با تحریم‌ها و ضرورت مصرف کالاهای ایرانی با هدف حمایت از تولید داخلی و تقویت اقتصاد کشور؛
 ۳. تلاش برای تغییر تفکر و نگرش مردم نسبت به مصرف کالاهای ایرانی و قبح مصرف کالای خارجی و کالای قاچاق؛
 ۴. تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری؛
 ۵. کاهش روحیه خود تخریبی؛
 ۶. افزایش امید به زندگی؛
 ۷. تقویت ریسک‌پذیری؛
۸. تقویت اعتماد به نفس؛
 ۹. تقویت آینده‌نگری؛
 ۱۰. تقویت روحیه فرصت‌گرایی؛
 ۱۱. تقویت واقع‌بینی؛
 ۱۲. تقویت انعطاف‌پذیری؛
 ۱۳. تقویت هدف‌گرایی؛
 ۱۴. تقویت روحیه همکاری و کار گروهی؛
 ۱۵. تقویت روحیه خود اتکایی؛
 ۱۶. تقویت اراده و پشتکار؛
 ۱۷. تقویت مثبت‌اندیشی؛
 ۱۸. تقویت روحیه سر سختی در برابر شکست.
- ۷. منابع اطلاعاتی**
- در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، تمام افراد، بویژه نخبگان جامعه، که از جمله آنها بسیجیان هستند، باید به منابع دسترسی داشته باشد و از محدودیت‌های پژوهش مطلع گردند. هر پایگاه مقاومت، می‌تواند دارای یک یا چند کتابخانه یا سایت کامپیوتری باشد که منابع اطلاعاتی مناسبی برای انجام تحقیقات و آموزش‌های اقتصاد مقاومتی هستند. راهکارهای زیر می‌تواند در تقویت این ظرفیت‌ها و بهره‌گیری بهینه از آنها موثر باشند:
۱. شناسایی متغیرهای پیش‌برنده و



، و ترویج روحیه و فرهنگ اقتصاد مقاومتی است. در این راستا، راهکارهای زیر می‌تواند بسیار موثر باشد:

۱. فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی از طریق شبکه‌های اجتماعی (مساجد، حسینیه‌ها، هیات‌های مذهبی، گروه‌های مرجع و نخبگان)؛

۲. تلاش برای حفظ آرامش جامعه و مقابله جدی با هرگونه تنش‌زایی و تشویش اذهان عمومی؛

۳. انعکاس توانایی‌های بخش‌های مختلف اقتصادی در مقابله با تحریم‌ها و پشتیبانی‌کننده از سایر واحدهای تولیدی؛

۴. پخش منظم، مستمر و هدفمند بروشورهای آموزش اقتصاد مقاومتی در پایگاه‌های مقاومت؛

۵. پخش مستمر داستان زندگی افراد و کشورهای موفق؛

۶. نصب پوسترهای مربوط به اقتصاد مقاومتی در محیط پایگاه؛

۷. نصب شعار اقتصاد مقاومتی در محیط پایگاه؛

۸. برگزاری مسابقاتی برای ترویج فرهنگ و روحیه اقتصاد مقاومتی، مانند مسابقه بهترین شعار اقتصاد مقاومتی، مسابقه خلاقیت و...؛

متغیرهای ضد اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی برای مدیریت آن؛

۲. رصد رفتار گروه‌ها و جریانات سیاسی در دامن زدن به بی‌ثباتی‌ها، یا موج سواری‌ها از مشکلات اقتصادی و آرایه پاسخ‌های اقناعی با رویکرد حفظ وحدت ملی؛

۳. تشدید حفاظت از اطلاعات، مکاتبات، مراودات، و مبادلات بخش‌های مختلف اقتصادی با کشورهای مختلف در راستای دور زدن تحریم‌ها؛

۴. تجهیز کمی و کیفی سایت‌های کامپیوتری پایگاه‌ها؛

۵. اتصال کامپیوترهای سایت کامپیوتری پایگاه‌ها به شبکه اینترنت؛

۶. تجهیز کتابخانه‌های پایگاه‌ها به نشریات، مقالات و کتاب‌های اقتصاد مقاومتی؛

۷. فراهم کردن شرایطی امن برای فعالان اقتصادی؛

۸. توجه به راهبردهای بومی برای مقابله با هجمه دشمن.

۸. ظرفیت‌های ترویجی و تبلیغی پایگاه‌های مقاومت

پایگاه‌های مقاومت بسیج، فضای بسیار مناسبی برای تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم



۹. معرفی یک روز، به عنوان روز «تولید یا مصرف کالای داخل» در پایگاه‌ها؛
 ۱۰. انتشار نشریه اقتصاد مقاومتی شامل اخبار و ...

نتیجه‌گیری

در کشور ما اندیشه بسیج، یکی از نکات و موارد حیاتی است که برای تحقق چشم انداز بیست ساله کشور و گسترش روحیه خلاقیت و نوآوری در همه قلمروها بدان نیاز است. بسیجی بودن قبل از آنکه یک نوع عمل باشد، یک نوع طرز تفکر است، یک نوع بینش است. نتیجه آن، تغییر در رویکردها خواهد بود. اخیراً بر ضرورت و نقش تفکر بسیجی در توسعه اقتصادی بسیار تأکید شده است. اغلب سیاستگذاران بر این باورند که تفکر بسیجی، تفکری مولد است، به طوری که می‌توان ایده‌های ناب بسیج را در جهت تحقق اهداف سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به کار گرفت. در فضای کنونی، باور مسئولان بر این است که رایۀ راهکارهای اقتصادی برای مشکلات کشور، سخت‌تر از دوران دفاع مقدس نیست. بسیج در این زمینه، صلاحیت خود را به اثبات رسانده است. بسیجی در مفاهیم و ادبیات موجود در این حوزه، دارای معانی گسترده‌ای می‌باشد که

در ادامه، اشاره اجمالی به ویژگی‌های کلیدی این افراد شده است.
 نقش آفرینی نیروهای مردمی و بسیج، در عرصه دفاع مسلحانه خلاصه نمی‌شود و در هر لحظه، که تمامیت کشور، نظام، منافع ملی و اهداف بلند مدت ایران مورد تهدید واقع شود، مستحکم‌ترین دژ دفاعی در برابر هر گونه آسیب احتمالی حضور آگاهانه و موثر مردم در صحنه می‌باشند. از این رو، دولت اسلامی موظف است تا زمینه مشارکت فعال مردم را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نظامی و اقتصادی را فراهم آورد. این مزیت رقابتی و منحصر به فردی است که صرفاً نظام‌های کاملاً مردمی در اختیار دارند در تمامی تعاملات داخلی و بین‌المللی، می‌توان از آنها به نفع ملت و کشور بهره برداری نمود.
 لازم به یادآوری است پس از گذشت چهارده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، به اذعان مراکز تحقیقاتی مربوط، کشور ایران به برکت بسیج اقشار مختلف، به لحاظ توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، جهش چشم‌گیر و ناباورانه‌ای داشته است. اما هیچ‌گاه زندگی مرفه و مجلل، تکنولوژی برتر، انباشت ثروت و ... جزء شعائر آنها نبوده و تنها سخن اصلی آن



امدادرسانی، مدیریت گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان این نهاد را به سرمایه‌ای بی‌بدیل در عرصه تولیدی و اشتغالزایی تبدیل کرده است. از این رو، با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، انسانی، مکانی، زمانی، منابع اطلاعاتی، روانی، ظرفیت‌های ترویجی و تبلیغی پایگاه‌های مقاومت می‌توان به رشد و توسعه اقتصادی در جامعه کمک کرد.

بسیج به عنوان یک نیروی انقلابی و مردمی، با توجه به فلسفه وجودی خود و همچنین، تنوع طیفی اقشار در برگیرنده خود و نهایتاً حوزه گسترده فعالیت خود در سطح کشور، توان بالقوه‌ای در حوزه اشتغال، تولید و نوآوری دارد. این ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود در بسیج را می‌توان در حوزه‌های مختلف برای دستیابی به اهداف والای نظام جمهوری اسلامی به کار گرفت. در بلندمدت این اهداف نیز چیزی نیست جز سربلندی مهین اسلامی، در تمامی عرصه‌های اقتصادی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی است.

منابع

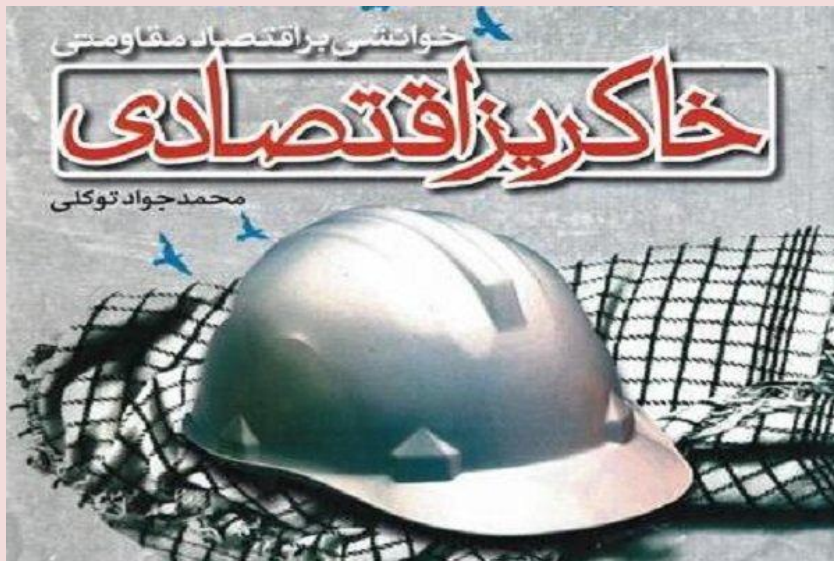
ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ابن‌هشام، عبدالملک، ۱۳۶۰، سیره النبویه، ترجمه

رفع تبعیض و عدالت بوده است. از این رو، مکتب‌رهایی بخش اسلام و بسیجیان مؤمن به آن، می‌تواند به عنوان الگوی کارآفرینی و اشتغال، مقاومت و ایستادگی در برابر هجمه‌ها و توطئه‌های اقتصادی و تحریم‌های شکننده غرب و دفع تهدیدات مطرح شوند.

اگر برای اقتصاد موفق به نظر می‌رسد، باید تولیدات را در کشور با استفاده از پتانسیل‌های بسیج بیشتر مورد توجه قرار داد. باید گفت: از آنجا که اکثر بیکاران جامعه از اقشار جوان کشور هستند و بیشتر اعضای بسیج نیز جوان هستند و به دلیل ارتباط نزدیک، صمیمی و مداوم اعضای آن می‌تواند کارساز باشد و ادغام نیروی جوانی و تفکر بسیجی و تولیدی منجر به اشتغال در جامعه می‌شود؛ زیرا مسلماً تولیدکنندگان بسیجی با توجه به خصوصیات ممتاز و برجسته خود قادرند. در چنین شرایطی، منابع را برای ایجاد رشد و توسعه در زمینه‌های تولید و منابع انسانی فراهم کرده، اشتغال و کسب و کار جدید ایجاد نمایند. ویژگی چند منظوره بسیج و آمادگی برای حضور در همه عرصه‌ها، از جمله سازندگی و کارآفرینی، بازدارندگی و دفع تهدیدات دشمنان، فعالیت‌های اجتماعی تأثیرگذار،



- رفیع‌الدین اسحاق‌بن محمد همدانی، تهران، خوارزمی.
- آزادارمکی، تقی، ۱۳۷۶، «تأملی جامعه‌شناختی در بررسی ویژگی‌های فرهنگ بسیجی»، **بسیج**، ش ۱۵.
- بلانچارد، کنت، جان پی کارلوس، آلن رندولف، ۱۳۷۹، **سه کلید توان‌افزایی**، ترجمه مهندس فضل‌الله امینی، تهران، افرا.
- حسنی آهنگر، محمدرضا و حمید بزمشایی، ۱۳۸۸، «به‌کارگیری راهبرد فوق فناوری نرم»، **مطالعات بسیج**، ش ۴۲.
- خزایی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷، «تهدید نرم، خاستگاه‌ها، کارکردها و راه‌های مقابله؛ با تأکید بر نقش بسیج»، خلیج فارس و امنیت، ش ۹۲-۹۳.
- زارعی، موسی، ۱۳۹۱، «الزامات اقتصاد مقاومتی»، **پیام انقلاب**، ش ۶۳.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۵۱، **فروغ ابدیت**، قم، دار التبلیغ اسلامی.
- سریع‌القلم، محمود، ۱۳۸۷، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شیرین، علی، ۱۳۸۸، «رسانه بسیج و بسیج رسانه‌ها»، **امید انقلاب**، ش ۴۰۱.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۷ق، **امالی**، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثه.
- کرشی، مسعود، ۱۳۸۹، **قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی**، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق.
- کیاکجوری، کیانوش، ۱۳۸۹، «نقش بسیج در مقابله با جنگ نرم»، **پیام انقلاب**، ش ۴۱.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحارالانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۰، **صحیفه نور**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهرعطا، رضا، ۱۳۹۱، «از تولید ملی تا اقتصاد مقاومتی»، **پیام انقلاب**، ش ۶۲.
- نبوی، سیدمرتضی، ۱۳۸۸، «بسیج و رسانه‌ها»، **امید انقلاب**، ش ۴۰۵.
- نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث.



چیستی اقتصاد مقاومتی؛ بررسی و مشأ مشکلات اقتصادی

مصاحبه*

✽ آقای دکتر محمدجواد توکلی در نامگذاری این کتاب از عنوان «خاکریز» استفاده کردید که یک اصطلاح جنگی و دفاعی است که مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را بهتر نشان می‌دهد، منظور شما از این عنوان چه بوده است؟

در نامگذاری این کتاب به گونه‌ای اهمیت توجه به مخاطرات اقتصادی پیش‌روی اقتصاد کشور و ضرورت چاره‌جویی در مقابل آن، مورد توجه قرار گرفته است. این یعنی ساختن خاکریزهای اقتصادی، برای مقابله با مخاطرات ناشی از هجوم اقتصادی دشمن. همین مفهوم در تعریف مقام معظم رهبری، از اقتصاد مقاومتی نهفته است. بر اساس بیان ایشان، اقتصاد کشور باید در مواجهه با خطرهای پیش‌رو، از جمله خطر هجوم اقتصادی دشمن مقاوم شود. یک اقتصاد مقاوم، نسبت به خطرهای پیش‌رو حساس است و سعی می‌کند در مقابل این هجمه‌ها، از ابزارهای ایمن‌ساز استفاده کند.

✽ مصاحبه با دکتر محمدجواد توکلی، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✽



در نامگذاری این کتاب به گونه‌ای اهمیت توجه به مخاطرات اقتصادی پیش‌روی اقتصاد کشور و ضرورت چاره‌جویی در مقابل آن، مورد توجه قرار گرفته است. این یعنی ساختن خاکریزهای اقتصادی، برای مقابله با مخاطرات ناشی از هجوم اقتصادی دشمن. همین مفهوم در تعریف مقام معظم رهبری، از اقتصاد

مقاومتی نهفته است. بر اساس بیان ایشان، اقتصاد کشور باید در مواجهه با خطرهای پیش‌رو، از جمله خطر هجوم اقتصادی دشمن مقاوم شود. یک اقتصاد مقاوم، نسبت به خطرهای پیش‌رو حساس است و سعی می‌کند در مقابل این

هجومه‌ها، از ابزارهای ایمن‌ساز استفاده کند. در کتاب «خاکریز اقتصادی»، فضای اقتصادی به صحنه جنگ تشبیه شده است. وقتی در جنگ، مقابل حریف قرار می‌گیریم، سعی می‌کنیم با زدن خاکریز، آسیب‌پذیری را در مقابل دشمن کاهش دهید. همین تاکتیک، در فضای جنگ اقتصادی نیز مطرح است که باید

خاکریزهای اقتصادی را برافراشت. باید توجه داشت در فضای اقتصاد بین‌الملل، عملاً همه کشورها درگیر جنگی اقتصادی می‌باشند، حتی در صورت عدم تحریم هم جنگ اقتصادی در جریان است. حتی بین آمریکا و چین و بسیاری از کشورهای صنعتی هم جنگ پنهان اقتصادی وجود دارد. این کشورها سعی می‌کنند با

ایجاد موانعی ملموس، یا غیرملموس، از اقتصاد ملی خود محافظت کنند؛ متها در فضای تحریم، گاهی این موانع و خاکریزها مرئی‌تر و قابل رؤیت‌تر می‌شود.

در کتاب «خاکریز اقتصادی»، فضای اقتصادی به صحنه جنگ تشبیه شده است. وقتی در جنگ، مقابل حریف قرار می‌گیریم، سعی می‌کنیم با زدن خاکریز، آسیب‌پذیری را در مقابل دشمن کاهش دهید. همین تاکتیک، در فضای جنگ اقتصادی نیز مطرح است که باید خاکریزهای اقتصادی را برافراشت.

*در باره خود کتاب توضیح دهید که به چه مباحثی پرداختید. کتاب شامل چیستی اقتصاد مقاومتی است و آسیب‌پذیری اقتصاد مقاومتی و ... در بخش چیستی اقتصاد مقاومتی، به چه مواردی پرداختید؟ در این کتاب سعی شده مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، در مقایسه با مفاهیم مشابه، هم در اقتصاد متعارف و هم اسلامی به وضوح



بیان کرد. اگر این کیک اقتصادی بزرگتر شود می‌گوییم رشد اقتصادی داشتیم و هر چه عادلانه‌تر توزیع شود، می‌گوییم عدالت هم تأمین شده است. ما اقتصاد مقاومتی را با هدف سوم، در نظام‌های اقتصادی تعریف کرده‌ایم که آن پایداری و استحکام بنای اقتصادی است. تولید و توزیع کیک، باید مستمر و مداوم باشد و از نوسانات پی‌درپی در امان باشد؛ یعنی این گونه نباشد که گاهی کیک اقتصاد، بسیار بزرگ است و زمان دیگر، بسیار کوچک و ناکافی باشد.

در کتاب «خاکریز اقتصادی»، تلاش شده اقتصاد مقاومتی به عنوان یک نظریه در مقابل نظریه‌های و گفتمان‌های بدیل، در زمینه چگونگی مقاوم سازی اقتصاد تبیین شود. در این چارچوب، نظریه اقتصاد مقاومتی دارای دو زیرنظریه آسیب‌شناسی و مقاوم‌سازی اقتصادی است.

نظریه اقتصاد مقاومتی، رویکرد خاصی در تحلیل آسیب‌شناسی اقتصادی دارد. به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا یک اقتصاد، مستحکم یا شکننده می‌شود؟ نظریه اقتصاد مقاومتی، باید حاوی رویکردی خاص در مورد چگونگی مقاوم‌سازی اقتصاد نیز باشد و به این سوال پاسخ دهد که چگونه می‌توان اقتصاد را مستحکم کرد؟

تبیین شود. در کتاب‌ها و مقالاتی که در حوزه اقتصاد مقاومتی نوشته شده، در بیشتر موارد تمایز اقتصاد مقاومتی، از مفاهیمی همچون اقتصاد اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سایر مفاهیم مشابه، به دقت روشن نشده است. حتی مشخص نیست که اقتصاد مقاومتی، با مفاهیم مشابه در اقتصاد متعارف، همچون مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» چه تفاوتی دارد. در فصل اول کتاب، تلاش شده که تعریف مشخصی از اقتصاد مقاومتی ارائه شود و نقاط تمایز آن، از مفاهیم مشابه بیان شود. در این تعریف، به طور عمده از کلید واژه استحکام، عدم شکنندگی و امنیت اقتصادی استفاده شده است.

برای فهم بهتر مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، می‌توان آن را با مفهوم ساختمان مقاوم مقایسه کرد. هنگام نگاه به یک ساختمان، می‌توان آن را از زوایای مختلف معماری، زیبایی و استحکام بررسی کرد. ما نظام اقتصادی را به ماشین در حال حرکت تشبیه کردیم که سرعت حرکت این ماشین، می‌شود رشد اقتصادی و استحکام و پابرجایی این ماشین می‌شود مقاومت اقتصادی. اقتصاد مقاومتی را می‌توان با تشبیه عواید یک نظام اقتصادی، به کیک



تحلیل بالا، ساختار کتاب را نیز مشخص می‌کند. از آنجا که ما نظریه اقتصاد مقاومتی، بر اساس دو مولفه آسیب‌شناسی و مقاوم‌سازی تعریف کردیم، فصل دوم کتاب به این مسئله می‌پردازد که چرا یک اقتصاد آسیب‌پذیر می‌شود. فصل سوم نیز به مختصات یک اقتصاد مقاوم و مولفه‌های آن می‌پردازد. فصل چهارم کتاب نیز به بررسی راهبردهای مقاوم‌سازی اقتصاد، اختصاص دارد.

کتاب «حاکمیز اقتصادی»، خوانشی بر اقتصاد مقاومتی؛ دارای سه ویژگی عمده است: یکی اینکه ما به اقتصاد مقاومتی صرفاً به عنوان یک سیاست نگاه نکردیم، بلکه آن را به عنوان یک نظریه مطرح نمودیم. در کتاب، استدلال شده که اقتصاد مقاومتی، یکی از نظریه‌های اقتصاد اسلامی است، همان گونه که نظریه پیشرفت، یکی از نظریه‌های اقتصادی اسلامی است.

ویژگی دوم کتاب، استفاده رویکرد گفتمانی است. سعی شده اقتصاد مقاومتی، به عنوان گفتمانی در مقابل گفتمان‌های بدیل، از جمله گفتمان جهانی‌سازی لیبرالی، ملی‌گرایی اقتصادی و تاب‌آوری اقتصادی معرفی شود. در کتاب نقاط اشتراک و تمایز این گفتمان‌ها، مورد

بررسی قرار گرفته است.

ویژگی سوم کتاب، استفاده از رویکرد نهادی در آسیب‌شناسی و مقاوم‌سازی اقتصادی است. بر این اساس، با استفاده از یافته‌های اقتصاددانان نهادگرا، به تحلیل نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی در چهار سطح فرهنگ، قوانین، ساختارها و رفتارهای اقتصادی پرداخته شد. در واقع، آسیب‌شناسی اقتصادی، هم در سطح نهادها و هم رفتارها مطرح شده است. در این بحث، به صورت خاص بر آسیب‌شناسی فرهنگ اقتصادی تکیه کردیم و به دنبال آن، آسیب‌های قانونی و ساختارهای حکمرانی را مورد توجه قرار دادیم. این رویکرد موجب شده که در تبیین راهبردهای مقاوم سازی نیز ابعاد فرهنگی، قانونی و ساختاری اقتصاد مورد توجه قرار گیرد.

در کنار سه ویژگی فوق، این اصل نیز مد نظر بوده که رویکردی اسلامی، در تبیین نظریه و گفتمان اقتصاد مقاومتی، داشته باشیم. بر این اساس، اقتصاد مقاومتی به عنوان یک نظریه اسلامی معرفی شده که هم در بعد آسیب‌شناسی و هم در بعد مقاوم‌سازی، بیانگر دیدگاه خاص اسلام است. بر این اساس، تلاش شده که به تبیین رویکرد خاص اسلام، در تحلیل



مدلی را اجرا کردیم که در آن، بین بخشی پولی و واقعی فاصله افتاده و پول مستقل از عملکرد بخش واقعی منشاء کسب درآمد شده است. در نتیجه، الگوی بانکداری که ما هم اکنون آن را اجرا می‌کنیم، از الگوی مشارکت در سود و زیان فاصله گرفته و الان آسیب‌زندگی چنین الگویی را مشاهده می‌کنیم.

در شرایط رکود اقتصادی کنونی،

بانک‌های کشور نرخ‌های سود بالایی را به سپرده‌گذاران می‌دهند و از آن سو، نرخ‌های سود بالایی از صاحبان مشاغل دریافت می‌کنند. در حالی که به نظر

محققان بانکداری اسلامی، الگوی مشارکت در سود و زیان، ضد ادوار تجاری است. در این الگو، اگر در شرایط رکود قرار گرفتیم، فشار بر صاحبان کسب و کار کم شود؛ چرا که آنها سهمی از سود را پرداخت می‌کنند و نه این مبلغ از پیش معین شده و مقطوعی را پرداخت نمایند. ما به واسطه اینکه از تحلیل آسیب‌شناسانه در بانکداری اسلامی عدول کردیم و نظام با سود سپرده و تسهیلات

آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصادی پردازیم. برای نمونه، در رویکرد اسلامی، ربا یکی از منشأهای آسیب‌پذیری نظام پولی، یا مالی تلقی می‌شود. در مقابل آن، الگوی مشارکت در سود و زیان، به عنوان ابزاری جهت مقاوم‌سازی نظام مالی و اقتصادی قلمداد می‌شود. همین نکته می‌تواند به فهم بهتر مشکلات نظام بانکی کشور کمک کند. ما بدون تحلیل درست

وضعیت اقتصاد کشور و نظریه اصیل بانکداری اسلامی، مدلی نامناسب از بانکداری بدون ربا را در کشور پیاده کردیم که خود منشأ افزایش آسیب‌پذیری

نظام اقتصادی کشور شده است. نظام بانکی کنونی، از بخش واقعی فاصله گرفته و شوک‌های بخش واقعی به بخش پولی منتقل می‌شود. بخش پولی نیز بخش واقعی را دچار آسیب می‌کند. نتیجه امروز، گرفتار شدن اقتصاد کشور در ادوار تجاری و تشدید رکود اقتصادی است. ما علی‌رغم اینکه حرمت ربا را پذیرفتیم، ولی تحلیل عمقی از دلایل حرمت آن ارائه ندادیم و

نظام بانکی کنونی، از بخش واقعی فاصله گرفته و شوک‌های بخش واقعی به بخش پولی منتقل می‌شود. بخش پولی نیز بخش واقعی را دچار آسیب می‌کند. نتیجه امروز، گرفتار شدن اقتصاد کشور در ادوار تجاری و تشدید رکود اقتصادی است.



ثابت را اجرا می‌کنیم، این موجب شده نه تنها خود نظام بانکی ما آسیب پذیر شود که الان هم در قالب بحث ورشکستگی بانک‌ها مطرح می‌شود، بلکه بخش واقعی و تولیدکنندگان نیز دچار ورشکستگی ناشی از عدم امکان باپرداخت اصل و سود تسهیلات بانکی شوند.

یکی از نکات برجسته‌ای که در این کتاب بدان پرداخته شده، تحلیل آسیب شناسانه فرهنگ اقتصادی است. در این تحلیل، از نوعی نگاه تقابلی گفتمانی استفاده شده است. یکی از مبانی گفتمان اقتصاد بازار آزاد و تجارت جهانی، این است که خودخواهی منشأ تحرک و استحکام اقتصاد است. ولی ما در رویکرد اسلامی، خودخواهی را به عنوان یکی از منسایهای آسیب می‌بینیم. به همین دلیل، وقتی سراغ ابزارهای مقاوم سازی می‌رویم، بحث فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم که یکی از مولفه‌های آن، تربیت اخلاقی است که انسان بتواند در خدمت مطالبات جمع قرار گیرد و از خودخواهی‌های خود کم کند. این پیشنهاد را در فصل چهارم کتاب، به عنوان مدل تعلیم و تربیت اقتصاد مقاومتی مطرح کردیم. و هم یک مدل در سطح آموزش

عمومی مطرح کردیم و بنا داریم بر روی بحث تعلیم و تربیت در اقتصاد مقاومتی، به صورت یک کتاب کارکنیم.

هر چند این کتاب مختصر نوشته شده و به دلیل محدودیت تعداد صفحات، برخی مباحث حذف شده و یا به صورت گذرا بیان شده، ولی مباحث مطرح شده روان و گویا است و می‌تواند راهگشای مطالعات بعدی باشد و زمینه نظریه‌پردازی و مدل‌سازی در این زمینه را فراهم آورد. برای نمونه، مباحث مطرح شده در زمینه، مولفه‌های اقتصاد مقاومتی از جمله مردم‌بنیادی، عدالت محوری، دانش‌بنیانی، رویکرد جهادی، درون‌زایی، و برون‌نگری در این کتاب به اختصار آمده و می‌تواند در قالب نظریه اقتصاد مقاومتی، به عنوان یک نظریه اسلامی گسترش یابد.

* برخی فکر می‌کنند اقتصاد مقاومتی؛ یعنی اینکه اقتصاد ما نسبت به شوک‌های جهانی مقاوم باشد. یکی از راهکارها برای رسیدن به این هدف، شاید این باشد که از اقتصاد جهانی دور باشیم. اما اقتصاد مدرن تعامل بین اقتصادها را لازم و ضروری می‌داند. این هدف یعنی مقاوم کردن اقتصاد کشور چگونه امکان‌پذیر است؟
مقاوم‌سازی اقتصاد به مفهوم عدم تعامل



اشتباه، باید کلید واژه درون‌زایی و برون‌گرایی، به روشنی در قالب نظریه اقتصاد مقاومتی تبیین شود.

به بیان ساده، درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی، بدین معنا است که لنگر کشتی اقتصاد در داخل کشور انداخته شود و سپس، تلاش شود که در تعامل با بیرون از منافع مبادله با دیگران نیز بهره‌مند شویم. حتی کشورهای طرفدار اقتصاد بازار آزاد، همانند آمریکا به سمت درون‌زایی رفتند. شاهد این مسئله را می‌توان در حجم اندک تجارت خارجی آمریکا، از تولید ناخالص داخلی این کشور دید که حدود ۲۰ درصد است. این بدان معنا است که از حدود ۱۸ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی آمریکا، حدود ۸۰ درصد آن در داخل بسته شده و ۲۰ درصد آن، با تجارت خارجی تأمین می‌شود. این شاخص، حاکی از درون‌زایی اقتصاد این کشور است. علاوه بر اینکه، آمریکا بخش اعظم تجارت خارجی خود را نیز با کشورهای همسایه، همچون مکزیک و کانادا انجام می‌دهد. چنین مبادله منطقه‌ای موجب کاستن از شوک‌های اقتصادی فرامنطقه‌ای، می‌شود و این مزیت را دارد که شوک‌های منطقه‌ای قابلیت مدیریت بیشتری دارد.

با دنیا و اقتصاد جهانی نیست. این نکته در ادبیات اقتصاد، تاب‌آوری نیز مورد توجه قرار گرفته است. اینکه آسیب‌پذیری‌های اقتصادی را کاهش دهیم و اقتصاد را مقاوم سازیم، به معنای فاصله گرفتن از اقتصاد جهانی و تعامل اقتصادی با سایر کشورها نیست. خواه و ناخواه اقتصاد ما با اقتصاد جهانی ارتباط دارد. مهم این است که کشتی اقتصاد کشور را بر روی دریای متلاطم اقتصاد جهانی ثابت و پایدار نگه داریم.

یکی از مشکلات موجود در فضای گفتمانی کشور، این است که گاه گفتمان‌های رقیب اقتصاد مقاومتی، از جمله گفتمان اقتصاد لیبرالی، به عنوان گفتمان اقتصاد مقاومتی جا زده می‌شود. برخی می‌گویند: اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد بازار آزاد است که در نظریه‌های مزیت مطلق و نسبی *آدام اسمیت* و *دیوید ریکاردو*، مطرح شده است. بر اساس این دیدگاه، اگر ما در اقتصاد جهانی هضم نشویم، نمی‌توان از منافع آن بهره‌مند شد. این دیدگاه اشتباهی است. حتی طرفداران اقتصاد بازار آزاد لیبرالی هم از نوعی درون‌زایی حمایت می‌کنند. آنها نیز برای حمایت از اقتصاد داخلی، خود از تمامی ابزارهای در دسترس خود استفاده می‌کنند. برای گریز از این



در مقابل این کشور، به واسطه مدیریت قوی که در اقتصاد خود داشته، این نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کرده است. نکته مهم در مدیریت اقتصاد کشور، این است که بتوان در همین فضای تعامل با اقتصاد جهانی، اقتصاد را ایمن کرد و از شوک‌ها و یا از میزان شوک‌ها کم و شوک‌ها را به فرصت تبدیل کرد.

هنگامی که کشور ما از سال ۱۳۹۱، با

تحریم نفتی و تحریم بانک مرکزی مواجه شد، شوک بزرگی به اقتصاد کشور وارد شد. ما از این شوک، می‌توانستیم برای فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی و

قطع رابطه بودجه جاری دولت، با نفت استفاده کنیم. ولی از این فرصت، به خوبی استفاده نشد. ما در مسیر حل مشکل ساختار نفتی اقتصاد و مقابله بیماری هلندی موفق نبودیم. در سال‌های اخیر نیز تلاش ما بیشتر بر این متمرکز شده که باز فروش نفت را افزایش دهیم. این اقدام، از جهانی به نفع اقتصاد ماست و درآمدهای ارزی را بالا می‌برد، ولی باز آسیب‌های ناشی از اقتصاد نفتی را تقویت می‌کند.

برای مقاوم سازی اقتصاد، تجارت خارجی، باید با احتیاط گسترش یابد. کشورها نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد تجارت خارجی قرار دهند؛ چرا که تجارت خارجی همواره در معرض آسیب و تعرض رقبای خارجی است. در ادبیات تاب‌آوری اقتصادی، نسبت ارزش صادرات و واردات یک کشور، به ارزش تولید ناخالص داخلی، به عنوان شاخصی برای تاب‌آوری لحاظ

می‌شود. بر اساس این شاخص، هرچه اقتصاد بازتر باشد و سهم تجارت خارجی آن از تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد،

آسیب‌پذیری آن بیشتر می‌شود. به همین دلیل، توصیه می‌شود که کشورها درجه باز بودن اقتصاد را با توجه به مخاطرات پیش‌رو تنظیم کنند.

در این مورد، استثنای هم وجود دارد. کشور سنگاپور را به عنوان یک استثنا مطرح می‌کنند که هم کشوری است که بسیار آسیب‌پذیر است و هم بسیار مقاوم است. سهم تجارت خارجی این کشور، از تولید ناخالص داخلی آن بسیار زیاد است. ولی

نکته مهم در مدیریت اقتصاد کشور، این است که بتوان در همین فضای تعامل با اقتصاد جهانی، اقتصاد را ایمن کرد و از شوک‌ها و یا از میزان شوک‌ها کم و شوک‌ها را به فرصت تبدیل کرد.



منابع انسانی متغیر مهمی است. در کتاب خاکریز اقتصادی، خوانشی بر اقتصاد مقاومتی، اهمیت بهبود منابع انسانی را به صورت خاص، در قالب فرهنگ‌سازی اقتصادی یا تعلیم و تربیت اقتصاد مقاومتی مطرح کردیم.

ما در حوزه منابع انسانی، با دو مشکل عمده مواجهیم؟ یکی اینکه منابع انسانی ما از مهارت کافی برخوردار نیستند. آنچه در وضعیت اقتصادی دنیا، هم‌اکنون مطرح می‌شود، این است که نظام آموزشی، باید سه

بعد را گسترش دهد: یکی اینکه افراد بدانند. دوم اینکه افراد بخواهند و سوم اینکه افراد بتوانند؛ یعنی اینکه یک بعد شناختی، دو بعد گرایشی و سه بعد مهارتی.

الان در مدل‌های تعلیم و تربیتی، که در دنیا در حال اجرا شدن است، مدل‌های آموزش و پرورش در تعلیم و تربیتشان به این سمت رفته که هم به بچه‌ها یاد دهند که برای مثال پس‌انداز چیست؟ هم تمایل آن را در بینشان افزایش دهند و هم توانایی و مهارت انجام این کار را به آنها بیاموزند. ما اگر بتوانیم تعلیم و تربیت اقتصاد مقاومتی را

در اقتصاد مقاومتی، ما به دنبال این نیستیم که به‌عنوان یک اقتصاد جزیره‌ای عمل کنیم و ارتباط خود را با دنیا قطع کنیم. چنین کاری اصلاً ممکن نیست. هدف این است که آسیب‌هایمان را به حداقل برسانیم و از این دریای پر سود، بیشترین منفعت را ببریم. و ما در یک اقیانوس متلاطم اقتصاد جهانی، اگر یک قایق کوچک داشته باشید،

در این طوفان آسیب می‌بیند. باید این قایق شکننده را به کشتی مستحکم تبدیل کرد. این همان، ترکیب

درون‌زایی و برون‌گرایی است؛ یعنی تولید داخل را تقویت کنیم و سپس، از ظرفیت صادرات برای افزایش منافعمان در تعامل با دیگران نهایت استفاده را کنیم.

*یکی از مواردی که در اقتصاد معاصر دنیا بسیار مهم است و من ندیدم درباره آن در بحث اقتصاد مقاومتی صحبت کنند، اقتصاد منابع انسانی است. بسیاری از تحصیل‌کردگان خود را به راحتی از دست می‌دهیم، مگر می‌شود در اقتصاد مقاومتی، به نیروی انسانی نگاه کنیم! به نظر شما این بعد مغفول هست یا خیر؟!

یکی از مواردی که در اقتصاد معاصر دنیا بسیار مهم است و من ندیدم درباره آن در بحث اقتصاد مقاومتی صحبت کنند، اقتصاد منابع انسانی است.



کرد. این شرایط طلایی بود برای کاهش اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی. ولی ما از این فرصت استفاده چندانی نکرده و نمی‌کنیم. برای حل این مشکل، اقتصاد نفتی کشور نیاز به جراحی دارد و تزریق مُسکن نمی‌تواند به حل مشکل کمک کند.

وابستگی اقتصاد ایران به نفت، سابقه دیرینه‌ای دارد. این نوع اعتیاد به درآمدهای نفتی، اعتیادی دامنه‌دار و شدید است که به راحتی نمی‌توان آن را درمان کرد. چاره این است که قدری در ساختارهای بودجه‌ای تجدیدنظر کنیم. در اجرای اصل ۴۴ قدری تجدیدنظر کنیم، چون در آن موفق نبودیم و بخش دولتی ناکارآمد در اقتصاد و تولید وارد شده است. دولت کارکرد نظارتی ندارد. برای حل این معضلات، به برنامه بلندمدت نیاز داریم تا استراتژی توسعه را دقیقاً معلوم کنیم. اقتصاد کشور اصلاح نمی‌شود. باید با راهبردی بلندمدت، اقتصاد کم‌کم از وابستگی به درآمدهای نفتی فاصله بگیرد و به سمت مالیات برود. تحقق این هدف در ابتدا، نیازمند «شفافیت اطلاعات» است که برای ایجاد آن، نه مدل مناسبی داریم و نه عزم جدی برای تحقق آن وجود دارد.

اگر ما بتوانیم تأمین مالی دولت را به

در نظام آموزش و پرورش اجرایی کنیم، به حفظ و بهبود منابع انسانی کشور کمک کرده‌ایم.

مشکل دیگر، در حوزه نهادها و ساختارهایی است که منابع انسانی در قالب آن فعال‌اند. نهادها و ساختارها باید نیروی انسانی کارآمد را تشویق کنند. در ساختار کنونی، اقتصاد ما گاهی افراد ناکارآمد و رانت جو تشویق می‌شوند. در مقابل، کار افرینان در چرخه بروکراتیک اقتصاد دولتی کشور گرفتار می‌شوند. عدم اصلاح سیستم برای تشویق نیروهای کارآمد و خلاق موجب شده که نیروهای نخبه، چه در سطح دانشگاهی، چه در سطح نیروهای ماهر کاری از مملکت بروند. در این کتاب، بر ضرورت توانمندسازی نیروی انسانی کشور تأکید کردیم.

* با توجه به اقتصاد تک محصولی نفتی که ما داریم چگونه با اقتصاد مقاومتی می‌توان بر این مشکل فائق آمد؟

با تحریم نفت در سال ۹۱، فرصت‌هایی در اختیارمان قرار گرفت ولی استفاده لازم از آن را نکردیم. در آن زمان، زمینه برای اصلاحات ساختاری فراهم بود؛ چرا که مردم شرایط را درک می‌کردند که کشور در خطر است و باید برای نجات کشور اقدام



سمت مالیات ببریم و شفافیت اطلاعاتی درست کنیم، مالیات بگیریم و برای بهبود توزیع و تحقق عدالت یارانه پرداخت کنیم، مشکلات اقتصاد کشور به تدریج حل می‌شود. در این مسیر، باید بدانیم که چگونه باید اقبال ضعیف را توانمند کنیم. ما باید به

در حال حاضر، ساختار اقتصادی کشور ساختاری است که به صورت اتوماتیک نفت تبدیل به ریال می‌شود و به واسطه خلق پول، چندین برابر می‌شود و به جامعه تزریق می‌شود. وقتی دولت نفت می‌فروشد، درآمد حاصل از آن، را به بانک مرکزی می‌دهد و بانک مرکزی موظف است در مقابل ارز تحویل شده، اسکناس چاپ کند و به دولت تحویل دهد. زمانی نمایندگان مجلس طرحی را برای خشی کردن این مکانیزم خلق پول خودکار داده بودند که در مجلس بایکوت شد و حتی نمایندگان طراح آن هم بایکوت شدند. طرح از این قرار بود که جلوی مکانیسم خودکار خلق پول در اقتصاد ایران گرفته شود؛ چون این امر موجب شده تا دولت بسیاری از ناکارآمدی‌های خود را با خلق پول و ایجاد تورم بیوشاند و اگر برای این مشکل، چاره‌ای بیندیشیم و کم‌کم به سمت اخذ مالیات و شفافیت‌داری برویم، به تدریج این مشکل اقتصاد نفتی حل می‌شود.

ساختاری است که به صورت اتوماتیک نفت تبدیل به ریال می‌شود و به واسطه خلق پول، چندین برابر می‌شود و به جامعه تزریق می‌شود. وقتی دولت نفت می‌فروشد، درآمد حاصل از آن، را به بانک مرکزی می‌دهد و بانک مرکزی موظف است در مقابل ارز تحویل شده، اسکناس چاپ کند و به دولت تحویل دهد. زمانی نمایندگان مجلس طرحی را برای خشی کردن این مکانیزم خلق پول خودکار داده بودند که در مجلس بایکوت شد و حتی



ایران و گسترش شهرنشینی در کشور، به تدریج فرهنگ کار ما تضعیف شد. عوامل دیگری مثل رسانه‌ها، تیشه به ریشه آن زدند و الان نیروهای جوان ما نیروهای ریسک‌گریز و غیر ماهر و عاشق، پشت میز نشستن هستند. این فرهنگ، به گونه‌ای در اقتصاد ما نهادینه شده است. نتایج برخی مطالعات توسعه نشان می‌دهد که در کشورهایی مثل ژاپن و چین، عمده عامل رشد اقتصادی عامل فرهنگی بوده است. اقتصاددانی مطالعه‌ای بین کره جنوبی و غنا انجام داده و بررسی کرده و گفت: ۴۰ سال پیش شاخص‌های اقتصادی این دو کشور شبیه هم بوده، اما بعد از زمانی کره به اقتصاد صنعتی تبدیل شد. ولی غنا در فقر باقی ماند. به اعتقاد این اقتصاددان، فرهنگ و نظام آموزشی پویای کره جنوبی، عامل این موفقیت بوده است.

متأسفانه فرهنگ کار و تلاش ما در حال فروپاشی است. مثلاً هم‌اکنون رسانه ملی با برنامه‌هایی که تولید و پخش می‌کند که شانس و اقبال را ترویج می‌کند. مثلاً، می‌گویند: شما یک پیامک بزنید و چند صد میلیون برنده شوید. البته قبول داریم که صدا و سیما به واسطه مشکلات مالی، به

نمایندگان طراح آن هم بایکوت شدند. طرح از این قرار بود که جلوی مکانیسم خودکار خلق پول در اقتصاد ایران گرفته شود؛ چون این امر موجب شده تا دولت بسیاری از ناکارآمدی‌های خود را با خلق پول و ایجاد تورم پوشاند و اگر برای این مشکل، چاره‌ای بیندیشیم و کم‌کم به سمت اخذ مالیات و شفافیت دارایی برویم، به تدریج این مشکل اقتصاد نفتی حل می‌شود. *ما الان در بخش‌های مختلف اقتصادی

مشکل داریم، ولی برخی کشورها، با گذشت مدت زمانی تقریباً کوتاه یا حداکثر در میان مدت، خودشان را به سطح اقتصاد متوسط به بالا رساندند. رشد اقتصادی ما، با منابع خدادادی و طبیعی که داریم راحت‌تر است. اما سال‌هاست که علی‌رغم دغدغه اقتصادی مقام رهبری، اما باز نتوانستیم تحولی ایجاد کنیم. به نظر شما، باید بیشتر روی قوانین و اجرائیات مشکل داریم یا مدیریت توانمند نداریم؟

بحث ضعف در مدیریت درست است. در این زمینه، کاستی‌هایی داریم. اما من در این کتاب، بر روی این موضوع تمرکز کردیم که مشکلات اقتصادی ما بیشتر ریشه فرهنگی دارد. بعد از ورود نفت به اقتصاد



علت آن این است که تحولات فرهنگ اقتصادی، آن گونه که اقتصاددان‌های نهادگرا بیان می‌کنند، به کندی صورت می‌گیرد و افراد متوجه این تحولات نمی‌شوند. ریخت‌آوره‌های فرهنگ، صدا ندارد و کسی این فروپاشی را نمی‌بیند. فرهنگ، مثل ساختمان پلاستیک نیست که یک‌بار فرو بریزد و همه را متأثر کند. ویژگی فرهنگ این است که تحولات و تغییرات آن زمان بر است. ریشه بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اقتصادی ایران، فرهنگی است و ما باید برای رفع آن روی نظام آموزشی و رسانه‌ها کار کنیم و نگرش‌های خود را عوض کنیم.

این سمت رفته است، ولی به هر حال با این رویه در حال تخریب فرهنگ است. به نظر می‌رسد، که جامعه ما در مقابل این آسیب‌های فرهنگی حساسیت خود را از دست داده است. چندی پیش یادداشتی با عنوان «شلیک صد میلیونی» به سمت فرهنگی درباره بخشی از برنامه خندوانه نوشتیم که در آن، افراد باید توپی را داخل سبلی می‌انداختند و صد میلیون برنده می‌شدند. در آن یادداشت نوشتیم که این کار، شلیکی است به سمت فرهنگ کم‌رمق کار کشور. متنها کسی به این یادداشت واکنش چندانی نشان نداد، انگار دیگری کسی به مسائل فرهنگی حساسیت ندارد.





نشست‌های علمی

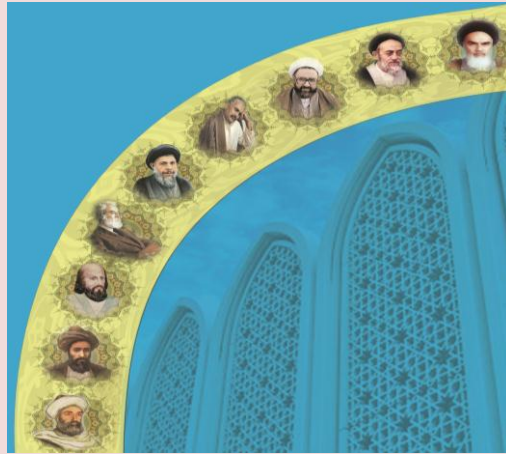
با حضور جمعی از اساتید و پژوهشگران مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

اصلی‌ترین پایگاه تولید دانش و معرفت و نبض تپنده تبادلات و فراورده‌های علمی - فقهی و بازخوانی نظام تولید دانش و معرفت، روایتگر فرایند فعالی است که از سه‌گانه میراث گرانسنگ (کتاب، سنت و عقل) نیازها و اقتضائات زمانی و سنت اجتهاد نشئت می‌گیرد. اکنون بازخوانی این سنت‌ها و سامان‌بخشی، آسیب‌شناسی، تقویت و ترمیم آنها ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان با بازسازی نسبت نظام ارتباطی شفاهی و مکتوب، جانی دوباره به سنت اندیشگی بخشید و در تولید نظریه‌های نو پیدا و پاسخ به نیازهای عینی و دشواره‌های حکومت دینی، طرحی نو در انداخت.

اجرای نشست‌های علمی، از دیرباز در برنامه‌های علمی و پژوهشی گروه‌های علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و از حلقه‌های اساسی این نظام علمی و فکری بوده است. این نشست‌ها برآمده از مطالعات و پژوهش‌های بسیاری است که با تکیه بر میراث گذشتگان و بهره‌مندی از اندوخته‌ها و آموخته‌های نو، نتایج علمی را به صورت شفاهی در دیدرس مخاطبان قرار می‌دهد. معاونت پژوهش مؤسسه، نظر به اهمیت و جایگاه نشست‌های علمی و به منظور شناسایی و معرفی آنها، چند سالی است که گردآوری نشست‌ها و تحقیقات شفاهی را در اولویت برنامه خود قرار داده است. شناسایی و معرفی این نشست‌ها، گامی است در جهت وضعیت‌سنجی و رصد محصولات علمی، موضوعی که از دغدغه‌های اساسی و سیاست‌ها و اهداف کلان این معاونت به‌شمار می‌آید.

این نشست‌ها در قالب‌های ذیل برگزار شده است:

۱. اقتصاد مقاومتی در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران؛
۲. رویکرد مدیریتی به اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی؛
۳. مبانی، اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی.



۱. اقتصاد مقاومتی در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران^۱

چکیده

اقتصاد مقاومتی، نظریه‌ای است که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری برای برنامه‌ریزی در اقتصاد کشور مطرح شده است. سال ۱۳۹۵، از سوی ایشان، سال اقدام و عمل برای اقتصاد مقاومتی نام‌گذاری شده است. سؤال اصلی تحقیق، این است که آیا اندیشه اقتصاد مقاومتی، پیشینه‌ای در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران داشته است؟ ابتدا به مبانی نظری علما در ترویج و تحقق اقتصاد مقاومتی و سپس، با محوریت قراردادن مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی، که توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شده است، با مراجعه به اسناد و منابع تاریخی و با رویکرد توصیفی تحلیلی و با روش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی این مؤلفه‌ها و الزامات در اندیشه و سیره علمای شیعه در تاریخ معاصر پرداختیم. بررسی‌ها، نشان می‌دهد که عناوینی چون عدم سلطه کفار، عزت مسلمین، حرمت دوستی و مودت با کفار، پرهیز از اسراف و تبذیر و حرمت تشبه به کفار، از جمله مبانی نظری علمای شیعه در مباحث اقتصادی بوده است. همچنین، مؤلفه‌ها و الزاماتی همچون استفاده از کالای داخلی و پرهیز از کالای خارجی، کارآفرینی و حمایت از تولید ملی، مردمی کردن اقتصاد، ممانعت از خروج سرمایه‌های ملی و اصلاح الگوی مصرف، که امروزه مطرح شده است، در سیره و اندیشه علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران وجود دارد. می‌توان از روش‌ها و اقدامات آنها، برای امروز به عنوان تجربیات موفق استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، علمای شیعه، تاریخ معاصر، ایران.



مقدمه

علمای شیعه همواره بر اساس وظیفه خود یعنی هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت، در راستای احکام اسلام و موازین شرع، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. اما آنچه که ذهنیت عمومی جامعه ما، به ویژه نسل جوان است، اینکه وظیفه و اقدامات عملی علما عموماً در مباحث خاص دینی، مثل برپایی مراسم‌های دینی، وعظ و خطابه و امام جماعت و پاسخگویی

به سؤالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم بوده است. از این رو فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی، کمتر مورد توجه بوده و یا بیان شده است. امروز نسل

سراغ دارند. اما از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی، یا هویت ملی یا منافع ملی کشور، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. در حالی که چون دین اسلام، دین جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، طبیعتاً عالمان اسلامی، که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن در جامعه برعهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال

باشند. در تاریخ معاصر ایران، که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به این کشور است، همواره شاهد حضور زیرکانه و مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ایم. یکی از اقدامات علمای شیعه، در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی و منابع اقتصادی ایران است که منطبق بر مولفه‌ها و الزامات اقتصادی مقاومتی است که در سال‌های اخیر، توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است.

نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی، یا هویت ملی یا منافع ملی کشور، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. در حالی که چون دین اسلام، دین جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، طبیعتاً عالمان اسلامی، که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن در جامعه برعهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند.

جوان ما، نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موارث دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی و عقیدتی و ...



الف. مبنای نظری علما در ترویج و تحکیم اقتصاد مقاومتی
 علمای شیعه در برای ترویج و تحکیم اقتصاد مقاومتی در دوران معاصر، اقدامات فراوانی انجام داده‌اند که بسیاری از این موارد، در مقابله با قدرت‌های استعمارگر غربی و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها شکل گرفته است. عمده این

مباحث، ناظر به حفظ بلاد اسلامی و دارالاسلام در مقابل دارالکفر و حفظ مسلمانان در مقابل کفار بوده است. این اقدامات مبتنی بر برخی اصول و ادله فقهی بوده که در این بخش به طور اجمال به مهم‌ترین این اصول اشاره می‌شود.

در بحث مقابله با غرب، توجه به اصل عدم سلطه کفار بر مسلمان بسیار جدی است. و در موارد متعددی، علمای شیعه دلیل ممانعت از رواج کالاهای خارجی، جلوگیری از افزایش

علمای شیعه دلیل ممانعت از رواج کالاهای خارجی، جلوگیری از افزایش نفوذ اقتصادی و تجاری کفار در کشور، مخالفت با انعقاد برخی قراردادهای اقتصادی و سیاسی را پیشگیری یا دفع خطر سلطه کفار بر مسلمانان مطرح کرده‌اند.

نفوذ اقتصادی و تجاری کفار در کشور، مخالفت با انعقاد برخی قراردادهای اقتصادی و سیاسی را پیشگیری یا دفع خطر سلطه کفار بر مسلمانان مطرح کرده‌اند. البته، این سلطه در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح بوده است. به عنوان نمونه، مرحوم سید محمدکاظم یزدی، در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی، در صورت امکان استفاده از مشابه داخلی آن کالا، می‌نویسند:

هرچه موجب تقویت و شوکت کفر و کفار و باعث ضعف اسلام و

۱. عدم سلطه کفار بر مسلمانان
 یکی از اصول بسیار مشهور در بحث ارتباط مسلمانان با کفار، اصل نفی سبیل است که مستند به آیات و روایات است. مثل آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند هرگز راهی برای سلطه کافرین بر مؤمنان قرار نداده است



مسلمین است حرام است؛ چه از معاملات باشد یا غیر آن از آنچه باشد... و بسی سزاوار است که مسلمین، کلیه، هرگاه ممکن باشد، بدون ترتب مفسده، تحرز کنند از چیزهایی که در معرض تقویت کفر است (روزنامه جبل المتین، ۱۳۲۴ق، ش ۳۳، ص ۲۰).

۲. عزت و شوکت مسلمانان

از اصل نفی سلطه کفار بر مسلمانان اصل دیگری قابل استنتاج است، با عنوان اصل «عزت مسلمین» و عدم ذلت و تحقیر آنها در مقابل کفار. به عبارت، دیگر لازمه سلطه کفار بر مسلمین، احتیاج و نیاز ایشان به آنها و تحقیر و ذلت مسلمانان در مقابل کفار است و نفی سلطه کفار هم موجب عزت، و شوکت و عظمت مسلمانان می‌شود. همچنان که بالارفتن شوکت و عزت مسلمین می‌تواند مانع سلطه کفار شود. بنابراین، در آیات قرآن تأکید شده است که پذیرش ولایت و دوستی کفار، موجب عزت مسلمانان نمی‌شود، بلکه عزت برای خدا و رسول و مومنان است و در نزد خدا و رسول، باید عزت را جستجو کرد: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»

(نساء: ۱۳۹)؛ کسانی که کافران را دوست و یاور خویش می‌گیرند، آیا عزت را نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه عزت به تمامی از آن خداست. همچنین می‌فرماید: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ همانا عزت فقط برای خدا و پیامبرش و مؤمنان است.

۳. حرمت دوستی و مؤدت با کفار

یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق اقتصاد مقاومتی، پرهیز از مصرف کالاهاى خارجی است. این مسئله، در دوران معاصر مورد نظر و توجه علما بوده است. از این رو، یکی از اصول و مبانی نظری مورد توجه علما در این بحث، اصل حرمت دوستی و پذیرش ولایت کفار بوده است. در قرآن کریم، آیات بسیاری وجود دارد که مسلمانان را از دوستی و مراد با کفار نهی کرده است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (مجادله: ۲۲)؛ هیچ قوم مؤمن به خدا و روز قیامت را نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ ... وَمَنْ يَتَّخِذْهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائدة: ۵۱)؛ ای



آنان در گزارش شیخ حسن کربلایی از وضعیت ایرانیان، پس از ورود کفار غربی به ایران و ارتباط ایرانیان با آنها، به خوبی توصیف شده است. وی به تأثیر مراوده با فرنگیان بر بی‌مبالاتی، به برخی از احکام دینی مثل روزه‌داری و گسترش برخی مفاسد مثل ارتباط با زنان فاسد، گسترش شرابخواری و حتی تضعیف اعتقادات مردم اشاره کرده است. میرزای شیرازی نیز در تلگراف‌هایی که به ناصرالدین‌شاه دارد، به همین بحث اشاره دارد:

کفره را بر وجود معایش و تجارت آنها مسلط کرد تا بالاضطرار با آنها مخالطه و مواده کنند و به خوف یا رغبت، ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم‌کم بیشتر منکرات، شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران به کفر قدیم خود برگردند (کربلایی، ۱۳۷۷، ص ۹۶).

در گزارش کنلی از مأمورین انگلستان در ایران نیز به این دغدغه علمای ایران اشاره شده است: میرزا محمد علی، یکی از مجتهدین به مأمور سفارت گفته بود: «تردیدی نیست این شرکت سیل اروپاییان

کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را به عنوان دوست انتخاب نکنید... و هرکس از شما با آنها رابطه دوستی برقرار نماید، از آنان خواهد بود. همچنین «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۲۸)؛ مؤمنین نباید کافران را به جای مؤمنان دیگر به دوستی انتخاب کنند. علامه طباطبایی در تفسیر میزان، ذیل این آیه می‌فرماید:

غالباً ولایت مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است ... در نتیجه، اگر ماکفار را اولیای خود بگیریم، خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده‌ایم. امتزاج روحی هم ما را می‌کشاند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شئون حیاتی آنان متأثر گردیم ... وقتی یک فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد و این ولایت قوی هم باشد، خود به خود خواص ایمانش و آثار آن فاسد می‌گردد و به تدریج اصل ایمانش هم تباه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۶).

بحث تأثیر مراوده و دوستی با کفار بر اخلاق و روحیات مردم و تضعیف ایمان



را به ایران سرازیر خواهد کرد و تجارت کشور را در دست خواهند گرفت و همین مسئله مذهب آنها را تضعیف خواهد کرد» (لمبتون، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵).

البته لازم به یادآوری است که آیات و روایات فوق، نفی کننده اصل تجارت و ارتباط اقتصادی با کشورهای بیگانه و ملیت‌های مختلف نیست، بلکه بحث بر سر برقراری رابطه صمیمی و دوستی و نزدیکی بیش از حد با آنان می‌باشد، به گونه‌ای که موجب نفوذ آنها در امور اجتماعی، سیاسی

و اقتصادی مسلمانان شود. از این رو، برقراری معاهدات و روابط اقتصادی و سیاسی با این گونه کشورها، به شرط رعایت ضوابط و قواعد کلی حاکم

بر این گونه روابط و توجه به مصالح کلی کشور، می‌تواند منفعی را برای کشور به همراه داشته باشد. هرچند باید این گونه روابط، با دقت و هوشیاری کامل صورت پذیرد؛ چرا که همواره امکان سوء استفاده و ضرر وجود دارد.

همچنین، در بحث خودکفایی و

استقلال اقتصادی، مراد این نیست که ما هیچ کالا و محصولی را از کشور دیگری وارد نکنیم و همه محصولات و کالاهای مورد نیاز خود را به هر قیمتی که شده است، خودمان تولید کنیم؛ بلکه خودکفایی به این معناست که از لحاظ تولیدات و اداره امور اقتصادی کشور در حدی باشیم که نیاز ما به محصولات دیگران، موجب سوء استفاده قدرت‌های بزرگ و اعمال فشار بر ما نباشد. به عبارت دیگر باید حتی الامکان در تولید کالاهای اساسی متکی به توانایی

خود باشیم. همچنین محصولاتی که می‌تواند در داخل تولید شود، نباید از خارج با هزینه بیشتری وارد شود. مثل بحث خام فروشی مواد نفتی، یا معدنی به کشورهای خارجی و

خرید محصولات پتروشیمی و صنعتی تولید شده با همین مواد خام از خارج.

۴. پرهیز از اسراف و تبذیر

یکی دیگر از مبانی دینی لوازم اقتصاد مقاومتی، پرهیز از اسراف و تبذیر است که در قرآن نسبت به آن تصریح شده است. در

محصولاتی که می‌تواند در داخل تولید شود، نباید از خارج با هزینه بیشتری وارد شود. مثل بحث خام فروشی مواد نفتی، یا معدنی به کشورهای خارجی و خرید محصولات پتروشیمی و صنعتی تولید شده با همین مواد خام از خارج.



شبهه شود از ما نیست، از مشابهت با یهود و نصاری پرهیز کنید (قمی، ۱۳۸۱ق، ج ۵، ص ۳۴۶). همچنین، حضرت علی علیه السلام می فرمایند: کسی که شبهه به قومی شود، از آنان به حساب می آید (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۷، ص ۴۴۰). امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: خداوند به یکی از پیامبرانش چنین وحی کرد: به مؤمنان بگو لباس دشمنان مرا نپوشند، غذای دشمنان مرا نخورند و طبق روش دشمنان من عمل نکنند. اگر چنین کنند، آنها نیز دشمن من خواهند بود، همانند سایر دشمنان (ابن بابویه، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۲۵۲).

در این گونه روایات، معصومین علیهم السلام مؤمنان را از مشابهت به کفار در اموری که از ویژگی های خاص آنهاست، برحذر داشته اند. البته این نکته قابل ذکر است که حرمت تشبه به کفار و سلوک بر طبق شیوه های آنان، مربوط به مواردی است که به نوعی شعار و یا شاخصه ای برای آنان حساب می شود، یا مربوط به بخشی از آداب و تعالیم دینی آنهاست که در اسلام

نسخ و باطل شده است. اما آن دسته از

قرآن، به صراحت از اسراف کردن نهی شده است. روایات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد. خداوند در قرآن، در مورد اسراف خطاب به مؤمنان می فرماید: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱ و اعراف: ۳۱).

علاوه بر اسراف، تبذیر نیز مورد نهی الهی قرار گرفته است در قرآن، خداوند اهل تبذیر را برادران شیطان معرفی کرده است: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء: ۲۷).

یکی از مهم ترین سفارشات و سیره عملی علمای شیعه، پرهیز از اسراف و تبذیر است. یکی از مبانی اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی و استفاده بهینه از ثروت های موجود داخلی، همین مبناست.

۵. حرمت تشبیه به کفار

یکی از اصولی که در مواجهه با کفار غربی

مورد استناد علمای شیعه قرار گرفته است، اصل حرمت تشبه به کفار است که در روایات ما فراوان مطرح شده است. رسول

یکی از مهم ترین سفارشات و سیره عملی علمای شیعه، پرهیز از اسراف و تبذیر است. یکی از مبانی اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی و استفاده بهینه از ثروت های موجود داخلی، همین مبناست.

خدا(ص) فرمودند: کسی که به بیگانه از ما



شیوه‌های تمدنی و معیشتی که منشأ فطری یا وحیانی دارد و مشترک بین کفار و مؤمنان است، از شمول این حکم خارج است (ره‌دار، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹).

اینکه در این روایات مؤمنان را از شبیه شدن به کفار نهی کرده‌اند، این است که مشابهت‌های ظاهری با آنها موجب از بین رفتن تمایزات ظاهری بین مسلمانان و کفار شده و آرام آرام تفاوتی بین آنها دیده نمی‌شود. به تدریج، این تشابه در ظاهر، به تشابه در رفتار و بعد از آن به تشابه در عقاید هم سرایت خواهد کرد.

بر همین اساس، در موارد متعددی علما بر مبنای اصل حرمت تشبه به کفار، مؤمنان را از استعمال کالاهای خارجی نهی کرده‌اند. به عنوان نمونه، مرحوم شیخ الشریعه *اصفهانی*، در این زمینه با استناد به همان حدیث «لاتلبسوا ملابس اعدایی و ...» می‌نویسند: اغلب مفاسدی که در اعمال و عقاید مسلمین پیدا شده از اختلاط آنها با کفار و تشبیه به آنها در گفتار و کردار و ... هست (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق، ش ۳۳، ص ۲۰).

الف. مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در اندیشه و سیره علمای شیعه
ب. استفاده از کالای داخلی و پرهیز از

استفاده از کالاهای خارجی
از جمله لوازم تحقق اقتصاد مقاومتی از نظر رهبر انقلاب، استفاده از کالاهای داخلی و پرهیز از کالاهای خارجی است. ایشان در درجه اول، خطاب به دستگاه‌های دولتی توصیه به استفاده از کالاهای داخلی دارند:

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگویید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه، جنس خارجی مصرف کند. به نظر من، اینها می‌تواند کمک کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

علاوه بر دستگاه‌های دولتی، مردم هم باید نسبت به مصرف تولید داخلی همت گمارند. آحاد مردم هم مصرف داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی



ایران و شکل‌گیری نهضت بزرگ تحریم کالاهای خارجی است. این حرکت، دو بعد سلبی و اثباتی داشت. بعد سلبی آن، مبارزه منفی و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب بود. بعد اثباتی آن، تلاش برای سازندگی و خودکفایی ملی و استغناء از بیگانگان است. البته از این رو تحریم همواره به معنای فقهی آن، یعنی «حرام دانستن» نبود، بلکه گاهی به معنای پرهیز از استفاده است. در مواردی از بیانات مختلف علما به این نکته اشاره شده است که ما استفاده از کالاهای خارجی را حرام نمی‌دانیم، ولی از آن پرهیز می‌کنیم. این اندیشه و تفکر، در قالب‌های مختلفی در ایران به نمایش گذاشته شد.

۱. صدور اعلامیه در تحریم کالای خارجی و ترویج کالای داخلی

یکی از اقدامات علمای شیعه در تاریخ معاصر ایران، صدور اعلامیه‌ها و فتاوی مختلف، مبنی بر تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالاهای داخلی و ترویج فرهنگ استفاده از پارچه، لباس، کاغذ و انواع کالاها و صنایع داخلی و ایرانی است. علت صدور این فتاوا و اعلامیه‌ها، آگاهی علمای شیعه به پیامدهای منفی ورود بی‌رویه کالاهای خارجی به کشور بود. مرحوم آیت‌الله

می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند ... اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد (خامنه‌ای، ۳/ ۵ / ۱۳۹۱).

یکی از پیامدهای جنبش ضد استعماری تنباکو، تداوم اندیشه تحریم کالاهای خارجی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانه در تفکر سیاسی - اجتماعی علمای شیعه، ملت

آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند.
خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند ... اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد (خامنه‌ای، ۳/ ۵ / ۱۳۹۱).



سیدمحمد کاظم طباطبایی، از علمای بزرگ شیعه، در پاسخ به سؤالی در همین رابطه می‌نویسند:

آنچه نوشته بودید از ترتب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر به محروسه ایران صانها الله تعالی عن حوادث الزمان، صواب (صحیح)، و همیشه ملتفت به آنها و اصناف آن، که مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است بوده‌ام و از اقدام شما در تهیه دفع آنها که باید از محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمین باشد زیاده مسرور شدم (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۷-۱۷۴).

مرحوم آقانجفی، بعد از مراسم نماز جماعت در مسجد جامع سلطانی (مسجد شاه)، طی سخنرانی مبسوط و مهمی، با استناد به آیات و روایات، از جمله آیات ناظر به منع دوستی و معاشرت با کفار، از مردم می‌خواهد که از مصرف کالاها و منسوجات خارجی خودداری نمایند و به مصرف کالاهای داخلی روی آورند. ایشان در نامه‌ها و اعلامیه‌های بعدی، مردم را تشویق به استفاده از کالاهای اسلامی می‌نمایند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۶۱ - ۵۹).

مرحوم آیت الله شاه‌آبادی در مورد

وابستگی به صنایع و تولیدات خارجی و استفاده از کالاهای خارجی و لزوم استفاده از کالاهای داخلی می‌نویسند:

بعضی از غفله و جهله را مشاهده می‌نماییم، که تشکر می‌کند از اینکه صنایع دشمن آنها را اداره نموده و می‌گویند: خداوند عالم آنها را خر و حمال ما قرار داده، ولی اگر به نظر منصفانه متوجه شوند، می‌فهمند حمال کسی است که پنبه را شش قران به دشمن می‌دهد و یک من ششصد تومان بل متجاوز از او می‌خرد حال مشاهده کن و ببین خر کیست و آیا این نعمت است که آن را تشکر کنی، یا آنکه از جهت عدم اعمال قوه عاقله و عامله خود را مورد انتقام خداوند کرده‌ایم و باید استغفار نموده و عرض کنیم: «ربنا ظلمانا انفسنا و اعترفنا بذنوبنا و ان لم تغفر لنا و رحمانا لکنونن من الخاسرین» و تغییر دهیم بی‌حسی را به حس و بی‌غیرتی را به غیرت و آیه شریفه: «وجاهدوا الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و آیه شریفه واقتلوهم حیث وجدتموهم» را به موقع اجرا گذارده، و کفار را



روبه انحطاط و اندراس (کنهنگی) گذاشت و فقر و پریشانی ما بین صاحبان آن حِرَف و اجزاء و حواشی آنها بالا گرفته، چه خانواده‌ها که برچیده و چه کارخانه‌ها که بسته شد ... آیا دیگر سزاوار نیست که از خواب غفلت بیدار شویم و اموال خود را مصرف در آبادی مملکت و قوت مذهب و ملت خود نماییم و چشم از زخرفه (تزینات) و صورت‌سازی امتعه خارجه بپوشیم و به اجناس وطنیه اسلامیة خود حتی المقدور اکتفا کنیم و حِرَف و صنایع خود را تدریجاً توسعه و ترقی دهیم و ذلت مسلمین را که از حد گذشته به عزت مبدل نماییم و ممالک اسلامیة که موطن شریعت حق الهیه است، معمور و آباد کنیم (رحبی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۵-۴۴۴).

ایشان همچنین معتقدند:

مسئولان حکومتی اعم از شخص شاه و درباریان و اطرافیان و همچنین نمایندگان ملت در مجلس شورا و علمای دینی و طلاب حوزه‌های علمیه نیز وظیفه دارند با

در امتعه آنها کشته و به ترک مخالطه و مراوده بر آنها خشم نمایم و حس حاجت را منظم عالم خود گردانیده و در این مقام بر آییم که امتعه مسلمین را مغتنم و حوائج را به خود آنها و در خود آنها اداره نماییم (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۶-۱۵).
در اینجا به نمونه‌های بیشتری از این اعلامیه‌ها و فتاوا اشاره می‌شود.

۲-۱. حفظ استقلال اقتصادی

یکی از اهداف اصلی تحریم کالاهای خارجی توسط علمای شیعه، حمایت و تقویت تولیدات و صنایع و حرفه‌های داخلی کشور و رونق کارخانجات و جلوگیری از تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و آبادی و عمران کشور بود. مرحوم آیت الله شیخ محمد اسماعیل محلاتی، از علمای نجف اشرف، که در زمینه اندیشه و نظریه سیاسی دارای نظریات جالب توجه و مهمی است، در اعلامیه‌ای که در ابتدای مشروطیت منتشر شده است، به بحث رواج کالاهای خارجی و تأثیر آن بر زوال اقتصاد و تولیدات داخلی اشاره کرده، می‌نویسد:

بدین واسطه [رواج کالاهای خارجی]، حِرَف و صنایع ایرانیه



مایه عزت و منشأ ثروت است، از دست مسلمین ربوده و منحصر به خود نموده و مثل خون در مجاری عروق ایشان راسخ و نافذ شده و شغل اهل اسلام به تدریج منحصر به دلالی و بیع و شراء اجناس خارجه شده ... مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه از ذل فقر و احتیاج و سؤال و تحمل عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر برهند...

(ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ش ۴۲، ص ۱۶۰).

آیت الله آقاجفی اصفهانی در نامه‌ای، که به روزنامه جبل المتین، جهت تشکر از مقالات این روزنامه در تأیید و حمایت از شرکت اسلامی می‌نویسند، به بحث ضرورت توسعه صنایع داخلی تأکید دارند: رجاء دارم که به حسن اهتمام علماء اعلام و توجه اسلامیان، موجبات رواج صنایع و امتعه اسلامیّه زیاده بر این، یوما فیوما در ترقی و شیوع بشود ... باید سعی و اهتمام در تکمیل صنایع و امتعه اسلامیّه و ترغیب مسلمانان در استعمال نمود (روزنامه جبل المتین، ۱۳۱۷، ش ۱۹، ص ۱۷).

در پاسخ دیگری آمده است: مقتضی

استفاده از کالاهای داخلی و اقدامات دیگر برای حمایت از این مسئله و تبلیغ کالاهای داخلی و ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی تلاش نمایند: شخص سلطنت که بایست خیرخواه رعیت و دلسوز نوع باشد ... وکلاء ملت که بایست عقول متنبه مملکت بوده باشند و صلاح و رشاد نوع را در کلیه امور ارائه دهند... چقدر در حق آنها خوش آیند و زیبا است و در انظار همه نیکو و مستحسن است که اولاً قامت خود را به البسه اسلامیّه مُخَلَّع نمایند پس از آن در مقام تقنین قوانینی که از مُعدّات این امر است برآیند.

آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی، از مراجع تقلید شیعه در عصر مشروطیت، در نامه‌ای که ظاهراً به یکی از تجار دارند، نسبت به نفوذ خارجی‌ها در صنعت و اقتصاد و ضعف تولید در میان مسلمین، روی آوردن به دلالی و واسطه‌گری در معاملات به جای تولید ابراز نگرانی کرده، مسلمین را تشویق به کار و تولید جهت رسیدن به استقلال اقتصادی نموده‌اند:

در این زمان که خارجه به انواع حیل، رشته کسب و صنایع و تجارت که



فطرت اسلام آن است که رغبت اهالی در امتعه مسلمین و ترویج امتعه آنها باشد نه کفار (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰).

در ادبیات بیانیه‌ها و اعلامیه‌های علما، بحث استقلال اقتصادی و رفع نیاز به بیگانه نیز از جمله مطالب مهم و پررنگ است که هم در تحریم کالاهای خارجی و هم در ترویج کالاهای داخلی مورد استناد علما قرار گرفته است. مرحوم آیت الله میرزا فتح

الله شریعت اصفهانی، در تأیید فعالیت‌های اقتصادی داخلی مثل شرکت اسلامی، به قبح وابستگی به بیگانه و استفاده از متاع خارجی با این عبارت ادبی اشاره می‌کنند: نان خود بر سفره مردم خوردن و به نعمت خویش منت از دیگری بردن، خانه همسایه سوختن و چراغ اجانب افروختن، و جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن نه کار عقلاء است (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

مرحوم آیت الله صدر اصفهانی نیز در واکنش به تأسیس شرکت اسلامی اصفهان و تولید منسوجات داخلی، یکی از مهم‌ترین آثار این حرکت را که نسبت به تحقق آن ابراز امیدواری می‌کنند، رفع احتیاج و وابستگی به بیگانه است:

رحوم آیت الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز شبیه همین امید و آرزو را دارند: امیدوارم قسمی شود که اهل ایران به هیچ وجه من الوجوه محتاج به آوردن و طلبیدن اجناس خارجه نشوند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۷، ش ۱۹، ص ۱۵).

مرحوم آیت الله مامقانی نیز در واکنش به تأسیس این شرکت و تولید لباس‌های داخلی و اسلامی، از اینکه این کار موجب استقلال از بیگانه و عدم احتیاج به اقتصاد آنها می‌شود، ابراز خرسندی می‌کنند:

بحمدالله تعالی فراهم شدن اسباب تداول منسوجات اسلامی و سد ابواب حوائج مسلمین از ممالک از نِعَم عظیمه این عصر با برکت است. چه قدر شایسته است که عموم مسلمین با کمال شوق و اتحاد کلمه در رواج آن هجر منسوجات ممالک خارجه که سبب اختلال امور امور کافه مسلمین شده، جد و جهد نموده اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه اسلامی مسلمین را آسوده نمایند (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۱۳).

مرحوم آیت الله صدر اصفهانی نیز در واکنش به تأسیس شرکت اسلامی اصفهان و تولید منسوجات داخلی، یکی از مهم‌ترین آثار این حرکت را که نسبت به تحقق آن ابراز امیدواری می‌کنند، رفع احتیاج و وابستگی به بیگانه است:

رجاء واثق ... مسلمانان در گرفتاری به کفار، که آنی زندگانی به غیر مطاع

رجاء واثق ... مسلمانان در گرفتاری به کفار، که آنی زندگانی به غیر مطاع

رجاء واثق ... مسلمانان در گرفتاری به کفار، که آنی زندگانی به غیر مطاع



۱-۲. حفظ عزت و استقلال سیاسی

درگیری‌ها و ناامنی‌هایی عصر نهضت مشروطیت، روس و انگلیس در سال‌های ۱۳۲۷ - ۱۳۳۰، قسمت‌هایی از مناطق شمال و جنوب را به بهانه ایجاد امنیت برای اتباع و تجارت خود، عملاً تحت اشغال خود درآوردند. در این میان، تجاوزگری روس، جلوه و بروز بیشتری پیدا کرد و در جریان اولتیماتوم معروف روس، در اواخر سال ۱۳۲۹ به اوج خود رسید. علمای شیعه، ضمن اهتمام به مقابله با اشغال کشور، اقدامات متعددی انجام دادند. یکی از این اقدامات، صدور اعلامیه توسط تعدادی از علمای اصفهان، به همراه برخی از تجار، در اوایل سال ۱۳۲۹ بود. آنها در این اعلامیه، بر خود «فرض ذمی» دانستند که از معامله با شعبه بانک روس و نیز استفاده از برخی کالاهای رایج روسی، پرهیز نموده، مسلمانان را نیز به همراهی در این مسئله دعوت کردند. این موضوع، مورد استقبال مردم قرار گرفته، موجب فشار روس‌ها به آقاجفی برای رفع این حکم گردید. متن اعلامیه چنین است:

معاهده‌نامه علماء اعلام (یا ارشاد عامه در حفظ اسلام): عموم مسلمانان ایرانی و کافه برادران

ایمانی را با کمال اتحاد و اتفاق و ارشاد اعلام می‌نمایم: نظر به مصالح حفظ اسلام، عموم علماء اعلام اصفهان عازم شده‌ایم و بر خودمان فرض ذمی اسلامیت (واجب) نموده‌ایم که به کلی، داد و ستد و معامله با شعبه بانک استقراض روس که به اصفهان آمده است [را] موقوف و متروک داریم. صلاح مسلمین را هم نمی‌دانیم که با او معامله کنند. در باب استعمال قند و شکر و چای روس هم، عموم علماء اعلام ترک نموده‌اند. و در سایر امتعه روسیه، در موقع خود هم اعلام خواهد شد. تجار محترم اصفهان هم در این وظایف حقه اسلامی، کمال مساعدت را با علمای اعلام دارند و تلگرافات منع حمل قند و شکر و قماش روس به نقاط لازم کرده‌اند. عموم مسلمین بدانید که مادام که قشون روس در بلاد و سرحدات ایران هستند، به این محترم باقی هستیم. «بلغنا الله ایاکم نصره الدین». ۶ ربیع‌الآخر ۱۳۲۹ محمداً تقی نجفی (روزنامه زاینده‌رود، ۱۳۲۹، ش ۱۰).



از اولیای امور مرکزی نیز درخواست می‌شود که کمال مراقبت را در فیصله امر با دولتین نمایند که ذره‌ای از لوازم حفظ استقلال داخلی و خارجی ایران فروگذاری نشود ... (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۹ - ۸۸).

مرحوم آخوند خراسانی نیز در پاسخ نامه تهدیدآمیز روسها، که از تحریم کالاهای روسی شکایت کرده بودند و ضمناً تهدید به واکنش متقابل نموده بودند، یکی از علل اصلی این تحریم را نادیده گرفتن مناسبات حسن هم‌جواری و بین‌المللی و تهدید استقلال سیاسی ایران، توسط روس‌ها بیان نموده‌اند:

کارگزاران دولت بهیه روس نسبت به ایران به هیچ وجه نوامیس و دادیه (روابط دوستانه) و مناسبات جواریه (همجوار همسایگان) را لازم الرعایه و حقوق بین‌المللی را محترم نمی‌دارند ... ابقاء قشون روسیه در ایران ... اسباب تزلزل کلی و منافی استقلال مملکت بوده و هست ... در چنین صورت، بر هر فرد ایرانی و بلکه بر هر مسلمانی خصوصاً مقام روحانیت اسلامی، که حفظ ثغور و استقلال ممالک اسلامی را ذمه‌دار

مردم تجار اصفهان به دلیل اعتقادات و احساسات اسلامی و مذهبی خود، اولین افرادی بودند که از این حکم اطاعت نمودند. آنها به طور یکپارچه به افراد طرف معامله خود تلگراف زدند که از این تاریخ به بعد، کالاهای روسی را نه به طور امانت و نه به طور خالصه برای آنها خریداری و حمل نکنند. همچنین، اهالی اصفهان، هر روز در صدد افزایش این حرکت دفاعی اقتصادی هستند که موجب انزوای بیگانگان می‌شود.

در اعلامیه‌ای که علمای شیراز پس از اشغال سرزمین ایران، توسط قوای روس و انگلیس به اصفهان مخابره کرده‌اند، به تحریم کالاهای خارجی و قطع روابط با بیگانه با هدف حفظ استقلال سیاسی کشور، این گونه اشاره کرده‌اند:

علما و تجار و اعیان فارس اجتماع نموده و برای حفظ استقلال اسلامیت و ملیت و دفاع از تهاجمات خانمان ویران کن دولتین متجاوزتین، تحریم امتعه و قطع روابط ملی را یگانه علاج قومیت دیدند... امیدواریم آن آقایان نیز اضمحلال دیانت و قومیت ایرانیان را در نظر گرفته، هرچه زودتر تحریم امتعه دولتین اقدام فرمایند و



است فرضیه حتمیه خواهد بود، که در مقام دفاع از حقوق مسلمین و حفظ حوزه اسلامی بر حسب مناسبات و مقتضیات از هر اقدامی فروگذاری نکند (همان، ص ۱۰۱-۱۰۰).

۱-۳. حفظ استقلال فرهنگی و رشد معنوی و اخلاقی جامعه

علمای شیعه در این گونه اقدامات اقتصادی خود، صرفاً به منافع و مصالح سیاسی و اقتصادی نظر نداشتند، بلکه مصالح فرهنگی و مذهبی را نیز مد نظر داشتند و یکی از آثار نفوذ اقتصادی و گسترش مصرف کالای خارجی را نفوذ فرهنگی و مذهبی دشمن می‌دانستند و تحریم این کالاها را با هدف ممانعت از نفوذ فرهنگی دشمن انجام می‌دادند. به عبارت دیگر، حفظ سرمایه‌های مذهبی و فرهنگی نیز از اهداف این اقدامات بود. آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله مازندرانی، در اعلامیه‌ای که در مقابله با استفاده از کالاهای روسی صادر کردند، بعد از اشاره به ضررهای اقتصادی ناشی از مصرف کالاهای خارجی، به آثار فرهنگی آن این نکته اشاره دارند:

استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامیه ... حالا به ذهاب بیضه اسلام (از بین رفتن اصل اسلام) و زوال اسلامیت

مملکت هم العیاذ بالله تعالی نوبت رسیده. بقاء سالدات (نیروی نظامی) روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیهم خدای نخواستہ مؤذی خواهد بود. (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

یکی از آثار نفوذ اقتصادی و گسترش مصرف کالای خارجی را نفوذ فرهنگی و مذهبی دشمن می‌دانستند و تحریم این کالاها را با هدف ممانعت از نفوذ فرهنگی دشمن انجام می‌دادند.

همچنین یکی از دلایل و اهداف پرهیز از کالاهای خارجی و ترویج و استفاده از کالاهای داخلی، توجه به آثار معنوی و اخلاقی و روحی این مسئله است. در بیانات علمای بزرگ، به مواردی از آثار بد استفاده از کالاهای خارجی و آثار مطلوب استفاده از مصنوعات داخلی اشاره شده است. ترویج کالاهای داخلی را به خاطر آثار مثبت معنوی و اخلاقی آن تمجید و تعریف کرده‌اند. مرحوم میرزا حسین نوری



در نامه‌ای که به حاج آقا نورالله اصفهانی در تمجید از تأسیس شرکت اسلامیّه نوشته‌اند، به فواید این کار چنین اشاره کرده‌اند:

با چنین قلب ویران و هیئت عدوی ایمان، برای حضور در محضر قدس حضرت الهی و اظهار عبودیت و احتیاج، و استدعای انجام حوائج محلی و به جهت اجابت و دعا و دفع مکاره و بلا، جای امیدی نخواهد ماند ... نوع مسلمان‌ها سال‌ها است اثر اجابت در دعای خود نمی‌بینند... ندانستند که اول شروط اجابت، پاکیزگی مطعوم و ملبوس است و هرچه در آنها مذاقه کنند، اثرش را در آنجا مشاهده نمایند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهمما ممکن بعد ذلک تخلف ننماییم.

اولاً، قبالات و احکام شرعیه، از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده ... قبالة و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم؛ حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، [اما] ماها به این روش متعهدیم.

آیت الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز در نامه‌ای که خطاب به حاج آقا نورالله اصفهانی می‌نویسند، به همین اثر معنوی و اخلاقی این گونه اشاره دارند: امیدوارم...

این مأکول و ملبوس پاک و طاهر سبب اجابت دعوات و عوارف و قبولی طاعات شود لامحاله اثر قهری دارد (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۷ق، شماره ۱۹، ص ۱۵).

۲. **تعهد عملی علما به مصرف کالای ایرانی**
یکی از این نمونه اقدامات، صدور



زنجانی، محمدجواد قزوینی، سید محمدرضا مسجدشاهی، آقاسن بیدآبادی (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۲۴ق).

چنان که می‌بینیم در این اعلامیه بر استفاده از کاغذ، لباس و پارچه‌های ایرانی تأکید شده است. ذیل این اعلامیه که امضاء و مهر آقایان است، نکاتی که در تأیید این مسئله نوشته‌اند، نیز جالب است. حاج میرزا مهدی جویباره این قرارداد را موجب کمک به کسبه و ضعفای جامعه داشته، مخالفت با آن را توهین به شرع انور می‌داند. سایرین تأکید کرده‌اند که خودمان و خانواده و بستگان به این قرارداد عمل خواهیم کرد.

این نوع اقدامات علما، موجب ترس و واهمه تجار و شرکت‌های اروپایی شده است. چنان که کاردار سفارت انگلیس، چارلز مالرینگ، به وزیر امور خارجه، میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، دربارهٔ مبارزات علمای اصفهان، با سلطهٔ بازار خارجی شکایت کرده و این حرکت را موجب خطر فاحش برای سرمایه‌های انگلیسی می‌داند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع‌افزا می‌گردد: از اصفهان به دوستدار اطلاع رسیده که علمای آنجا در کار ترتیبی هستند که نگذارند امتعهٔ اروپایی به

ثانیاً، کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر غیرایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت، ماها نماز نخوانیم. دیگری برای اقامهٔ صلوة بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً، ملبوس مردانهٔ جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهماً ممکن، هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیرایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی‌المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم. تابعین ماها نیز کذلک و متخلف، توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته‌ایم، ممنوع نیست استعمال آن.

حاج نورالله نجفی، جعفر الفشارکی، آقانجفی اصفهانی، شیخ مرتضی‌اثره، رکن‌الممالک، سید محمدباقر بروجردی، آقا میرزا علی محمد، حاج میرزا مهدی جویباره، سید ابوالقاسم الدهکردی، سید ابوالقاسم



احترامات فائقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید. چارلز - م مارلینگ (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷ و ۱۸۸).

یکی دیگر از اسناد زنده و جاودانه در این خصوص، آداب اخلاقی ثبت شده و مشهور آیت‌الله شهید سید حسن مدرس است که در ادامه خط فقهاتی میرزای شیرازی قرار دارد که وی هرگز غیر از منسوجات و پارچه‌های وطنی نمی‌پوشید (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶).

مرحوم حاج میرزا حسین نجل حاج میرزا خلیل تهرانی، که یکی از مراجع سه گانه نجف در عصر مشروطیت بود و فتاواوی وی همراه با آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی تأثیر زیادی در پیشرفت نهضت مشروطیت داشت، پس از تأسیس شرکت اسلامی اصفهان، ضمن تعریف و تمجید از این اقدام و تشکر از حاج آقا نورالله اصفهانی، خودشان نیز مبتنی بر اصل حفظ عزت مسلمین و عدم احتیاج به بیگانه، متعهد به استفاده از لباس‌های تولید داخل می‌شوند: امیدوارم قسمی شود که اهل ایران به هیچ وجه من الوجوه محتاج به آوردن و طلبیدن اجناس خارجه نشوند... خود احقر هم قاصد و عازم، حتی المقدور به غیر از اجناس معمولی

فروش برسد. و به خریداران ایرانی که اهمیت دارند، اعلان کرده‌اند که بکلی ترک معامله را نموده و به مهلت چهار ماهه، محاسبات خود را با تجارت‌خانه‌های اروپایی قطع کنند. نتیجه این کار، این است که معامله‌گران کوچک بازار چون می‌ترسند که بعد از این نتوانند امتعه اروپایی بفروشند، قروض خود را به تجارت‌خانه‌های بزرگتر که به اعتبار آنها نیز از این بابت خلل فاحش وارد آمده، نمی‌پردازند. و تجارت‌خانه مزبور نیز از آن طرف نخواهند توانست که از عهده تعهدات خود به تجار خارجه، که مال التجاره از خارجه می‌آورند، برآیند؛ چون مبلغ زیادی سرمایه انگلیسی در این کار است و اگر این کار غیر صحیح را بگذارند امتداد پیدا کند، به سرمایه مزبور خطر فاحش وارد خواهد آمد، از جناب مستطاب عالی خواهشمندم مقرر دارند احکامات لازم به کار گزاران اصفهان صادر شود که از اقدامات فتنه‌انگیز این اشخاص فوراً جلوگیری شود. در این موقع



ایران استعمال نمی‌نمایم (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۷ق، شماره ۱۹، ص ۱۵).

ب. کارآفرینی و حمایت از تولید داخلی

مقام معظم رهبری، یکی از ارکان و لوازم اقتصاد مقاومتی را کارآفرینی و حمایت از تولید ملی می‌داند: یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است... حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید... اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ / ۶ / ۲). ایشان در بحث از ضرورت و اهمیت

کارآفرینی، دلیل ضرورت و اهمیت آن را فشار جهانی بر ملت ایران و وجود فشار اقتصادی و تحریم دشمن برای بازگرداندن و افزایش

سلطه اهریمنی خود بر ایران می‌دانند و مسؤولان را موظف به پیگیری کارآفرینی می‌نمایند: این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار،

به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹ / ۶ / ۱۶).

علمای شیعه، همواره به ضرورت تقویت اقتصاد داخلی و حمایت از تولیدات و کارخانجات داخلی و حمایت از تولید و کشاورزی داخلی تأکید کرده‌اند. مرحوم آیت الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی در کتاب *شذرات المعارف*، به ترویج عقاید باطل و اخلاق رذیله و رفتارهای ناشایست در مملکت اسلامی اشاره و معتقدند: بسیاری از متدینین صرفاً اظهار تأسف از

وقایع مذکور می‌نمایند و دنبال علاج درد و راه حل نیستند. ایشان یکی از راه‌های مناسب برای اعتلای دینی در جامعه را حمایت از شرکت‌ها، صنایع و زراعت داخلی

می‌دانند: ایجاد شرکت از روی قواعد علمیه، برای تجارت مشروعه و صناعت و زراعت و ترویج البسه و اقمشه مصنوعه اسلامی و مملکتی... تعیین مشاغل مشروعه برای افراد بیکاره جمعیت و تمهید وسائل اعانت به

علمای شیعه، همواره به ضرورت تقویت اقتصاد داخلی و حمایت از تولیدات و کارخانجات داخلی و حمایت از تولید و کشاورزی داخلی تأکید کرده‌اند.



فعلی، که از رشحات معیشت دشمن است، البته باقی نخواهد ماند و محکوم خواهیم شد. به انعدام بلکه کمال علم و عمل دشمن و قوت حیوه تدبیر در جریان تجارتش موجب تعطیل قوای عامله و نقص در ما شده علما و عملاً (همان، ص ۱۵ و ۱۶).

تأسیس شرکت اقتصادی اسلامی اصفهان

یکی از مهم ترین نمودهای کارآفرینی و حمایت از تولید داخلی، تأسیس شرکت اسلامی اصفهان، در سال ۱۳۱۶ ق. یعنی حدود هفت سال پس از قیام تنباکو در اصفهان است. این شرکت، توسط دو مجتهد بزرگ اصفهان مرحوم آیت الله آقانجفی اصفهانی، اولین کسی که فتوای تحریم تنباکو را در اصفهان، پیش از صدور حکم میرزا صادر کرد، و برادرشان شهید حاج آقا نورالله اصفهانی تأسیس شد. پس از قیام تنباکو و بروز فواید بی شمار آن، این دو بزرگوار این گونه برنامه ریزی کردند که امکانات داخلی را جهت تولید بسیج نموده، با ابتکار ایرانی به تولید پردازند. تا هم تولیدات داخلی رونق پیدا کند و هم کارگران ایرانی در داخل کشور، به کار

ضعفاء و فقراء (شاه آبادی، ۱۳۸۰، ص ۸). ایشان معتقدند: یکی از اموری که موجب رشد اقتصادی و به تعبیر امروز، تحقق اقتصاد مقاوم می شود، گسترش کشاورزی و زراعت است:

اول: اعداد مواد قابله؛ و آن عبارت است: از فتح باب زراعت و توسعه آن؛ زیرا که اولین امر در ایجاد مایحتاج الیه و تحقق ثروت، همین اساس است... خصوصاً در مملکت ایران که اجزایش بسیار است.

دوم: از اصول معاونات، اظهار کمال موجود است و آن عبارت است از گشودن ابواب صناعت (همان، ص ۴۰)

مرحوم آیت الله شاه آبادی معتقدند: ضعف علمی و عملی در ایجاد صنایع موجب مشکلات اقتصادی شده و قدرت علمی و عملی دشمن در صنایع موجب تضعیف بیشتر ما خواهد شد. لذا باید به فکر گسترش صنایع باشیم:

بدان که انسان علاوه بر آنکه عاشق کمال است در معاش و معاد محتاج به علم و عمل است و لذا مورد عنایت قوه عاقله و عامله شده... اختلال در امر معاش از جهت فقدان کمال علم و عمل صنایع می باشد و معلوم است این معیشت



گماشته شوند و برای کار به خارج از کشور نروند و هم سرمای‌های داخلی در داخل کشور هزینه شود.

... حضرت حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی [آقانجفی] - مدظله العالی - عنوان مفصلی را من باب ترک منسوجات و مصنوعات خارجه در ترویج امتعه و اقمشه داخله و بیست و هفت مورد در قرآن، که منع از معاشرت خارجه است، بیانی خیلی مفصل و عنوانی بسیار عام فهم، ارشاد فرموده‌اند... علمای اسلام در این شرکت مقدس شخصاً شرکت مالیه نموده‌اند و از بذل نصایح و تشویق عموم به امتعه اسلامی و دوری از استعمال امتعه خارجه، دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کنند... حضرت حجت‌الاسلام آقای نجفی و بندگان ثقة‌الاسلام [حاج آقانورالله] و جناب آقایان علمای اسلام - سلمهم الله تعالی - در راه این شرکت مقدس، از هستی خود گذشته‌اند. از خداوند خواهانیم این‌گونه سرپرستان ملت را در پناه خود محفوظ بدارد (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۶، ش ۲۰، ص ۲۳۷).

این شرکت که دارای یک اساسنامه قوی، با ۴۳ فصل و یک خاتمه است؛ با اهداف مهمی در عرصه حفظ و تقویت اقتصاد ملی در مقابل نفوذ اقتصادی بیگانه تأسیس شد. چنانکه آقا نجفی اصفهانی در نامه‌هایی که به مطبوعات از جمله روزنامه «جبل‌المتین» نوشته است، به پیشرفت در این زمینه، در حد خودکفایی اقتصادی و عدم احتیاج به بیگانه اشاره کرده است؛ چرا که احتیاج به بیگانه موجب سلطه آنها بر مسلمین شده و خلاف اصل نفی سلطه کفار و اصل عزت مسلمین است. ایشان می‌نویسد:

رجاء دارم که به حسن اهتمام علماء اعلام و توجه اسلامیان، موجبات رواج صنایع و امتعه اسلامیة زیاده بر این، یوماً فیوماً در ترقی و شیوع بشود؛ چنانچه در اصفهان و توابع، لباس اغلب مسلمانان، از همین منسوجات و امتعه اسلامیة می‌باشد و رواج دارد. انشاءالله تعالی بطوری شایع خواهد شد که کفایت عموم اسلامیان را بنماید (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۷ق، شماره ۱۹، ص ۱۸). ... بر سرکار و اشخاص مسلمین لازم است هر یک به قدر وسع، جدّ و جهاد داشته که - انشاءالله - به توجه غیبی حضرت



نمودند. اهداف کلی تأسیس شرکت این گونه آمده است:

- دسترسی به سود بیشتر اقتصادی از طریق راه اندازی کمپانی و شرکت در نسبت با کار تجارت فردی؛
- خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی؛
- تثبیت و تقویت هرچه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه؛
- جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور؛
- جلوگیری از مهاجرت نسل های آینده به خارج از کشور، برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان؛

- تسهیل در امر معیشت مردم به علت ارزان تر بودن منسوجات و مأكولات داخلی، نسبت نوع خارجی آنها؛
- ارایه الگویی تجاری برای آینده ملت و دولت؛
- جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان؛

چنان که می بینیم، تأکید بر کار جمعی به جای فردی، رفع احتیاج از بیگانگان و رهایی از ذلت ناشی از آن، ممانعت از خروج ثروت ملی و نیروی کار و تقویت اقتصاد ملی، حل مشکلات اقتصادی مردم

امام عصر(عج) پیشرفت شود که مسلمین را حاجت به منسوجات و ملبوسات غیر نباشد (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۷ ق، ش ۲۵).

... رؤسای روحانی ملت و امر دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و درصدد ارتقاء بدان مدارج عالیه، برآمده اند. اگر نام مبارک حجت الاسلام آقاجفی - مدّ ظلّه العالی - را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست... (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷ ق، ش ۴۷).

چنان که می بینیم، تأکید بر کار جمعی به جای فردی، رفع احتیاج از بیگانگان و رهایی از ذلت ناشی از آن، ممانعت از خروج ثروت ملی و نیروی کار و تقویت اقتصاد ملی، حل مشکلات اقتصادی مردم از جمله اهداف اصلی شرکت است. مشکلاتی که تقریباً همگی امروز از جمله مشکلات اقتصادی جامعه ماست.

اساسنامه این شرکت و اهداف آن، حاکی از دید وسیع و متفکرانه این عالم دینی و توجه دقیق وی به معضلات و مشکلات اقتصادی جامعه زمان خود است. ایشان برای حل این مشکلات، اقدام به تأسیس این شرکت



از جمله اهداف اصلی شرکت است. مشکلاتی که تقریباً همگی امروز از جمله مشکلات اقتصادی جامعه ماست (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۳۲-۳۴).

۱. حمایت عملی مردم و علما از تولید داخلی

تأسیس این شرکت، که برای تقویت اقتصاد داخلی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانگان و سلطه آنها بر کشورهای اسلامی شکل گرفت، مورد استقبال بسیار مردم ایران قرار گرفت و میزان سرور و بهجت مردم از توفیق این شرکت، به اندازه‌ای بود که در برخی شهرها از جمله بوشهر و کاشان، به هنگام ورود اولین البسه این شرکت، مجلس جشن و بزم راه انداختند. در توصیف این شور و حرارت آمده است:

چنان وجد و سرور در اهالی از وضع و شریف ملاحظه شد که در هیچ عید از اطفال ندیده بودم. و در تعریف منسوجات وطنی همین یک نکته شاهد است که بلژیکی‌های مأمورین گمرک و سایر اهالی خارجه، از این تن‌خواه خریدند و نهایت توصیف می‌نمودند (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۷، ق، ش ۲۴، ص ۲۵، ش ۲۹، ص ۱۵).

برهمن اساس نیز مطبوعات و رسانه‌های

داخلی و خارجی به شدت نسبت به این حرکت حساسیت نشان دادند و اخبار گسترش و توسعه آن را منتشر می‌نمودند. آقانجفی و حاج‌آقا نورالله اصفهانی، در نامه‌هایی که در تشکر از توجه روزنامه‌ها به این اقدام نوشتند، از این حرکت به مثابه یک جهاد اقتصادی نام می‌برند (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷، ق، ش ۴۷).

همچنین نوع این اقدام، که در راستای حفظ منافع اقتصادی جامعه اسلامی و مقابله با سلطه بیگانگان بر امت مسلمان بود، مورد حمایت جدی علمای مسلمان در مناطق مختلف گردید و علمای بزرگی چون آیات عظام ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، میرزا حسین نجل میرزا خلیل، محمد الغروی الشریبانی، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح‌الله شیرازی اصفهانی معروف به شریعتمدار، میرزا محمدحسین نوری معروف به محدث نوری، صدر اصفهانی و... به طرق مختلف مثل فتوا، اعلامیه، سخنرانی و تألیف کتاب، به حمایت از آن برخاستند. به عنوان نمونه، آیت‌الله آخوند خراسانی، در نامه‌ای از شاه خواسته است تا با «خلع لباس ذلت» و «لبس لباس عزت» و استفاده از «البسه مصنوعه اسلامی»، هم به «ترویج ملت بیضاء



وکالت حاجی میرزا اسدالله کاشانی و حاجی علی اکبر صاحب شیرازی، مسکو (با وکالت میرزا محمدجواد مشکی اصفهانی و میرزا علی محمدخان کاشانی)، اسلامبول (با وکالت حاجی میرزا محمدشفیع آقا امین‌التجار اصفهانی)، بمبئی (با وکالت حاجی سلطان‌علی شوشتری و حاجی محمدجواد عرب کرمانی)، کلکته (با وکالت مؤیدالاسلام)، بغداد (با وکالت حاجی سید محمدکاظم اصفهانی و حاجی سید حسین افندی اصفهانی)، بادکوبه (با وکالت حاجی زین‌العابدین تقی‌اوف)، قاهره، ... نیز ایجاد شد.

با توسعه فعالیت اقتصادی شرکت، حوزه کاری شرکت از حوزه نساجی فراتر رفته، به برخی امور مهم اقتصادی مثل حوزه حمل و نقل و ساختن راه‌آهن، راه‌اندازی کارخانه نخ‌ریسی یا به تعبیر آن زمان ریسمان‌تابی نیز گسترش یافت.

۳. شرکت اسلامیة و به خطر انداختن منافع استعمار

گسترش روز افزون شرکت اسلامیة، که با هدف مقابله با نفوذ و سلطه اقتصادی استعمارگران شک گرفته بود، موجب لطماتی به منافع بیگانگان شد. به گونه‌ای که

و تقویت دولت عظمی و اسباب آسایش عموم عباد و ترقیات عامه و قاطبین بلاد محروسه ایران) پردازد و هم موجب شود تا ملت که به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم»، رویه وی را ادامه دهند که «کهن جامه خویش را پیرایش، به از جامه عاریت خواستن» است (روزنامه ثریا، سال دوم، ش ۱۳۱۷، ۱۳۱۷ق). حتی در برخی شهرها از جمله در شیراز، علما برخی از وعاظ را روانه نقاط مختلف شهر و روستا کردند تا به مردم اطلاع دهند و از مردم بخواهند که از این به بعد، تنها از منسوجات شرکت اسلامیة اصفهان استفاده کنند (روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۷ق، ش ۱۸، ص ۱۲).

۲. رشد فعالیت اقتصادی شرکت در حد بین‌المللی

با اقدامات انجام شده و استقبال و حمایت‌های فراوان از محصولات این شرکت، شرکت به سرعت توانست توسعه و گسترش یافته، و قلمرو فعالیت خود را از شهر اصفهان فراتر برده، به نوعی در اکثر شهرهای ایران شعبة ایجاد کند. گسترش و توفیق شرکت تاحدی بود که فعالیت آن، فراتر از مرزهای ایران رفت و شعبه‌هایی از این شرکت در شهرهای پاریس، لندن (با



روزنامه‌ها و نمایندگان انگلیس، توسعه آن را سکنه به منافع انگلیس در کلیه منطقه خلیج فارس اعلام کردند:

چیزی که در این شرکت اهمیت دارد، این است که علمای این ملت نیز در آن شرکت دارند و مشوق‌اند. و اگر این شرکت معتبر شود، سکنه بزرگی به تجارت انگلیس در اصفهان بلکه در خلیج فارس وارد آید. و باید تجار ما نوعی رفتار کنند که در آینده بازار تجارت‌شان از رونق نیفتد، و الا عن قریب باید منتظر خبر بود که بازار تجارت ما در اصفهان بسته شود (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷ ق، ش ۴۶، ص ۱۱).

رشد روزافزون معاملات و عایدات شرکت اسلامی، به قدری زیاد بوده که سفارت انگلیس را در معرض موضع‌گیری و چاره‌اندیشی قرار داد به گونه‌ای که سفارت انگلیس طی یادداشتی به وزارت امور خارجه می‌نویسد:

از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد، علمای آنجا بیشتر بر ضد تجارت خارجه می‌باشند... مخصوصاً می‌گویند که امتعه خارجه نجس است. بلکه در مساجد و سایر

نقاط علناً می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجه را بخرند. علما از اشخاص معتبر که امتعه خارجه می‌خرند، بد می‌گویند. آنها هم از این جهت جرأت خرید را ندارند... جناب آقا نورالله در مسجد چند روز قبل از این گفته بودند که این اقدام، اقدام وطن‌خواهی است که تجارت داخله را ترغیب و تجارت خارجه را خارج کنند. مشتریان ایرانی می‌گویند که اگر این‌طور باشد، بایستی قطع مراد به خارجه بکنند. مگر اینکه آقایان را متقاعد کنند که ضدیت نمایند. این مسئله نهایت اهمیت را دارد. مشتریان داخله ورشکست خواهند شد و تجار خارجه خانه‌های خود را از اصفهان برخواهند داشت و در شهرهای دیگر ایران هم همین‌طور خواهد شد. این فقره اسباب خرابی مملکت است (نجفی، ص ۶۳-۶۴).

برهمن اساس، انگلیسی‌ها برای جلوگیری از خطر شرکت، ناگزیر به حيله و نیرنگ می‌شوند و سعی می‌کنند با استفاده از اختلافات مسلمانان و اهل کتاب، به اقدامات شرکت لطمه زده و مانع موفقیت‌های آن



انگلیس را خشتی می‌کند. در همین خصوص پاسکال معلم روحانی آرامنه و مسیحیان اصفهان طی نامه‌ای به مدیر روزنامه حبل‌المتین، کذب ادعای انگلیس را فاش می‌سازد:

از دیدن این خبر خیلی متألم شدم ... به طور یقین عرض می‌کنم که از زمانی که شاه عباس صفوی، ماها را به ایران کوچانید، در ضمن این مدت که تقریب سیصد سال است، هیچ زمان طایفه ما آسوده‌تر و راحت‌تر از زمان سلاطین قاجار نبوده [است]. همچنین علمای اصفهان همیشه ما را محترم می‌داشته و می‌دارند و در کمال دقت به امور راجعه به ما اقدام می‌فرمایند. با این لطف دولت و ملت، راضی نیستیم کسی این تهمت بزرگ را به ما بزند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۷ ق، ص ۴۸۶).

در مجموع حرکت جهادی حاج آقا نورالله اصفهانی در عرصه اقتصادی که با همیاری و حمایت سایر علما و اقشار مختلف مردم همراه شد، موجب شد برخی از مشکلات جدی کشور در عرصه اقتصادی با یک حرکت جهادگونه حل

شوند. اما این طرح ظاهراً به موقع از جانب طرفدار شرکت اسلامیه لو رفت تا حدّ زیادی این نقشه را خشتی کردند. به عنوان مثال؛ روزنامه حبل‌المتین این مطلب را همراه با نقد آن چنین گزارش می‌دهد:

چندی است که اخبارات انگلیسی، نکته اهمیت شرکت اسلامیه اصفهان [را] - که بدون استثنا تمام ملت شرکت دارند - فهمیده، عاقبت این عمل مقدس را دانسته نقصانی‌های خود را سنجیده‌اند. چون در آن عمل نمی‌توانند ایرادی بگیرند، از راه دیگری بیرون آمده می‌گویند که اهالی اصفهان با مسیحیان بنای بدسلوکی را نهاده‌اند. این اعلانات کذب را اخبارات انگلیسی از روی پولتیک اشاعت می‌دهند؛ چرا که یک حصّه شهر اصفهان همیشه نصاری‌نشین است و از قرون عدیده به این طرف هرگز شنیده نشده که مسلمانان ساکنین اصفهان با اینکه قادر به همه گونه زیادتی به آرامنه بوده‌اند، سر مویی به آنها زیادتی نمایند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۷ ق، ش ۲۹، ص ۳۳۹).

البته، هوشیاری اقلیت مسیحی نیز نقشه



شود و در عصری که عصر امتیازات استعماری روس و انگلیس در ایران است، تا حدی از سلطه اقتصادی بیگانگان بر کشور جلوگیری نمایند.

ج. مردمی کردن اقتصاد

مقام معظم رهبری، یکی دیگر از لوازم اقتصاد مقاومتی را حمایت از بخش خصوصی و تکیه به فعالیت‌های مردمی می‌داند و مردمی کردن اقتصاد را جزو الزامات اقتصاد مقاومتی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳). ایشان ضمن تأکید بر اهتمام و دقت و توجه به سیاست‌های اصل ۴۴ و اشاره به تصریح مسئولان، به عدم حضور فعال بخش خصوصی، خطاب به آنان می‌فرماید:

باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخش بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود ... هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود...

هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱ / ۷ / ۱۸).

مراجعه به سیره و اندیشه اقتصادی علمای شیعه در دوران معاصر، نشان می‌دهد این مسئله مورد توجه آنان قرار داشته است.

باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخش بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود ... هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود... هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.



مملکت به قدر واردات باشد که این قدر پول از ایران خارج نشود. نقره هم مثل طلا در ایران حکم عنقا (سیمرغ) را پیدا نکند و بالمره سرمایه تجارت از دست نرود... باید به رعایا اطمینان داد که پول‌های خودشان را به کار بیندازند و اشخاص که در خارج رفته‌اند تجارت و صناعت می‌نمایند، به مهمانی و امنیت تامه به مملکت وارد کرد. و آنها را تشویق کرد تا فوائد تجارت و مناعت آنها عاید مملکت شود. نروند پول‌های خودشان را در بانک‌های خارجه از قرار صد، پنج بگذارند و در داخله پول نابود شود (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۸ و ۳۶۹)... اگر کارخانه ریسمان و نساجی داشتیم... قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌باشد و هم فلاحیت (کشاورزی) که در واقع معدن معتبر ایران است... اسباب هزارگونه ثروت بود. (همان، ص ۳۹۱).

مرحوم آیت الله شاه آبادی یکی از راه‌های جلب مشارکت مردم در اقتصاد و به کار انداختن سرمایه‌های مردمی را تأسیس

مرحوم آیت الله شاه آبادی، یکی از عوامل فقر و مشکلات اقتصادی را به جریان نیاندختن سرمایه، توسط مردم و سرمایه‌داران می‌داند و از این مسئله انتقاد می‌کند:

اشخاص متمول با حاجت آنها به عملی و شغلی.... رفع ید از کار نموده و پول خود را حبس می‌نمایند، و ارجاع شغلی به ارباب حرف و صنایع نمی‌کنند و از این جهت، هم تعطیل امر غنی شده و هم فقیر به فقر خود مبتلا و روز به روز این مصیبت بر استیصال خواهد افزود تا موجب هلاک ابدی گردد، که: الفقر سواد الوجه فی الدارین (مجلسی، ۱۳۷۴ - ۱۳۶۲، ج ۶۹، ص ۳۰، باب ۹۴). فقر موجب روسیاسی در دو دنیا می‌شود (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۳۷).

مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی در رساله «مقیم و مسافر» به لزوم مردمی شدن اقتصاد و ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری داخلی و تأسیس کارخانجات در داخل کشور و تقویت کشاورزی از طریق علمی، تأکید می‌کنند:

باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات



شرکت‌ها و تعاونی‌ها اقتصادی می‌دانند. شخصی هر فرد باشد. سپس، ایشان انواع پول‌هایی که می‌تواند به عنوان سرمایه، در این شرکت سرمایه‌گذاری شود، بر می‌شمرند. یکی

ایشان رساله‌ای تحت عنوان «شرکت مخمس» دارند که در آن طرح خود را برای تأسیس شرکت‌های اقتصادی تعاونی بیان کرده‌اند. صدر این رساله، به این آیه قرآن اشاره شده است: «و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الائم و العدوان» (مائده: ۲)؛ و باید در نیکوکاری و تقوی به یکدیگر کمک کنید و از کمک به یکدیگر در گناه و ستمکاری پرهیز نمایید.

مرحوم آیت الله شاه آبادی یکی از راه‌های جلب مشارکت مردم در اقتصاد و به کار انداختن سرمایه‌های مردمی را تأسیس شرکت‌ها و تعاونی‌ها اقتصادی می‌دانند.

از این انواع پول‌ها را پول‌هایی بیان می‌کنند که والدین به فرزندان می‌دهند: پول‌هایی که به اطفال خود می‌دهند و برای مصارف بیهوده از میان می‌رود به خود آنان داده، جمع‌آوری نمایند و در صندوقچه و سر ماه وارد شرکت نموده و به اسم خود آن طفل قبض شرکت را بگیرد که موجب رغبت او بشود (همان، ص ۱۵۹ - ۱۶۰).

ایشان پس از بیان این آیه، به ضرورت تأسیس شرکت مخمس این گونه اشاره دارند: طریق نیل به این مقاصد عظمی، تأسیس شرکت مخمس است به این که حضرات آقایان مرتب‌ترین، یک قسمتی از مال خود را در شرکت مزبوره گذارده تا بعد از مخارج شرکت، منافع آن را تخمیس (تقسیم به پنج قسمت) نمایند (شاه آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹ - ۱۵۸).

د. ممانعت از خروج سرمایه ملی و افزایش ثروت و سرمایه اسلامی - ایرانی

مقام معظم رهبری، یکی از لوازم و عوامل ضرورت اقتصاد مقاومتی را کوتاه شدن دست بیگانگان از سرمایه‌ها و منابع ملی ایران و رهایی ملت از سلطه بیگانگان، بر این سرمایه‌ها داشته، و معتقدند: امروز تحریم‌ها و فشارها برای همین مسئله است. لذا بر این اساس، بر ضرورت اقتصاد مقاومتی تأکید دارند:

ایشان معتقدند: منافع شرکت باید به پنج قسمت تقسیم شود؛ یک پنجم آن برای قرض الحسنه، یک پنجم برای واجبات دینی و سه پنجم هم برای منافع و مصارف



یکی از برنامه‌های اقتصادی علمای شیعه، حفظ ثروت ملی و جلوگیری از خروج سرمایه و پول مسلمانان، به بلاد کفر بوده است. حضرت آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله ملا عبدالله مازندرانی، از مراجع بزرگ نجف، که فتاوی آنها به تعبیر کسروی، مهم‌ترین عامل حضور مردم و سردارانی چون ستارخان و باقرخان در نهضت مشروطیت بوده است (کسروی، ص ۷۳۰). در سال ۱۳۲۹ ق، در اعلامیه‌ای علیه استفاده از کالاهای خارجی، هدف از این اقدام را جلوگیری از خروج ثروت مملکت و منابع داخلی بیان کرده‌اند:

... عموم غیرتمندان اسلام و پیروان حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله الطاهرین البته این معنی را تا به حال فهمیدند و به رأی العین می‌بینند که استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامیه تا به حال به چه درجه موجب ذهاب ثروت مملکت و نسخ (نابود شدن) منابع داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین شده (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

مرحوم شیخ محمد اسماعیل محلاتی از

یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه امکانات، زیر نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیس‌ها بودند، یک روز آمریکائی‌ها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور. انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه می‌خواهد برگردد به این کشور. همه این تلاش‌ها برای این است... از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خب، اما فشار می‌آورند فشار اقتصادی از راه تحریم‌ها. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم (خامنه‌ای، ۱۶/۶/۱۳۸۹).



[یعنی کالای داخلی] گردید و حرف و صنایع مملکتی که سبب استجلاب وجوه نقدیه بود منسوخ شد و آن وجوه نقدیه، از ما منقطع شد و آن قوافل (قافله‌ها) طلا و نقره که هرساله در خانه‌های ما وارد شده و منزل می‌گزید و به طرف ممالک اروپا رهسپار شد و خانه‌های فرنگیان را منزلگاه خود قرار داد و دست ما از آن اموال تهی و در مقابل جیب آنها پر شد (رجبی، پیشین، ص ۴۴۳ - ۴۴۲).

ایشان همچنین، در رساله «مقیم و مسافر»، که در عصر مشروطیت نوشتند و به نقد حاکمیت استبدادی و آثار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن پرداختند، یکی از آثار اقتصادی حکومت استبدادی، که از لحاظ اقتصادی وابسته به خارج است، را اعطای امتیازات به بیگانگان و خروج ثروت و پول از کشور می‌دانند:

اگر اندک تأملی بشود همین اعمالی که اسمش تجارت و صناعت گذارده‌ایم اسباب فقر و فاقه دولت ما شده؛ چرا که تجار ما در واقع مزدور اجانب می‌باشند به اجرت بسیار مختصری. به علت اینکه در

علمای نجف در دوره مشروطه نیز در اعلامیه‌ای، که در تحریم کالاهای خارجی صادر کرده، به این نکته اشاره کرده است:

پر واضح است که امتعه و اقمشه که از طرف اجنبی بر ما وارد می‌شود، آنچه مخارج برده از گمرک و کرایه جهاز و... سرکش قیمت آن امتعه نموده، از ما می‌گیرند. پس در حقیقت همه آن مصارف از جیب ما داده می‌شود و همه آن ادارات به اندازه خود به پول ما دوران می‌یابد... در حقیقت تجارت اروپاییان با ما ایرانیان وسیله‌ای است برای آنکه اموالی از ما استنقاد شود و از چنگال ما بیرون رود به مصرف تقویت دول و عمارت بلاد آنها برسد (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

وجه دوم این است که مصرف کالای خارجی، موجب تضعیف صنعت و تولید داخلی شده و از این جهت، موجب کاهش ثروت ملی می‌شود:

استعمال آنها [یعنی کالای خارجی] و به همان اندازه بلکه بالاتر، اعراضشان از اجناس و حرف وطنیه و ترک نمودن آن باعث مزید رواج آنها و موجب مزید اندراس اینها



غارث منابع ملی کشور، در دوران هجوم اقتصادی استعمار، نیز یکی از مصادیق این بخش از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است. دستور آیت الله ملاحلی کنی نسبت به لغو قرارداد رویتیر، که طبق مواد آن حق استخراج عموم منابع زیرزمینی و روزمینی ایران به مدت هفتاد سال به انگلیس داده شده بود، یکی از این موارد است. همچنین، می‌توان به لغو قرارداد امتیاز انحصاری توتون و تنباکو، با شرکت رژی توسط آیت الله میرزای شیرازی اشاره کرد. یکی دیگر از مصادق حفظ سرمایه‌ها و منابع ملی ایران اقدام برای ملی شدن صنعت نفت است که آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، رهبری اصلی این نهضت بود و تلاش‌های علمای شهرهای مختلف ایران، در حمایت از نهضت ملی شدن نفت، نمونه‌ای از این اقدامات است (ابوطالبی، ۱۳۹۱، ش ۱۷۲).

هـ. اصلاح الگوی مصرف با قناعت و پرهیز از تجملگرایی و اسراف

رهبر انقلاب، یکی از مسائل مهم و لوازم مهم اقتصاد مقاومتی را مدیریت مصرف و اصلاح الگوی مصرف در کشور دانسته معتقدند:

همه اقشار جامعه لازم است در این زمینه تلاش کنند. تلاش در این زمینه را

سال چندین هزار تومان ما را از طلا و نقره حمل به خارج می‌نمایند و اجانب همین پول‌ها را اسباب محموله تجارت می‌نمایند و سالی گُرورها از مملکت ما جلب می‌نمایند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰).

آیت‌الله سید عبدالحسین لاری از شاگردان میرزای شیرازی و عالم برجسته منطقه فارس و لارستان، که در اواخر دوره قاجاریه اقدام به تشکیل حکومت محلی در این منطقه نمود، در پاسخ به سوالی مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی، حرمت استفاده از این کالاها را مستند به خروج ثروت ممالک اسلامی، به ممالک بیگانه و کمک به کفار می‌کند:

امروز آنچه پول از بلاد اسلامی به بلاد خارجی می‌رود اعانت به اعداء دین و استعداد کفار است برای ریختن خون اسلام و مسلمین، [پس] حرام است استعمال آنها سیاست و دیانۀ حفظاً لاسلام و المسلمین مگر در صورت اضطراب و عدم وجود اشیاء وطنی اسلامی... (آیت الهی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۴-۱۷۳).

جلوگیری ممانعت علمای شیعه از خروج و



نوعی جهاد فی سبیل الله می‌دانند:

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است. انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳).

ایشان در باب چگونگی مدیریت مصرف و جلوگیری از اسراف و زیاده‌روی، دو بحث فرهنگ‌سازی و اقدام عملی را مطرح می‌کنند:

مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است.

فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست... بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

نکته مهمی که در اقدامات علما وجود دارد، این است که برای رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی و رونق تولیدات داخلی، بر یک حرکت و اقدام ملی بر اساس قناعت و پرهیز از تجمل تأکید فراوان شده است. اساساً یکی از مظاهر اصلی سبک زندگی علمای شیعه، ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات بوده است. حاج آقا نورالله اصفهانی، در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید دارند که برای تحقق رشد اقتصادی، اگر لازم است از کالاهای ساده و حتی خشن و غیرظریف استفاده کنیم، باید این کار را انجام دهیم:

امروزه بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامی

نکته مهمی که در اقدامات علما وجود دارد، این است که برای رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی و رونق تولیدات داخلی، بر یک حرکت و اقدام ملی بر اساس قناعت و پرهیز از تجمل تأکید فراوان شده است. اساساً یکی از مظاهر اصلی سبک زندگی علمای شیعه، ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات بوده است.



الملك، صادر کرده‌اند در بند چهارم و پنجم آن به بحث ساده زیستی و پرهیز از اسراف و تجملگرایی این گونه اشاره شده است (روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۴ق).

رابعاً، مهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد: یک پلو و یک چلو و خورش و یک افشره. اگر زاید بر این تکلف، احدی ما را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلیف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً، وافوری اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»، «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث «لَا ضُرَرَ وَ لَا ضِرَّارَ»، ضرر مالی، جانی، عمری، نسلی، دینی، عرضی و شغلی آن محسوس و سری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری [است]، به نظر توهین و خفت می‌نگریم.

چنانکه مشهود است بر استفاده از یک نوع غذا و نوشیدنی جهت پرهیز از تجمل گرایی و ترویج ساده زیستی تأکید شده است. همچنین، بر پرهیز از مراوده و ارتباط

لازم و متحتم که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه میسور بکوشیم؛ یعنی لوازم زندگانی را... تا آخرین درجه امکان از امتعه داخله خود استعمال نماییم و تا در مملکت خود اگر چه به اضعاف قیمت و خشن باشد، در بند ظرافت نباشیم و از خارجه نخیریم و این اقتصاد ملکی و ملی را کاربندیم و سرمایه و نقود را به خارجه نسپاریم (روزنامه جهاد اکبر، ۱۳۲۵، ش ۱۴).

استقبال از محصولات این شرکت که در حوزه نساجی فعالیت می‌کرد روزبه‌روز افزایش یافت. لذا برای لباس‌های فرم نیروهای نظامی، مدارس علمیه و مدارس جدید از منسوجات این شرکت استفاده می‌شد (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۷ق، ش ۱۰، ص ۱۱).

در اعلامیه‌ای تعدادی از علما، از جمله حاج آقا نورالله نجفی، آیت الله جعفر فشارکی، آقاجنقی اصفهانی، شیخ مرتضی اثره، سید محمدباقر بروجردی، آقا میرزا علی محمد، حاج میرزا مهدی جویباره، سید ابوالقاسم الدهکردی، سید ابوالقاسم زنجانی، محمدجواد قزوینی، سید محمدرضا مسجدشاهی، آقاحسن بیدآبادی و رکن



با اهل و افور از باب مقابله با اسراف، تبذیر، ضرر، زیان مالی، بدنی، روحی و آبرویی تأکید شده است.

مرحوم آیت الله شاه آبادی، استاد حضرت امام، اقتصاد در امر معیشت و ترک قیود مضره را از مهم‌ترین اهداف و مقاصد دین اسلام می‌دانند. ایشان در مباحث اقتصادی اسلامی، بر پرهیز از اسراف و حیف و میل اموال تأکید دارند. و یکی از اقدامات مهم اقتصادی را تشکیل بیت‌المال می‌دانند، در قالبی که مانع حیف و میل اموال بشود: تشکیل بیت‌المال از زکوات و اخماس و غیرهما در تحت قواعدی که موجب حفظ از حیف و میل بوده باشد (شاه آبادی، ۱۳۸۰، ص ۹).

نتیجه‌گیری

مباحث گذشته، نشان می‌دهد که آنچه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، تحت عنوان اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌ها و الزامات آن مطرح کردند، در طول تاریخ معاصر ایران، مورد توجه علمای بزرگ شیعه بوده است. عالمان شیعه به دلیل جایگاه رفیع اجتماعی و سیاسی خود در جامعه ایران و بر اساس مبانی نظری دینی و اصولی، مثل اصل نفعی سیبیل، اصل حرمت دوستی با کفار، اصل حرمت تشبه به کفار و بسیاری

از اصول دینی و فقهی دیگر، متوجه تحقق اقتصاد مقاومتی بوده و به حراست و حمایت از سرمایه‌های ملی این کشور پرداختند. البته، همواره نقطه اتکای خارجی آنها در این اقدامات، اصیل‌ترین سرمایه اجتماعی ایران؛ یعنی توده‌های مردم بودند.

علمای شیعه با تشویق بازاریان به تأسیس شرکت‌های اقتصادی اسلامی و ایرانی و حمایت معنوی و عملی از تولیدات داخلی و صدور اعلامیه و بیانیه مبنی بر تحریم کالاهای خارجی، یا ترویج کالاهای داخلی و تعهد عملی خود، به پرهیز از کالای خارجی و استفاده از کالای داخلی و با قناعت و ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل و اسراف، نقش مؤثری در زمینه‌سازی برای تحقق اقتصاد مقاومتی داشته‌اند. به گونه‌ای که صدای اعتراض بیگانگان، مبنی بر از بین رفتن منافع اقتصادی آنان همواره بلند بوده است. این علمای فهیم و باکیاست، همواره مورد خشم و نفرت بیگانگان بوده‌اند. توجه علمای شیعه، به پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصرف کالای خارجی و منافع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مصرف کالای داخلی، مثل تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، ممانعت از خروج سرمایه



داخلی، ممانعت از خروج نیروی کار ایران، رشد معنویت و اخلاق و دینداری در جامعه نیز جالب توجه است. علمای شیعه افزون بر اقدامات فوق، به منابع زیرزمینی و روزمینی کشور نیز توجه داشته‌اند. در مقاطع مختلف تاریخی، حضرات آیات ملامعلی کنی، میرزای شیرازی، کاشانی و سایر علمای بزرگ، با بیانیه‌ها و فتاوا و احکام خود و همچنین، با رهبری حرکت‌های مردمی و نهضت‌های سیاسی - اجتماعی، با حمایت سایر عالمان هم‌عصر خود، با مقابله با قراردادهای استعماری مثل رویتز، رژی و قرارداد نفت ایران و انگلیس، مانع تاراج و از بین رفتن منابع زیرزمینی و روزمینی کشور توسط بیگانگان شدند.

منابع

ابوالحسنی، علی، ۱۳۸۶، «مروری بر اندیشه و سیره سیاسی صاحب عروه»، *تاریخ معاصر*، ش ۴۲.

ابوطالبی، مهدی، ۱۳۹۱، «نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در ملی شدن صنعت نفت»، *معرفت*، ش ۱۷۲.

آیت‌اللهی، سیده‌محمدتقی، ۱۳۶۳، *ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه*، تهران، امیرکبیر.

بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۸، *علما و رژیم رضاشاه*، چ دوم، تهران، عروج.

بیانات رهبر معظم انقلاب، در: www.khamenei.ir

حرعاملی، محمدبن حسن، بی‌تا، *وسائل الشیعه*، تحقیق شیخ محمد رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

این سیره عالمان دینی نشان می‌دهد که عالمان شیعه با بصیرت کامل سیاسی و تعهد به وظایف دینی خود، ضمن شناخت برنامه‌ها و اقدامات دشمن، نسبت به همه مسائل جامعه اسلامی حتی مسائل اقتصادی و سیاسی حساس بوده، جهت رشد و اعتلای جامعه حتی در بعد اقتصادی، با رویکرد اقتصاد مقاومتی، اقدامات لازم و مناسب هر مقطع را انجام داده‌اند و همانند برخی متدینان متحجز، وظیفه خود را



- رجبی، محمدحسین، ۱۳۹۰، *مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، تهران، نشر نی.
- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، شوال المکرم سنه ۱۳۲۵ ق.
- روزنامه ثریا، لوح فشرده مطبوعات فارسی ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- روزنامه جهاد اکبر، ۱۳۲۵ ق، ش ۱۴.
- روزنامه حبل المتین، لوح فشرده مطبوعات فارسی ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- روزنامه زاینده‌رود، ۱۳۲۹ ق، ش ۱۰.
- رهدار، احمد، ۱۳۹۰، *غرب شناسی علمای شیعه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شاه‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۰، *شذرات المعارف*، تحقیق و تصحیح بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، تهران، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.
- شریف کاشانی، محمدمهدی، ۱۳۶۲، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران، تاریخ ایران.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۹۲ ق، *من لایحضره الفقیه*، تهران، مکتبه الصدوق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.
- قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۱ ق، *مستدرک سفینه البحار*، مشهد، چاپخانه خراسان.
- کربلایی اصفهانی، حسن، ۱۳۷۷، *تاریخ دخانیه*، به کوشش رسول جعفریان، قم، الهادی.
- لمبتون، آن کی اس، ۱۳۶۳، *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲—۱۳۷۴، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۷ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- نجفی، موسی، ۱۳۹۰، *حکم نافذ آقانجفی*، با همکاری علیرضا جوادزاده، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____، ۱۳۹۱، *اندیشه تحریم و خودباوری*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____، ۱۳۸۴، *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*، چ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نجفی، موسی و موسی حقانی، ۱۳۸۱، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، چ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.



ساخت ایران بخیریم؛ ایران ساخته خواهد شد.

۲. رویکرد مدیریتی به اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی^۱

اولین نکته‌ای که ما در مورد اقتصاد مقاومتی به لحاظ رویکرد مدیریتی، می‌توان مورد توجه قرار داد این است که سیاست‌گذار کلان نظام؛ یعنی مقام معظم رهبری به این برنامه، به اصطلاح مدیریتی، به عنوان یک برنامه اقتضائی یا برنامه اضطراری، یا به تعبیر خودشان، ناظر به شرایط فعلی نظام نگاه نمی‌کنند. از این رو، این گونه نیست که بگوییم مثلاً الان چون ما در شرایط تحریم هستیم، یا هر شرایط دیگری، اقتصاد مقاومتی را در دستور کار قرار داده‌ایم. از دیدگاه سیاست‌گذار کلان نظام، اقتصاد مقاومتی یک برنامه همیشگی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. اینکه چگونه این برنامه می‌تواند همیشگی تلقی شود، با توجه به مباحثی که در برنامه‌ریزی، در دانش مدیریت مطرح می‌شود، اجمالاً می‌توان گفت این مسئله اختصاص به کشور ما ندارد؛ در بسیاری از کشورها، پایداری آن نظام‌ها وابسته به اجرای اقتصاد مقاومتی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: این الگو حیات و ممات یک نظام را در گرو خودش دارد. به همین دلیل، وقتی یک مسئله‌ای تا به این حد حیاتی است که حیات و اصل نظام، و همچنین بسیاری از مسائل دیگر، مربوط به اوست، چنین چیزی می‌تواند به عنوان یکی از برنامه‌ها و سیاست‌های کلان همیشگی تلقی شود که بود و نبود آن، با بود و نبود نظام گره خورده است؛ یا حداقل بسیاری از کارکردهای نظام، با بود این برنامه و اجرای آن، می‌تواند اساساً بهبود یابد و با نبود و عدم اجرای آن، ما با مشکلات بسیار پیچیده‌ای دست و پنجه نرم خواهیم کرد. از این رو، در این بحث، این مسئله را مورد توجه قرار داده، می‌خواهیم با رویکرد مدیریتی، نگاهی به آن داشته باشیم.

۱. محمدمهدی نادری قمی / استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) / Naderi@qabs.net



گونه نبوده که ایشان در برنامه‌ریزی کلان نظام و کشور، که مسئولیت اصلی ایشان است، حرکت زیگزاگی داشته باشند. ایشان به عنوان سکان‌دار عالی نظام، از سال‌ها قبل، با پیش‌بینی نقشه‌ها و طراحی‌های دشمن، پیش‌بینی می‌کردند که دشمن از اهرم اقتصاد برای فشار به جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهند کرد. از این رو، پیوسته روی این مسئله تأکید داشته‌اند که به لحاظ اقتصادی، ما تدبیرهای اساسی بیندیشیم، و در واقع، پیش از اینکه آنها بخواهند نقشه‌های خودشان را به اجرا بگذارند، ما تدبیر لازم را اندیشیده باشیم. برای نمونه، به نام‌گذاری سه سال پشت سر هم از چند سال اخیر اشاره کرد: اصلاح الگوی مصرف، همت و کار مضاعف، و جهاد اقتصادی. در ادامه هم خواهیم دید که همه

این نام‌ها و به عبارت دیگر، برنامه‌ها، به نوعی، از الگوی اقتصاد مقاومتی حمایت می‌کند. اگر ما به این شعارها

توجه کرده بودیم، می‌دیدیم آن زمینه‌های لازم برای اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی، می‌توانست و می‌تواند فراهم شود. اگر

در مدیریت گفته می‌شود، یکی از موارد لازم برای پیشرفت سازمان، این است که در آن، با توجه به بحث سلسله مراتب برنامه‌ها در سازمان، (که از تعریف مأموریت و رسالت سازمان شروع می‌شود و بعد تعیین اهداف بلند مدت و سپس تعیین راهبردها و بعد از آن تعیین سیاست‌ها و ...)، برنامه‌ها باید از هماهنگی و انسجام لازم برخوردار باشند. برای مثال، این‌طور نباشد که شما یک راهبردی را تعیین کردید و در ذیل آن، سیاست‌هایی را تعریف کنید که بی‌ربط به آن راهبرد است یا در حالت بدتر، اصلاً متناقض و متضاد با آن راهبرد است. در بسیاری از مسائل مدیریتی، ما در سازمان‌ها چنین مشکلی را ملاحظه می‌کنیم. اگر بخواهیم از این منظر، این مسئله را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که رهبر معظم

انقلاب از این نظر نمره عالی می‌گیرند؛ چرا که که این‌گونه نبوده که هر شش ماه، یا سالی یک بار

مثلاً یک برنامه‌ای را اعلام کنند و بعد از یک سال، برنامه دیگری که هیچ ربطی به آن برنامه قبلی ندارد. به عبارت دیگر، این

سکان‌دار عالی نظام، از سال‌ها قبل، با پیش‌بینی نقشه‌ها و طراحی‌های دشمن، پیش‌بینی می‌کردند که دشمن از اهرم اقتصاد برای فشار به جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهند کرد.



بود که توجه‌ها از آن مسئله معطوف نشود، به بحث توافق‌نامه و همه تلاش‌ها و نقد و انتقادات و توجه‌ها به آن سمت برود. به هر حال، این چهار سال (۹۰ تا ۹۳) که بسیار صریح ایشان بر این مسئله تأکید فرمودند و در اواخر سال ۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ فرمودند. بهمن ۹۲، ماه‌های آغازین تشکیل دولت جدید است. در واقع، رهبر انقلاب آن نرم‌افزاری را که دولت جدید در این چهار سال باید به عنوان الگوی کلان مد نظر قرار دهد و در همه برنامه‌ها و طراحی‌ها، باید در دستور کار قرار دهد، این الگو را به نحوی ارائه دادند. بنابراین، ایشان وظیفه خودشان را در برنامه‌ریزی و تعیین راهبرد و جهت حرکت کلان نظام، به احسن وجه انجام دادند. در این زمینه، این نکته قابل توجه است که هم به لحاظ ارزشی و دینی و هم به لحاظ قانونی، قوای سه‌گانه موظف هستند آن برنامه‌هایی را که مد نظر ولی فقیه است، را کاملاً و به دقت اجرا کنند. ما نیز باید در

این نکته قابل توجه است که هم به لحاظ ارزشی و دینی و هم به لحاظ قانونی، قوای سه‌گانه موظف هستند آن برنامه‌هایی را که مد نظر ولی فقیه است، را کاملاً و به دقت اجرا کنند.

اشکالاتی وجود دارد، بخشی مربوط به این هست که ما به این رهنمودهای کلی فعالان نظام ارائه شده از سوی رهبر فرزانه انقلاب، توجه لازم و کافی را نکردیم. به ویژه از سال ۹۰ به این سو که رهبر فرزانه انقلاب در بحث برنامه‌ریزی کاملاً یک مسیر مستقیمی را ترسیم کرده‌اند و جلو آمده‌اند و آن زیرساخت‌های لازم را برای عملی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی در دستور کار دارند. ایشان در سال ۹۰، بحث جهاد اقتصادی را مطرح می‌کنند. سال ۹۱ تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی و سال ۹۲ حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی. سال ۹۳ نیز اقتصاد و فرهنگ عزم ملی و مدیریت جهادی. سال ۹۴ گرچه شعار اقتصادی نیست و یک شعار بیشتر سیاسی است، اما آن شعار سیاسی هم در واقع به نحوی در گرو این هست که ایشان سعی داشتند از دوقطبی‌سازی کشور در بحث توافق‌نامه برجام جلوگیری کنند؛ و آن وحدت سیاسی لازم وجود داشته باشد، تا همه توجه‌ها، به

همان سمتی که دشمن هدف‌گذاری اصلی‌اش آنجاست و آن ضربه زدن از پایگاه و جبهه اقتصادی است؛ مقصود رهبری این



کنم. اقتصاد مقاومتی، به شکل قانون درآمده و در قالب سیاست‌های، کلی نظام ابلاغ شده است. بنابراین، هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ ارزشی و دینی محتوای آن لازم الاجرا است.

در این بحث، باید توجه داشت که ما در حال بررسی موضوع از منظر مدیریتی هستیم و کاری به منظر اقتصادی آن نداریم. منظر مدیریتی می‌گوید: آن برنامه کلان سازمان توسط مدیران عالی سازمان، تصویب و ابلاغ شده است. اگر سازمان بخواهد به موفقیت برسد، نمی‌توان هرکسی ساز خودش را بزند. آن مجموعه‌هایی که زبردست قرار می‌گیرند، قاعدتاً برای اینکه هماهنگی لازم وجود داشته باشد و آن هارمونی را ما در سازمان ببینیم، باید با آن برنامه‌های مدیران عالی، سازمان خودشان را هماهنگ کنند.

برای روشن شدن بحث، لازم است مروری بر ماهیت اقتصاد مقاومتی داشته باشیم مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

اقتصاد مقاومتی، به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه در یک تعریف کلی و کلان، به معنای مقاوم‌سازی اقتصاد، در مقابل تکانه‌های اقتصادی است که در دنیا ایجاد می‌شود. مثال بسیار روشن آن این

برنامه‌ها و طراحی‌هایی که توسط آنها ارائه می‌شود، تجلی آن دیگری مد نظر ولی فقیه است، ببینیم. به لحاظ قانونی موظفانده؛ چرا که در قانون اساسی، هر سه قوه ذیل ولی فقیه قرار می‌گیرند و سیاست‌های کلان، نظام که ابلاغ می‌شود، طبق قانون این سیاست‌ها از سوی هر سه قوه لازم الاجرا هستند. این از منظر قانونی. از منظر ارزشی و دینی هم که بحث‌ها روشن است. وقتی ولی‌زمان، برنامه‌ای را پس از کارشناسی‌های لازم مصوب و بعد هم با یک نامه رسمی ابلاغ می‌کند، از نظر شرعی هم بر ما لازم و واجب است که به آن عمل کنیم. اینجا جای این سخن نیست که ولی فقیه صرفاً نظرش را بیان کرده‌اند تا برخی بتوانند بهانه بیاورند که اگر ولی حکمی کرد، ما آن حکم را عمل می‌کنیم. اما اگر جایی حکمی نکرد و فقط نظری را ابراز داشت، نظر خود ما برای خودمان حجت است و می‌توان حتی مخالفت کرد. بحث اقتصاد مقاومتی از این خاک‌ریزها عبور کرده، دیگر صرفاً نظر ولی فقیه نیست که گفته شود رهبری نظام یک دیدگاهی دارند من هم به عنوان رئیس مجلس، یا نماینده مجلس، یا وزیر یا رئیس قوه مجریه، نظر دیگری دارم و می‌خواهم نظر خود را اجرا



دولتی. البته مراد از دولتی نبودن، به این معنا نیست که مثل برخی تئوری‌های اقتصاد آزاد، بگوییم دولت هیچ دخالتی اینجا نمی‌کند، بلکه دولت نقش‌های مختلفی نظیر برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، نظارت، تسهیل‌کنندگی، برخورد با فساد اقتصادی و ... دارد. همه این کارها را دولت انجام می‌دهد و در زمینه اقتصاد همچنان نقش دارد، ولی به هر حال، این گونه نیست که مجعول دو دهه اول انقلاب، بار اصلی اقتصاد بر دوش دولت باشد، بلکه بار اصلی اقتصاد بر دوش مردم است.

نکته دیگر اینکه اقتصاد مقاومتی دانش بنیان است؛ یعنی مبتنی بر دانش است و سعی می‌شود با تولید دانش، این اقتصاد رونق بگیرد.

ویژگی دیگر، عدالت‌محوری است. به این معنا که فقط به شاخص‌های معمول و

است که با تغییر قیمت نفت و یا صادرات آن، اقتصاد ما تحت تاثیر قرار نگیرد. البته تا حدی این کار طبیعی است، اما بحث این است که ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد، نه اینکه با ۸۰ درصد تغییر قیمت نفت، اقتصاد ما اساساً متحول شود. اقتصاد مقاومتی، یعنی طراحی و اجرای الگویی که این تکانه‌ها را، ما ضربه‌گیرها یا به تعبیر مدیریتی، بافرهایی ایجاد کنیم که تنش آن را برای ما به حداقل برساند. به همین دلیل، اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد درون‌زا و در عین حال، برون‌گرا است. رهبر فرزانه تأکید دارند منظور ما این نیست که ما در کشور را ببندیم و اقتصاد ما هیچ تعاملی با سایر اقتصادهای دنیا نداشته باشد. در اقتصاد مقاومتی، ما برون‌گرا هستیم و به روابط و تعامل اقتصادی با دنیا و سایر کشورها می‌پردازیم، ولی از نظر ظرفیت‌های اقتصادی، باید به آن چیزهایی که در درون

کشور خودمان هست، تکیه کنیم و با اعتماد و تکیه بر همان‌ها، اساس اقتصاد خودمان را بنا کنیم.

ویژگی دیگر اقتصاد مقاومتی، این است که مردم بنیاد است و نه

رهبر فرزانه تأکید دارند منظور ما این نیست که ما در کشور را ببندیم و اقتصاد ما هیچ تعاملی با سایر اقتصادهای دنیا نداشته باشد. در اقتصاد مقاومتی، ما برون‌گرا هستیم و به روابط و تعامل اقتصادی با دنیا و سایر کشورها می‌پردازیم، ولی از نظر ظرفیت‌های اقتصادی، باید به آن چیزهایی که در درون کشور خودمان هست، تکیه کنیم و با اعتماد و تکیه بر همان‌ها، اساس اقتصاد خودمان را بنا کنیم.



مرسوم اقتصاد سرمایه‌داری ما اکتفاء نمی‌کنیم؛ مثلاً در اقتصاد تولید ناخالص ملی و یا نرخ رشد را افزایش دهیم، بلکه از جمله چیزهایی که بسیار مهم هست و در بسیاری از ثوری‌ها و الگوهای اقتصادی غایب هست، بحث عدالت است، که همواره دغدغه رهبر معظم انقلاب بوده که خود برگرفته از تعالیم اسلامی است. افزون بر این، از نظر مقام معظم رهبری، این الگو یک الگو و برنامه همیشگی است، اینطور نیست برای شرایط خاصی طراحی شده باشد. این الگویی است که کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران، برای اینکه بخواهد سرپا بماند و از نظر اقتصادی شکست نخورد و سیاست، مسائل نظامی و اجتماعی و اینها در تکانش‌های جهانی ضربه نخورند، و تحت تأثیر اقتصاد جهانی قرار نگیرد، ما باید به الگوی اقتصاد مقاومتی رو بیاوریم: ظرفیت‌هایی هم در کشور ما وجود دارد. ظرفیت نیروی انسانی، نیروی جوان تحصیل کرده هم داریم. درصد زیادی از جمعیت ما جوان تحصیل کرده هستند؛ کسانی که برخوردار از مهارت‌ها و تخصص‌های بسیار خوب هستند از این نظر، یک ظرفیت کم نظیری در کشور داریم که آن بحث درون زایی را تأمین می‌کند.

ظرفیت منابع طبیعی هم داریم. مثلاً، مثل کشور ژاپن نیستیم که نه کشاورزی دارد، نه معدنی دارد و عمدتاً باید از خارج نفت وارد کنند. منابع طبیعی متعددی در اختیار داریم که می‌توان با تکیه بر آنها، الگوی اقتصاد مقاومتی را بنا کرده و بالاخره، ظرفیت و موقعیت جغرافیایی خاصی که ما داریم و از نظر ژئوپولیتیک و بحث‌های سوق الجیشی، در منطقه خلیج فارس بسیار حائز اهمیت است. افزون بر این، در مجموعه کشورهای همسایه ما حدود ۶۰۰ میلیون جمعیت دارند ما هم، ۸۰ میلیون ما جمعیت داریم؛ حدود ۷۰۰ میلیونی می‌توانیم در همین منطقه خودمان، با یک بازار ۷۰۰ میلیونی داریم که کل اروپا اگر حدود ۶۰۰ میلیون جمعیت دارد، اگر ما زیرساخت‌های لازم را ایجاد کنیم، می‌توانیم در همین منطقه خودمان روی پای خود بیاستیم یک نگاه نقادانه داشته باشیم و ببینیم در حال حاضر ما در کجا قرار داریم و باید روی قوه مجریه مانور دهیم. اگر بخواهیم این اقتصاد مقاومتی، تقویت شود باید از تولید ملی حمایت بشود، دولت و مجلس باید پای کار بیایند اگر قانونی لازم است، آن قانون باید تصویب شود. اگر لازم باشد باید قوه قضائیه حمایتی کند. اگر لازم



هستند؛ بروند سراغ فعالیت‌های تولیدی؛ به جای بورس بازی و اینکه سکه بخرند و پول‌هایشان را در بانک بگذارند؛ بیایند در عرصه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری کنند. حالا این یک بخش خاصی از مردم هستند؛ بخش عمومی مردم، هم باید به این امر بیایند باشند مردم باید به مصرف تولیدات داخلی و ملی روی بیاورند. به جای این فرهنگی که الان وجود دارد که متأسفانه ما تقریباً همیشه کالای خارجی را ترجیح می‌دهیم این فرهنگ باید عوض شود حتی تخمه آفتاب‌گردان ما هم از چین وارد می‌شود؛ یعنی اکثر این محصول، که در

مغازه‌ها هست و ما مصرف می‌کنیم، از خارج وارد می‌شود. ما تولید داخلی را زمین زدیم، کشاورز ما آن هم تخمه آفتاب‌گردان تولید می‌کند؛ الگوی مصرف هم

وضعیت به مراتب بد دارد. اصلاح الگوی مصرف یکی دوشعار سال بود آن هم باید اصلاح شود. نامگذاری سال ۹۳ را مد نظر

است، یک کار اجرایی صورت گیرد مثلاً یک مشوقی صورت گیرد، باید اقدام شود بنابراین تا تولید ملی پا نگیرد، اقتصاد مقاومتی از شعار به عمل در نمی‌آید؛ وضعیتی که ما متأسفانه الان به آن دچار هستیم؛ یعنی تولید ما به اذعان اکثر کارشناسان، اکثر قریب به اتفاق ما، دچار رکود عجیب و غریبی شده است. که تولید ملی کاملاً فشل و فلج است. البته صاحبان سرمایه و نیروی کار هم باید به تولید ملی اهتمام بخشند، به این معنا که بهره‌وری را افزایش دهند؛ با بی‌تدبیری‌ها و بی‌سیاستی‌ها موجب نشوند، هزینه‌های

تولید بالا برود و بهره‌وری سرمایه و کار کم شود که این هم یکی از الزاماتی است که بدون بالا آوردن بهره‌وری اقتصاد مقاومتی اجرا نمی‌شود. صاحبان سرمایه،

هم به بخش دولت و نهادهای حکومتی مربوط است و بیشتر مخاطب مردم هستند. اگر کسانی، که به خصوص صاحبان سرمایه

اگر کسانی، که به خصوص صاحبان سرمایه هستند؛ بروند سراغ فعالیت‌های تولیدی؛ به جای بورس بازی و اینکه سکه بخرند و پول‌هایشان را در بانک بگذارند؛ بیایند در عرصه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری کنند. حالا این یک بخش خاصی از مردم هستند؛ بخش عمومی مردم، هم باید به این امر بیایند باشند مردم باید به مصرف تولیدات داخلی و ملی روی بیاورند.



ناپذیر و اجتناب ناپذیر این امر، مدیریت جهادی است؛ یعنی اگر شما فرهنگ متناسب با مدیریت جهادی را ایجاد نکرده باشید؛ باز مدیریت جهادی شعاری بیش نخواهد بود. لازم است که ما به عنوان یکی از مقدمات تحقق مدیریت جهادی، به فرهنگ جهادی و نهادینه شدن آن در سازمان‌های خود توجه کنیم. از سوی دیگر، اگر بخواهد عزم ملی هم شکل گیرد، یکی از عناصر بسیار مهم آن، فرهنگ است. اگر یک فرهنگ خاصی وجود نداشته باشد، آن عزم ملی شکل نخواهد گرفت. مثلاً، برای همان رویگردانی از مصرف کالاهای خارجی و روی آوردن به مصرف تولیدات

قرار بدهیم که ایشان بحث بحث اقتصاد و فرهنگ عزم ملی و مدیریت جهادی را به عنوان شعار انتخاب فرمودند در آنجا تصریح می‌کنند که عزم ملی نیاز است؛ از آن الزامات روشن شد که چرا عزم ملی نیاز است؛ یعنی فقط دولت و مجلس وارد عرصه شوند، کافی نیست، باید در سطح ملی عزم و اراده‌ای ملی شکل بگیرد. البته مدیریت جهادی هم لازم است، یعنی مسئولان و دست‌اندرکاران و کارگزاران نظام، اگر بخواهند این الگو را اجرا و عمل کنند، با مدیریت‌های معمولی و حرکت لاکپشتی کافی نیست مدیریت جهادی لازم است؛ یعنی یکی از لوازم پیاده شدن و

تحقق اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی است. لازم است ما در این موضوع و مدیریت

مسئولان و دست‌اندرکاران و کارگزاران نظام، اگر بخواهند این الگو را اجرا و عمل کنند، با مدیریت‌های معمولی و حرکت لاکپشتی کافی نیست مدیریت جهادی لازم است.

داخلی، این نیاز زمینه‌سازی فرهنگی دارد؛ تا فرهنگ سازی نشود، آن عزم ملی با شعار و دستور العمل محقق نخواهد شد. اگر همه اینها را کنار هم بگذاریم، می‌توان گفت: در یک سطح بسیار کلان اقتصاد مقاومتی، یک الگویی است که تحقق آن در گرو سه تا عنصر کلان دیگر است: یکی مدیریت

جهادی و این الگو هم کارهای علمی و پژوهشی انجام دهیم و آن را به گفتمان سازی برای اقتصاد مقاومتی تبدیل کنیم به عبارت دیگر، هم آن نرم افزارها و مقدمات و تمهیدات لازم برای پیاده شدن آن از نظر علمی لازم است و هم مدیریت جهادی از نظر رهبر فرزانه انقلاب یکی از لوازم انکار



نظام ارائه دادند. به عبارت دیگر اگر بخواهد نظام پا بگیرد و آن قدرت و توانایی‌های لازم در آن ایجاد شود، این مسائل باید مد نظر قرار گیرد. شما باید به سراغ اجرایی و عملیاتی کردن آن بروید. آن بخشی هم که مربوط به مردم و توده‌های عمومی بوده، ایشان تذکرات لازم را هم دادند. حالا که آن استراتژیست کلان نظام، آن سیاست‌های کلی و خط مشی‌های کلان را ابلاغ کرده، قاعدتاً انتظار می‌رود که کارگزاران نظام، به ویژه قوه مجریه؛ به لحاظ آن امکاناتی که در اختیار دارد، نسبت به دو قوای دیگر، انتظار می‌رود تلاش بیشتری کند و مسیر جامعه و برنامه‌ها را به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی سوق دهند. انتظار معقول این است که از نظر علمی، و نه برخورد تعصبی و سیاسی که دولت محترم بگوید: آقا ما برای تحقق اقتصاد مقاومتی، چند نوع برنامه طراحی کردیم، متأسفانه دریغ از یک برنامه مول و جامع! اگر کسی آمد به لحاظ علمی گفت: شما برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یا تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی، چه برنامه‌های مشخص کوتاه مدت میان مدت و بلند مدت دارید، دولت باید ارائه دهد. متأسفانه چنین چیزهایی وجود ندارد، اگر هم باشد بسیار بسیار کم است. درحالی

جهادی است که خود مدیریت جهادی، نیازمند فرهنگ جهادی است، البته اینها که چیزی است که باید دولت و نهادهای حکومتی، پایه گذار و بانی آن باشند. عزم ملی هم باید شکل گیرد. البته خود عزم ملی هم در گرو فرهنگ سازی است. فرهنگ سازی عمدتاً کار نهادهای حاکمیتی است، از صداوسیما گرفته تا دانشگاه تا آموزش و پرورش. افزون بر همه اینها، بحث حس استقلال طلبی مطرح است. حضرت آقا تصریح فرمودند: اگر این حسی نباشد، اقتصاد مقاومتی در حد شعار خواهد ماند ما نمی‌توانیم آن را عملیاتی کنیم. حس استقلال طلبی بخش مهمی از آن در آموزش و پرورش، به عنوان یک فرهنگ باید ساخته شود. به هر حال، آن عزم ملی خودش ارتباط وثیقی دارد با بحث فرهنگی که آن فرهنگ در گرو کارهای نهادهای حاکمیتی است.

حاصل سخن اینکه، تاریخ از شعار و با تعصب، و با یک قضاوت علمی باید گفت: آن استراتژیست کلان نظام ولی فقیه و رهبر معظم انقلاب، که باید ریل‌گذاری کنند، ایشان وظیفه خودشان را به نظر ما به بهترین نحو ممکن انجام دادند. آن سر خطها و کدها را به مسئولان و کارگزاران



که اینها یک بسته برنامه مدون لازم دارند. در دولت محترم، حداقل با جستجویی که بنده داشتم و ملاحظه کردم، نه تنها ما برنامه‌هایی نمی‌بینیم، بلکه به مواردی بر می‌خوریم که کاملاً در تضاد با الگوی اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی هم به لحاظ قانونی اشکال داریم، قوانینی مدون باید در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی باشد سایر برنامه‌های شما باید در هماهنگی با این باشد؛ نه در تضاد و تناقض! برای مثال، در همان مؤلفه فرهنگی، که بسیار هم مهم هست، حضرت آقا اشاره فرمودند: که فرهنگ جهادی، یکی از مؤلفه‌های آن خدا باوری، اعتماد به نفس، روحیه استقلال طلبی، اعتماد به خدا و نصرت الهی است. پس بنابراین، دولت محترم برنامه‌هایی را در دستور کار قرار بدهد که این مؤلفه‌های فرهنگی تحقق یابد و شروع به جوانه زدن، رشد کردن و تنومند شدن باشد. ولی

متأسفانه کدهایی داده می‌شود که کاملاً با اینها در تضاد است. وقتی مثلاً، یک مشاور رئیس جمهور می‌گوید: اوج هنر

مدیریت جهادی که حضرت آقا می‌فرمایند: باید اینها عملیاتی شود. در جنگ تحمیلی و در وزارت جهاد سازندگی؛ ما دو الگوی موفق پیاده شده مدیریتی داریم؛ یعنی ما از پس مدیریت‌هایی برآمدیم که هیچ کسی تا به حال در دنیا از عهده آن بر نیامده بود

جنگ با کمتر امکانات جنگی و مدیریت جنگ هشت ساله، اوج اعتماد به نفس است.

مدیریت جهادی که حضرت آقا می‌فرمایند: باید اینها عملیاتی شود. در جنگ تحمیلی و در وزارت جهاد سازندگی؛ ما دو الگوی موفق پیاده شده مدیریتی داریم؛ یعنی ما از پس مدیریت‌هایی برآمدیم که هیچ کسی تا به حال در دنیا از عهده آن بر نیامده بود

جنگ با کمتر امکانات جنگی و مدیریت جنگ هشت ساله، اوج اعتماد به نفس است.



و از جمله اقتصاد در این نظام حل نخواهد شد. این یعنی ۱۸۰ درجه مخالف با آن دیدگاه اقتصاد مقاومتی. بنابراین، اگر چنین نگاهی وجود داشته باشد، چنین باوری در ذهن کارگزاران نظام باشد، متأسفانه باید گفت: همچنان اقتصاد مقاومتی در شعار باقی خواهد ماند و به مرحله عمل نخواهد رسید. مگر اینکه آن افکار و اندیشه‌های غلط در ذهن بعضی از مسئولان نظام تغییر کند. از جمله موانع دیگر تحقق اقتصاد مقاومتی این است که مثلاً برای تحقق اقتصاد دانش بنیان، یکی از کارهایی را که در برنامه ششم هست طراحی و پیش بینی کردند، خرید خدمات از بخش خصوصی است، این به معنی خصوصی سازی آموزش و پرورش است. رهبر فرزانه انقلاب در این بحث نظر دارند و کاملاً مخالف هستند. بحث خصوصی سازی آموزش و پرورش از دیگر موانع تحقق اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا یکی از لوازم اقتصاد مقاومتی که اقتصاد دانش بنیان هست، یا یکی از مؤلفه‌های آن تکیه بر اقتصاد دانش بنیان هست، آمده‌اند برنامه‌ای طراحی کردند که این برنامه هیچ هماهنگی لازم را با اقتصاد دانش بنیان ندارد، بلکه در تضاد با آن هست. این طراحی برای تجاری

نظام، می‌گوید: ما آنقدر ضعیف هستیم که آمریکا ظرف نیم ساعت، یک بمب می‌اندازد و کشور ما زیر و رو کند! اینها سخنان نسنجیده در تضاد با سیاست‌های کلان نظام است. شما باید به نصرت الهی اعتماد داشته باشید. این مسائل بسیار مهم است. در سطح کلان نظام، باورهای مسئولان ارشد نظام باید این باشد؛ اعتماد سازی و تلاش برای تحقق اقتصاد مقاومتی طبیعی است که آن زمینه‌های فرهنگی اقتصاد مقاومتی را قطعاً چنین مسئولانی نمی‌توانند ایجاد کنند.

موانع و مشکلات دیگر تحقق اقتصاد مقاومتی این است که راهبرد کلان این دولت، این است که راه حل تمامی مشکلات ما این است که مسائل خودمان را با آمریکا ببندیم! و اگر مسائل خودمان را با آمریکا حل نکنیم، هیچ مسئله‌ای در این کشور، حتی آب خوردن ما حل نخواهد شد. این تفکر غلط در تضاد ۱۸۰ درجه‌ای است با آن چیزی که حضرت آقا می‌فرمایند که اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون زاست؛ در حالی که مسئولان نظام نگاه به بیرون دارند. اینها معتقدند که مثلاً، در مسئله هسته‌ای و سایر مسائل، که هیچ کدام هم اقتصادی نیستند، با آمریکا توافق نکنید، هیچ مسئله‌ای



سازای نظام آموزشی کشور، خصوصی سازی مشکلات عدیده‌ای در آموزش و پرورش ایجاد خواهد کرد. شکاف طبقاتی، عدالت اقتصادی که یکی از اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی است که کاملاً با خصوصی سازی آموزش و پرورش از بین خواهد رفت. مصوبات دولت که همه همت آن برای اجرای ماده ۱۹ است تاکید دارد که به منظور تعالی و مقاوم سازی فرهنگی و بسترسازی فرهنگی و دستیابی به آرمان‌های سند چشم انداز بیست ساله، این سه کار انجام شود:

۱. وزارت فرهنگ و ارشاد مکلف است نسبت به تسهیل فرایندهای صدور مجوز و بازنگاری و کاهش ضوابط و مقررات محدود کننده تولید و نشر آثار نشر فرهنگی و هنری اقدام نماید. قوه قضائیه و نیروی انتظامی، مکلف هستند امنیت لازم تامین کند. حاصل اجرای این بند در واقع رهاسازی فرهنگی است، یعنی آقایان معتقدند یکی از مشکلات کشور، در بخش فرهنگ این است که ما خیلی نباید سد جلو فرهنگ شد. این سدهای فرهنگی را باید برداشت. هر فیلمی، هر کتابی، هر تئاتری، باید روی صحنه اجرا و پرده نمایش درآید و یا به چاپ و نشر برسد، این تعالی

فرهنگی است!

۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و سایر دستگاه‌های ذی ربط، مکلف هستند فهرست صدور مجوزها و تصدی‌های فرهنگی و هنری قابل واگذاری به بخش خصوصی، و تعاونی و سازمان‌های مردم نهاد را عملیاتی کنند. این بند. این هم باز یک نوع رهاسازی فرهنگی است و از جمله موانع اقتصاد مقاومتی است.

۳. سوم هم که دیگر بسیار بی ربط است در مقوله فرهنگ، سهم و نحوه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی است. در ماده ۲۰ برنامه ششم، کل مسائل فرهنگ در ماده ۱۹ خلاصه شده بود که دو بند آن رهاسازی فرهنگی بود هم اصلاً هیچ ربطی به مسائل فرهنگی ندارد؛ یعنی واقعاً ما می‌خواهیم با این چشم‌انداز، با این برنامه فرهنگی، آن اقتصاد مقاومتی و آن مؤلفه‌های فرهنگی اعتماد به نفس و خداباوری و حس استقلال و... عملیاتی کنیم. به همین دلیل، متأسفانه در عرصه برنامه‌ای ما یا چیز مشخص نداریم یا چیزهایی که هست، نشانی از تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی در آنها دیده نمی‌شود؛ و بلکه بعضی از موارد، کاملاً در تضاد با آن



تصریح فرمودند: که ممنوعیت وارداتی که تولید مشابه داخلی دارد. ما باز می‌بینیم در این دولت چنین چیزی در دستور کار قرار نگرفته است.

یکی دیگر از اموری که ما باید در مدیریت به آن توجه شود، اینکه در هر تهدیدی، فرصت، و بلکه فرصت‌هایی نهفته هست. به قول پیتر دراکر می‌گوید: هنر مدیران این نیست که بتوانند مشکلات را رفع کنند، بلکه مدیران موفق کسانی هستند که می‌روند فرصت‌ها را شناسایی می‌کنند و از فرصت‌ها، استفاده می‌کنند. دلیل این حرف دراکر هم این است که رفع مشکل، یعنی اینکه مانعی را که برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده، در مسیر قرار گرفته، برداریم. اما فرصت، چیزی است که به ما امکان فراتر رفتن از اهداف پیش‌بینی شده را می‌دهد. با این

حساب، روشن است که مدیری که در پی استفاده از فرصت‌ها است، نسبت به مدیری که

فقط در صدد رفع مشکلات است، موفق‌تر

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است. در سطح خردتر هم مسائلی مطرح است مثلاً، یکی از مسائل مطرح در این دولت، حذف بنزین تولیدی پتروشیمی‌های داخلی، به بهانه و شعار آلایندگی است. طبعاً پس از حذف بنزین پتروشیمی‌های داخلی، بحث واردات بنزین مطرح می‌شود که از دو منظر برای ما بسیار استراتژیک و مهم است: یکی از منظر خروج ارز بخش مهمی از آن، برای واردات بنزین هزینه می‌شود. یکی دیگر مشکلات تحریم‌ها و واردات بنزین از خارج است. امروز واردات ما بسیار افزایش یافته است؛ آن هم واردات بی‌ویه که مشابه داخلی هم دارند. این امر موجب تعطیلی تولیدات داخلی و کارخانجات داخلی می‌شود. آمارهایی که گمرک در اختیار ما می‌گذارد، واردات نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش

هم پیدا کرده است. آن هم واردات کالاهایی که بسیاری از آنها مشابه داخلی دارند. به همین دلیل رهبری فرمودند: در

دستگاه‌های دولتی، کالاهایی که مشابه داخلی دارند، خارجی آن نیاید و حتی

هنر مدیران این نیست که بتوانند مشکلات را رفع کنند، بلکه مدیران موفق کسانی هستند که می‌روند فرصت‌ها را شناسایی می‌کنند و از فرصت‌ها، استفاده می‌کنند.



خواهد بود. در بحث برای مثال، تحریم یک تهدیدی برای کشور ما هست. در این تردیدی نیست. اما در این تحریم، فرصت‌های متعددی برای ما نهفته است. به نظر می‌رسد، دست اندرکاران سکان اجرایی کشور، به تحریم فقط به عنوان یک تهدید، آن هم بزرگترین تهدید نظام نگاه می‌کنند. هیچ فرصتی را در درون این نمی‌بینند. در حالی که می‌توان مشابه سازی کرد برای مثال، جنگ تحمیلی هم قطعاً یکی از بزرگترین تهدیدات نظام ما بوده است. اما با مدیریت جهادی ما از تهدید، فرصت‌های

ساختن و تولید موشک گرفته بودیم، امروز در این مرحله قرار نداشتیم. امروز ما در شرایط جنگی قرار داریم؛ چرا که امروز با تحریم و جنگ اقتصادی دشمن روبرو هستیم. اگر ما بخواهیم به سوی اقتصاد مقاومتی حرکت کنیم، فرصت‌هایی الان وجود دارد که بعداً نخواهد بود. بهترین فرصت برای اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی و توانمند سازی اقتصاد آن، محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد، با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد و مسائلی که رهبر

بهترین فرصت برای اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی و توانمند سازی اقتصاد آن، محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد، با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد و مسائلی که رهبر فرزانه مطرح فرمودند. این یک دستورالعمل کاملاً اجرایی است. مسئله مهم نیز اصلاح الگوی مصرف و مصرف کالاهای داخلی و ارتقاء کیفیت آنهاست.

بسیار بزرگی را صید کردیم و از آن استفاده کردیم. برای نمونه، بحث موشکی ما که امروز به عنوان یکی از مهمترین اهرم‌های قدرت ما در منطقه و سطح بین‌المللی است، از تهدید جنگ تحمیلی، پدید آمد. اگر ما از آن فرصت استفاده نکرده بودیم، و به سمت

فرزانه مطرح فرمودند. این یک دستورالعمل کاملاً اجرایی است. مسئله مهم نیز اصلاح الگوی مصرف و مصرف کالاهای داخلی و ارتقاء کیفیت آنهاست. اینها سه کار اجرایی و عملی است که اگر دولت به این سمت برود، ظرفیت‌های بسیار مهمی برای تحقق



این واقعاً شدنی است؛ اما اولاً همت و جسارت می‌خواهد، تئوری می‌خواهد، و بعد هم اینکه ما در برنامه‌ها، این‌ها را مد نظر قرار بدهیم.



اقتصاد مقاومتی ایجاد خواهد شد. راهکارهای دیگری که رهبری ارائه فرمودند: بحث فروش نفت و گاز است که نباید صرفاً به مشتری‌های خاص اکتفا کنیم. همچنین، بحث تنوع در روش‌های فروش. اگر ما به این‌ها توجه کرده بودیم، مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش، برای افزایش صادرات گاز. همچنین، اینکه نباید به صادرات نفت خام اکتفا کرد. بحث افزایش صادرات برق، افزایش صادرات پتروشیمی و افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی، به جای خود نفت خام، اینها راهکارهای عملی و اجرایی تحقق اقتصاد مقاومتی است. در همین سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی آمده است. طبق آمارهای موجود، ما در بعضی سال‌ها سیزده میلیارد دلار فقط صادرات پتروشیمی داشته‌ایم، آن هم در همین منطقه، نه به کشورهای اروپایی. این نشان از ظرفیت بسیار بالای ما است. اگر ما به این سمت‌ها می‌رفتیم - و البته هنوز هم دیر نشده و می‌توانیم به این سمت برویم - آن بحث اقتصاد بدون نفت، در چاه‌های نفت را ببندیم و بدون نفت، اقتصاد را اداره کنیم.



۳. مبانی، اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی^۱

مبانی، اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی از سه منظر قابل بحث می‌باشد:

با توجه به آیات قرآنی و روایات

مبانی و اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی بر اساس آیات قرآن و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام چیست و اینکه چگونه از این مبانی، اصول و راهبردها استنباط می‌شود. برخی از راهبردها در سخنان مقام معظم رهبری نیز آمده است که گاهی از آنها تعبیر به الزامات شده است. زیرا مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی برای ما الزاماتی دارد یعنی به ما الزام می‌کند که باید برای رسیدن به هدف این مسیر را بپیماییم. گرچه بحث اصلی ما در رابطه با چیستی و تعاریف اقتصاد مقاومتی نیست اما به عنوان مقدمه چند تعریف ذکر می‌گردد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار در شرایط تحریم در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد»^۲. از تعاریفی که صاحب نظران، بویژه مقام معظم رهبری بیان فرمودند استفاده می‌شود که اقتصاد مقاومتی آن وضعیتی از اقتصاد است که با یک استراتژی بلند مدت از نقاط قوت به خوبی استفاده و نقاط ضعف اقتصاد را جبران کند بطوریکه تحریم‌های بیرونی، نه تنها بر اقتصاد اثر سوء نداشته بلکه آنها را تبدیل به فرصت کرده و بتواند در شرایط تهدیدآمیز همراه با فشارهای بیرونی و تحریمی، رشد و شکوفایی اقتصاد را ادامه بدهد؛ به چنین اقتصادی با داشتن چنین استراتژی بلند مدتی، اقتصاد مقاومتی می‌گویند.

۱. محمدجمال خلیلیان اشکذری / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) /

m_khalil411@yahoo.com

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶



«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء ۱۴۱) که غالب مؤمنین می‌گویند این یک حکم است نه اینکه اخبار باشد یعنی باید مسلمان‌ها و جامعه اسلامی با عمل و فعالیت و اقدامات و تدابیر خودشان راه نفوذ کفار و سلطه کفار را سد کنند البته داشتن استقلال همانطور که عزیزان می‌دانند به معنای قطع رابطه با کشورهای دیگر نیست ممکن است انسان داد و ستد داشته باشد روابط گسترده‌ای هم داشته باشد اما در عین حال وابسته و زیر چتر سلطه آنها نباشد و استقلال داشته باشد. دومین مبنایی که به ما انگیزه می‌دهد و این ایده و عقیده هست که ما را به طرف انتخاب اقتصاد مقاومتی هدایت می‌کند لزوم آمادگی همه جانبه در برابر بیگانگان هست. آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال ۶۰) کلمه قوه درست است شأن نزول آیه در اینجا نظامی هست اما مطلق هست به عنوان مثال ذکر شده است و همه ابزار ادوات وسایل و نیروهایی که ما را می‌رساند به آن هدفی که در انتهای آیه ذکر شده است «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» باید از آن استفاده کنیم این «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» هم حکمت

منظور ما از مبانی در اقتصاد مقاومتی این است که ریشه و انگیزه ایده اقتصاد مقاومتی چیست؟ یعنی چه انگیزه‌ها و ایده‌هایی باعث طرح اقتصاد مقاومتی می‌شود؟ اصول یعنی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و برای دستیابی به اهداف آن چه قوانین و قواعدی را باید مد نظر داشته و به آن ملتزم باشیم؟ منظور از راهبرد که همان ترجمه واژه استراتژی هست، آن خط مشیی است که برای رسیدن به یک هدف مطلوب و مشخص تعیین می‌شود البته نخستین کاربردهای استراتژی در زمینه‌های نظامی بوده و اکنون در زمینه‌های دیگر هم به کار می‌برند. بنابراین، مسیریایی که پیمودن آن اقتصاد مقاومتی را محقق می‌سازد راهبردهای اقتصاد مقاومتی می‌گویند.

مبانی اقتصاد مقاومتی

اولین مبنایی که با توجه به برخی آیات قرآن برای اقتصاد مقاومتی می‌توانیم ذکر کنیم جلوگیری از سلطه کفار هست یا به عبارت دیگر وقتی که هم قانون اساسی هم زیربنا و مبنای اصلی آن قرآن و سنت می‌گوید که کفار نباید هیچ راه نفوذ و تسلطی بر مؤمنین و جامعه اسلامی داشته باشند و شاید واضح‌ترین آیه در این زمینه



«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ» بیان شده است اگر نگوئیم علت تامه حالا به دست آوردن علت تامه استنباط آن سخت است ولی قطعاً حکمت قطعیه هست و همین که تا چه میزانی باید آماده بشوید تا میزانی که دشمن از جامعه اسلامی ترس و وحشت داشته باشد دیگر قطع طمع بکند از اینکه دست اندازی بکند یا خواسته باشد سلطه‌ای به خرج بدهد. امروز می‌گویند که اسلام هراسی بد است غرب هم یکی از حربه‌های آن علیه اسلام است اما دشمن و بیگانگان و کفار باید از جامعه اسلامی و از قوت و انرژی و اقتدار جامعه اسلامی هراس داشته باشند این غیر از اسلام هراسی هست اسلام نباید بگونه‌ای معرفی شود خشن که دیگران پیروان سایر ادیان از آن بترسند نه اسلام رأفت و رحمت دارد سر جای خودش هم قاطعیت دارد آن بحثی جدا هست اما این مسلم است که به بهانه اسلام هراسی نباید ما جامعه اسلامی را اقتدار و صلابت آن را از او بگیریم که دیگر دشمن نترسد نه قرآن می‌گویند که جامعه اسلامی نظام اسلامی حکومت و کشور اسلامی بگونه‌ای باید اقتدار داشته باشد که «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» این صریح آیه قرآن هست. مبنای سوم کسب عزت برای جامعه

اسلامیقرآن تمام عزت را برای جامعه اسلامی و مسلمین در سایه ارتباط با خدا و اولیاء الهی می‌داند و آنهایی که می‌گویند به کفار پناه می‌برند یا پیوند و رابطه دوستی برقرار می‌کنند برای کسب عزت آنها نمی‌توانند به آنها عزت ببخشند «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِّفَتْ لَهُمْ أَيْمُونُهُمْ عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء ۱۳۹) بنابراین هر فعالیت اقتصادی هر قراردادی هر کار اقتصادی در رابطه با کفار و بیگانگان و کشورهای دیگر باید با حفظ عزت جامعه اسلامی باشد و هیچ‌گونه تحقیری از ناحیه آنها نباشد فرمایشی که در آخرین کلام مقام معظم رهبری روی آن خیلی تأکید داشتند.

مبنای چهارم رسیدن به اقتدار اقتصادیان آمادگی یک جهت است اقتدار اقتصادی به خصوصه هست آیه ۲۹ سوره فتح با ذکر مثالی در توصیف پیامبر گرامی و پیروان ایشان در جامعه اسلامی می‌فرماید آنچه‌آنچنان هستند که «لِيُعْطِيَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» آیه ادامه دارد «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ» مثل این پیروان پیامبر و جامعه اسلامی «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ» روی



پای خودش می‌ایستد آنچنان ستبر وق وی شده است که روی پای خودش می‌ایستد «يُعْجَبُ الزُّرَّاعُ» آن کسانی که بنیانگذار این جامعه اسلامی بودند به تعجب و امی دارند حالا «زراع» به مناسبت «کزرع» که مثال زده شده است «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» در چه صورت کفار از جامعه اسلامی خشم و غضب دارند؟ در صورتی که مقتدر باشد در صورتی که حالتی داشته باشد که «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» باشد و گرنه اگر ما به آنها چشم دوخته باشیم که آنها به ما بدهند سرمایه‌های ما را آزاد کنند تحریم را بردارند و به ما رحمی بکنند هیچ وقت «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» نمی‌شود.

برخی آیات قرآن درباره مقاومت در راه رسیدن به هدف که اینها می‌تواند مستندات عام برای اقتصاد مقاومتی باشد حالا به خصوصه راجع به اقتصاد نیست اما بطور کلی وقتی که خطاب به پیامبر خطاب به مسلمان‌ها دستور به استقامت در راه هدف و رسیده به اهداف و ارزش‌ها می‌دهد شامل فعالیت‌های اقتصادی و صحنه اقتصادی هم می‌شود آیات را مستحضر هستید «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ» (هود ۱۱۲) «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت ۳۰) و آیات دیگری که بعضی از آنها چهار

پنج تای آن اینجا ذکر شده است. «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يُسْتَحْفَنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْقِنُونَ» (روم ۶۰) یک تذکر مهم قرآنی اینجا داریم که در قرآن آمده است در سوره نساء آیه ۱۰۴ که می‌شود برای آن یک استفاده ای هم کرد در برگزاری بین ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی ریاضت اقتصادی در بسیاری از کشورهای غربی به لحاظ شرایط خاص اقتصادی یا بحران‌های اقتصادی با آن مواجه هستند اقتصاد مقاومتی را از سال ۸۹ رهبر معظم انقلاب در ایران و برای جامعه اسلامی مطرح کردند گرچه می‌تواند بعد جهانی داشته باشد و سایر کشورها هم از این ایده استفاده کنند قرآن می‌گوید که «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» سستی به خود راه ندهید در تعقیب دشمن «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ» اگر شما به رنج و سختی افتادید آنها هم بدانید در رنج و سختی و عذاب هستند منتهی فرق آن این است این هم در زمینه نظامی کاربرد دارد هم در زمینه اقتصادی آنها به شما فشار می‌آورند اما «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ» (نساء ۱۰۴) فرق آن این است «تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» شما انگیزه و هدف دارید به یک نقطه خاص ارزشمند به هدف متعالی می‌خواهید برسید «الله مولا



لنا و لا مولا لکم» همان شعاری که مسلمین در صدر اسلام می‌دادند اما آنها «مَا لَآ يَرْجُونَ» آنها از روی ناچاری مجبور هستند شرایط سخت اقتصادی را تحمل کنند اما حالا به انگیزه الهی برای رسیدن به هدف خاصی نه برای اینکه حالا این وضعیت بحرانی را پشت سر بگذارند بنابراین بعضی از صاحب نظران از این آیه شریفه استفاده کردند گفتند که این می‌تواند اشعار داشته باشد حالا نه اینکه تفسیر قطعی که خدایی نکرده تفسیر به رأی شود می‌توانیم از این آیه استفاده کنیم که صحنه ریاضت اقتصادی در جهان غرب یا در یک جامعه غیر ایمانی با اقتصاد مقاومتی این فرق را دارد که هر دو تألمون ریاضت می‌کشند اما آنها «تَرْجُونَ» من الله» جامعه اسلامی «تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» اما آنها هدفی ندارند یعنی هدف ارزشمند الهی

بحث دوم اصول اقتصاد مقاومتی

اولین اصل: استفاده از همه ظرفیت‌های کشور است یعنی آن قواعد و قوانینی که ما باید به آن ملتزم باشیم تا بتوانیم با توجه به راهبردهایی که بعد ذکر می‌شود اقتصاد مقاومتی را محقق بکنیم در صحنه عملی جامعه پیاده کنیم کشور ما از ظرفیت‌های

منحصر به فردی برخوردار هست منابع زیرزمینی وضعیت جغرافیایی وضعیت ژئوپلاتیک و جغرافیای سیاسی خداوند موهبت‌های فراوانی را در این سرزمین به ودیعه نهاده است اما مهم این است که از این ظرفیت‌ها ما استفاده بکنیم موفقیت در دستیابی به یک اقتصاد پویا پایدار و قدرتمند و اثرگذار مستلزم استفاده همزمان و البته منطقی و معقول از تمام ظرفیت‌های طبیعی و مردمی و تبدیل توانمندی‌ها به یک باور و غرور ملی است باور یعنی توانستن و غرور ملی یکی از مهمترین توانمندی‌ها که مقام معظم رهبری هم بارها به آن اشاره کردند این است که توانمندی‌های علمی جوانان متخصص مؤمن و با انگیزه ای که همواره ثابت کرده اند که ما می‌توانیم و خواستن توانستن است این اولین اصلی است که استفاده بهینه و استفاده تمام و کمال از همه ظرفیت‌های کشور

دومین اصل باور مسئولین نسبت به اقتصاد مقاومتی این قاعده هم اگر رعایت نشود بهترین ایده‌ها در صورتی که مدیران اجرایی اعتقاد و باور نسبت به آن نداشته باشند خروجی مناسبی نخواهد داشت آن مدیری که احیاناً در سطح بالا باشد اصلاً اعتقادی به اقتصاد اسلامی نداشته باشد تا



همکاری مردم کارها سریعتر آسان‌تر و با هزینه کمتری انجام می‌شود البته همراهی مردمی است تنها با جلب اعتماد آنها ممکن است که راه کارهای خاص خود را دارد یکی در اختیار قرار دادن اطلاعات و شفاف سازی هست یکی مبارزه با مفاسد اقتصادی و نبود تبعیض در جامعه هست و امکانات را در اختیار همه قرار دادن هست آن‌هایی که توانایی استفاده از آن را دارند که اینها جلب اعتماد مردم می‌کنند یک کلامی از مقام معظم رهبری در اینجا اقتصاد مقاومتی شرایط دارد ارکانی دارد یکی از بخش‌های آن همین تکیه به مردم است بعد در ادامه می‌فرمایند: «در بعضی از موارد من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی بخاطر کم توانی جلو نمی‌آید باید فکری بکنید برای اینکه بخش خصوصی توان بخشی بشود حالا از طریق بانک‌هاست از طریق قوانین لازم و مقررات است از هر طریقی که لازم است کاری کنید که بخش خصوصی و بخش مردمی فعال شود.»

چهارمین قاعده و ضابطه‌ای که به عنوان اصل از یکی از اصول اقتصاد مقاومتی باید به آن توجه داشته باشیم اصلاح ساختار اقتصاد و ایجاد تحرک و پویایی در آن است

چه رسد به اسلام مگر در امور فردی به حکم مسلمانی این نمی‌تواند مجری خوبی برای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد البته منظور این نیست که تجارب دانش توسعه یا دانش‌های غربی را طرد بکنیم منظور این است که اصل را ما در پیاده شدن اقتصاد مقاومتی بر منابع غنی اسلامی و نیروهای درون‌زای طبیعی و عظیم کشور خودمان قرار بدهیم باور و اعتماد به نیروهای درونی خودمان در این صورت اگر مسئولی به این باور داشته باشد می‌تواند با تلاشی که انجام می‌دهد نتیجه و خروجی مناسبی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی ارائه بکند.

سومین اصل یا سومین قاعده‌ای که باید رعایت بشود مردمی کردن اقتصاد است یعنی مشارکت دادن حداکثری مردم در صحنه‌های اقتصادی مردم اصلی‌ترین سرمایه‌های نظام اسلامی بودند نظام در طول سال‌ها در عرصه‌های سیاسی و بویژه نظامی و دفاعی از حضور حداکثری مردم کاملاً استفاده کرده است و موفق هم بوده است اما در زمینه اقتصاد می‌بینیم که چون بیشتر به شعار برگزار شده است و هنوز زمینه‌های حداکثری حضور حداکثری مردم فراهم نشده است لذا در این صحنه ما چندان موفق نبودیم با هماهنگی و



غربی بود کنار گذاشت و به جای آن ساختارهای اسلامی و انقلابی متناسب با نظام اسلامی را پیاده کرد در آن زمینه‌ها به پیروزی چشمگیر دست یافت نمونه‌های بارز آن ساختار دفاع مقدس در هشت سال جنگ تحمیلی است با اتکاء بر نیروهای مردمی بسیج و سپاه یک ساختار انقلابی جدیدی بود که امام رحمه الله علیه بنیانگذار آن بودند و موفقیت ما در هشت سال دفاع مقدس قسمت عمده آن مرهون همین ساختار جدید بود که استفاده از نیروهای مردمی بسیج و سپاه و همه نیروها، پیشرفت در زمینه صنایع نظامی موشکی هسته‌ای علوم پزشکی نانو و فضایی نمونه‌هایی است از عوض شدن ساختارهای گذشته و روی آوردن به ساختارهای انقلابی و اسلامی که موجب پیروزی‌هایی در این زمینه‌ها شد اما در زمینه‌های اقتصادی نیز تنها با ایجاد تحول در ساختارهای پولی و مالی به جا مانده از رژیم وابسته گذشته می‌توان زمینه تحرک و پویایی و رشد و پیشرفت مطلوب را با تحقق اقتصاد مقاومتی پدید آورد برای این تحقق اصل از اصول اقتصاد مقاومتی که در اینجا متذکر شدیم یعنی قواعد و ضوابطی که ما برای تحقق اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی باید به آن

ساختارهای غلط اقتصادی مروج الگوهای نادرست در زمینه تولید و مصرف در جامعه می‌شود و زمینه تخلف از قوانین و مقررات و مفاسد اقتصادی را در جامعه فراهم می‌آورد هدف از اصلاح ساختار اقتصاد اصلاح ناکارآمدی‌هایی است که در اقتصاد ایران وجود دارد به دلیل ساختارهای اقتصادی موجود بخش عمده از اعتبارات و منابع مالی در کشور ما به بخش‌های بازرگانی و تجارت سرازیر می‌شود اصلاح و بازبینی نظام مالیاتی این اعتبارات را به بخش‌های تولیدی می‌تواند هدایت بکند و موجب تحقق اقتصاد مقاومتی بشود. همچنین ساختارهای غلط دیگری که هست که این ساختارها مردم را تشویق نمی‌کند به امور تولیدی یا اعتبارات و وجوه و تسهیلات را نمی‌آورد می‌برد به طرف تولید به طرف چیزهای زودبازده و آنچه که سود آن بیشتر است و تجارت و بازرگانی و سوادگری سفته بازی و خرید و فروش دلار و ارز و سکه.

یک نکته مهمی را اینجا متذکر شدیم تجربه بیش از سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داده است که نظام ما در هر زمینه‌ای که ساختارهای به جا مانده از رژیم گذشته را که غالباً متخذ از الگوهای



برقرار شدن امنیت اقتصادی را در این فرمایش خود بیان فرمودند که حدود سیزده سال قبل بیان کردند.

راهبردهای اقتصاد مقاومتی

اولین راهبرد یعنی راهبردها بنا شد آن مسیرهایی باشد که ما باید بپیماییم تا به آن هدف برسیم بعضی جاها بعضی از صاحب نظران در رأس آنها مقام معظم رهبری از راهبردها در کنارش می‌گویند راهبردها و الزامات یعنی آن چیزهایی که ما باید ملتزم به آن بشویم تا به هدف برسیم حمایت از تولید ملی‌مهمترین و اساسی‌ترین راهبرد تحقق اقتصاد مقاومتی اتکاء بر تولید داخلی و تقویت آن است چرا که رسیدن به رشد و رونق اقتصادی و مقابله با دو مشکل اساسی در اقتصاد ایران و بسیاری از کشورها یعنی بیکاری و تورم که همه در سایه اهتمام نسبت به کمیت و کیفیت تولید داخلی امکان پذیر هست دولت به عنوان نهاد برنامه‌ریز و ناظر می‌تواند برای تقویت تولید داخلی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی و داشتن اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا نقش مهمی داشته باشد حمایت از تولید داخلی یک وجه آن این است که یک حمایت مالی باشد جاهایی که نیاز به حمایت مالی هست اما اصل و اساس آن

پایبند باشیم مبارزه با مفاسد اقتصادی است این راهبرد نیست این یک قاعده است که ما باید به آن ملتزم باشیم فراهم کننده و زمینه ساز این قواعد زمینه ساز آن راهبردها و مسیرهایی است که بعد می‌گوییم مسیر را هموار می‌کند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب دلگرمی مردم افزایش سرمایه گذاری تشویق سرمایه داران سالم و رونق بیشتر اقتصاد می‌شود و با وجود تخلفات قانونی و فساد اقتصادی چون رشوه و اختلاس محیط امن و سالم و شرایط امیدوار کنند برای سرمایه گذاری و تولید پدید نمی‌آید مقام معظم رهبری در اینجا به نکته جالبی اشاره فرمودند در این صحبت خودشان می‌فرمایند: «چند سال قبل من به سران قوا نامه نوشتم و تأکید کردم بعضی‌ها ترسیدند راجع به مبارزه با مفاسد اقتصادی گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد من گفتم قضیه به عکس است سرمایه‌گذار آن کسی که می‌خواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت اقتصادی کند از اینکه ببینند ما با فساد اقتصادی و با مفاسد اقتصادی مبارزه می‌کنیم خوشحال می‌شود»

خلاصه اینکه مقام معظم رهبری در اینجا هم رابطه مبارزه با مفاسد اقتصادی و



مربوط به این هست که بگونه‌ای فعالیت بکنند که تولید کیفیت داشته باشد اگر تولید خوب و با کیفیتی باشد هم مصرف کننده داخلی به آن جذب می‌شود و می‌خرد و مصرف می‌کند و این خودش باعث رونق داخلی هست هم اعتبار خارجی پیدا می‌کند و قابل صادرات به خارج است بنابراین تسهیلات مالی یا کمک‌های مالی دولت خیلی وقت‌ها یک مسکنی است یا یک راهکار کوتاه مدت است راهکار اصلی این است که به کیفیت محصولات داخلی پردازیم و همچنین تعرفه‌ها را بگونه‌ای تنظیم بکنیم در بخش عوارض و گمرک که تولید کننده داخلی تشویق شود نه اینکه زمانی که مثلاً تولیدات در میدان می‌آید بنابراین هم تسهیلات مالی هم رسیدگی به کیفیت تولید اینجا هست که همکاری و اهتمام مردم و مردمی بودن اقتصاد می‌تواند خیلی مؤثر باشد و هم راجع به نظام تعرفه‌ها و نظام مالیات‌ها همه می‌تواند در راستای تقویت و حمایت از تولید داخلی باشد.

دومین راهبرد ما یا الزام از الزامات اقتصاد مقاومتی مسیر حمایت از اقتصاد دانش بنیان است در عصر جدید اصلی ترین عامل تعیین کننده در خلق ارزش‌های اقتصادی دانش است فروش علم و

تکنولوژی به یکی از سودآورترین محصولات فکری بشر مبدل شده است بنابراین تمرکز بر کسب ثروت از این طریق راهی بی بدیل است زیرا دانش دارایی است که با مصرف بیشتر رویش بیشتری را در پی دارد لذا اگر اقتصاد کشوری بر پایه دانش شکل گیرد یعنی اقتصاد دانش بنیان که معروف شده است اولاً امکان رویش مستمر دارد ثانیاً پایدار و مستقل خواهد بود لازم به ذکر است که انتخاب این راهبرد از الزامات مبانی مذکور در ابتدای این بحث است چرا که تنها با پیمودن این مسیر یعنی قبلش حمایت از تولید داخلی و همچنین حمایت از اقتصاد دانش بنیان عزت و اقتدار اقتصادی نصیب کشور می‌شود و راه‌های نفوذ و سلطه بیگانگان مسدود می‌شود این هم ارتباط بحث با مبانی اقتصاد

سومین راهبر تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی است که در کلام مقام معظم رهبری است به عبارت دیگر خودکفایی در کالاهای حیاتی و استراتژیک هست تولید اقلامی چون گندم محصولات دامی دانه‌های روغنی داروهای حیاتی و ضروری سوخت و انرژی تجهیزات نظامی و دفاعی اینها همه در زمره کالاهای استراتژیک و حیاتی برای کشور است شرط



هست که اکثراً در این سالها بدان متوسل شده‌ایم و وابستگی همه جانبه اقتصاد کشور به نفت نتیجه اجتناب ناپذیر آن است درآمد حاصل از نفت همچنان بخش عمده‌ای از درآمد کشور را تشکیل می‌دهد این درآمد اولاً تک محصولی و ناشی از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای کشور است ثانیاً متأثر از رفتار کشورهای متخاصم هست که تحریم خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود.

مقام معظم رهبری در اینجا می‌فرمایند کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است این وابستگی میراث شوم ۱۰۰ ساله ماست ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصادی انجام دادیم بنابراین از این ظرفیت باید برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در سایر بخش‌ها بهره برد و با تبدیل این مواد به محصولات ثانویه و ترجیحاً محصول نهایی حتی المقدور از خام فروشی مواد اجتناب کرد.

آخرین راهبردی که در این بخش مطرح شده است یا از الزامات اقتصاد مقاومتی بر

اساسی رسیدن یک کشور به استقلال همه جانبه که از مبانی ما بود در اولین مبنا بود که راه تسلط کفار را ببندد و ما مستقل باشیم شرط اساسی رسیدن کشور به استقلال همه جانبه به عنوان یکی از مبانی اقتصاد مقاومتی داشتن استقلال اقتصادی است و این امر تنها در سایه اتکاء به منابع و تولید داخلی و نداشتن وابستگی به بیگانگان در نیازهای حیاتی و ضروری ممکن هست البته خودکفایی در همه جهات در این دوره ممکن نیست اما عمده این است که ما وابسته نباشیم بگونه‌ای تولید کنیم که دیگران برنامه‌ریزی کنیم صادرات داشته باشیم که کشورهای دیگر هم به ما وابسته باشند تا نتوانند آنها تحریم‌ها و فشارهایشان را بر ما اعمال کنند و به آن امیدوار باشند

چهارمین راهبرد کاهش وابستگی به درآمد حاصل از فروش نفت و دیگر منابع زیرزمینی است کشور ما به عنوان غنی‌ترین کشور از حیث مجموع ذخایر نفت و گاز از زمان کشف نفت یعنی حدود ۱۰۰ سال پیش با معضل نحوه استفاده از آن روبرو هست و تاکنون نتوانسته به نحو اصولی و درست از این منابع در جهت شکوفایی تولید داخلی و اقتدار بین‌المللی استفاده کند و خام فروشی تنها گزینه یا گزینه اکثری

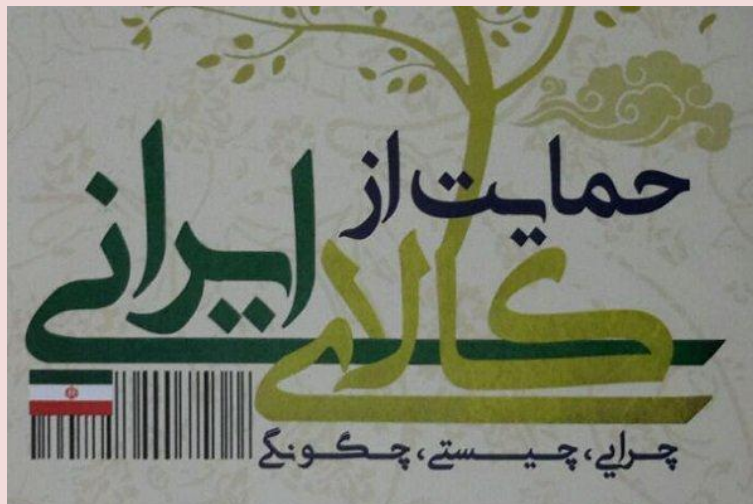


بیش از همه مسئولیت دارد هم دستگاههای دیگر مسئولیت دارند.»



اساس آن مبانی و اصولی که قبلاً ذکر کردیم اصلاح الگوی مصرف و مبارزه با اسراف و تضييع منابع است مصرف توليد را جهت مي‌دهد و اين دو در کنار هم جهت سرمايه گذاري را مشخص مي‌کند يکي از مسائل مهم در اقتصاد مقاومتي مديريت مصرف جامعه است اسراف و تضييع منابع يکي از مشکلات مهم و از موانع اساسي رشد و شکوفايي اقتصاد کشور ماست و يکي از برنامه‌ها و نقشه‌هاي دشمن در راستاي تضعيف نظام جمهوري اسلامي ترويج مصرف گرايي در ميان مردم جامعه هست و تنها راه مقابله با آن مبارزه با تجمل گرايي و مصرف گرايي ترويج فرهنگ صرفه جويي و قناعت و در يک کلام اصلاح الگوي مصرف است. مقام معظم رهبري در زمينه ضرورت اصلاح الگوي مصرف مي‌فرمايد: «مصرف گرايي جامعه را از پاي درمي آورد جامعه‌اي که مصرف آن توليد آن بيشتر باشد در ميدان‌هاي مختلف شکست خواهد خورد»

رهبر معظم انقلاب درباره حل اين مشکل مي‌فرمايد: «فرهنگ سازي لازم است اقدام عملي هم لازم است فرهنگ سازي آن بيشتر به عهده رسانه‌هاست واقعاً در اين زمينه هم صدا و سيما و در درجه اول و



حمایت از کالای ایرانی؛ چرای، چستی، چگونگی؟

معرفی کتاب

کتاب «حمایت از کالای ایرانی چرای، چستی، چگونگی» به قلم دکتر محمدجواد توکلی با بیانی روان و علمی به بررسی چستی، چرای و چگونگی حمایت از کالای ایرانی می‌پردازد. مباحث کتاب در قالب ۶ فصل تنظیم شده است. فصل اول کتاب به بررسی مفهوم حمایت از کالای ایرانی پرداخته و به موضوعاتی همچون طریقه شناخت کالای ایرانی و خارجی و بیان درجات حمایت می‌پردازد. در فصل دوم کتاب، چرای حمایت از کالای ایرانی هم با استناد به ضرورت‌های عینی جنگ اقتصاد پیش رو، اثربخشی حمایت و هم با اشاره مبانی قرآنی و روایی همچون اصل عدم سلطه، تبیین شده است. فصل سوم به تبیین چگونگی حمایت از کالای ایرانی و بیان گام‌های ضروری برای



همچنین مصرف کالای ایرانی بیان شده است. این کتاب به قلم محمدجواد توکلی در قطع رقعی با ۱۹۶ صفحه توسط انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه با قیمت ۱۲ هزار تومان منتشر شده است.



حمایت از کالای ایرانی می‌پردازد. در این تحلیل نقش نهادهای فرهنگ ساز به خصوص خانواده، آموزش و پرورش و رسانه برجسته شده است.

در فصل چهارم کتاب الگوهای حمایت از کالای ایرانی معرفی شده‌اند. پیش از ارائه این الگوها، مدل‌های حمایت از کالای داخلی که در کشورهایی چون آمریکا، ژاپن، کره جنوبی و چین به کار رفته، به اختصار بیان شده است. همچنین سیره علما در حمایت از کالای ایرانی به اختصار آمده است. در الگوهای پیشنهادی حمایت از کالای ایرانی بر ظرفیت‌های نهادهای اسلامی از جمله مسجد، وقف و قرض الحسنه تاکید شده است.

فصل پنجم در پاسخ به شبهات حمایت از کالای ایرانی، ضمن بیان ۸ شبهه عمده در زمینه حمایت از کالای ایرانی از جمله شبهه کیفیت، شبهه ایرانی نبودن کالاهای داخلی، شبهه بی کیفیتی خودرو داخلی و شبهه علمی نبودن حمایت‌گرایی، به شکلی مستند به این اشکال‌ها پاسخ داده است.

فصل پایانی کتاب به احکام فقهی حمایت از کالای ایرانی اختصاص دارد که در آن دیدگاه مراجع محترم تقلید در مورد مصرف کالاهای وارداتی و قاچاق و